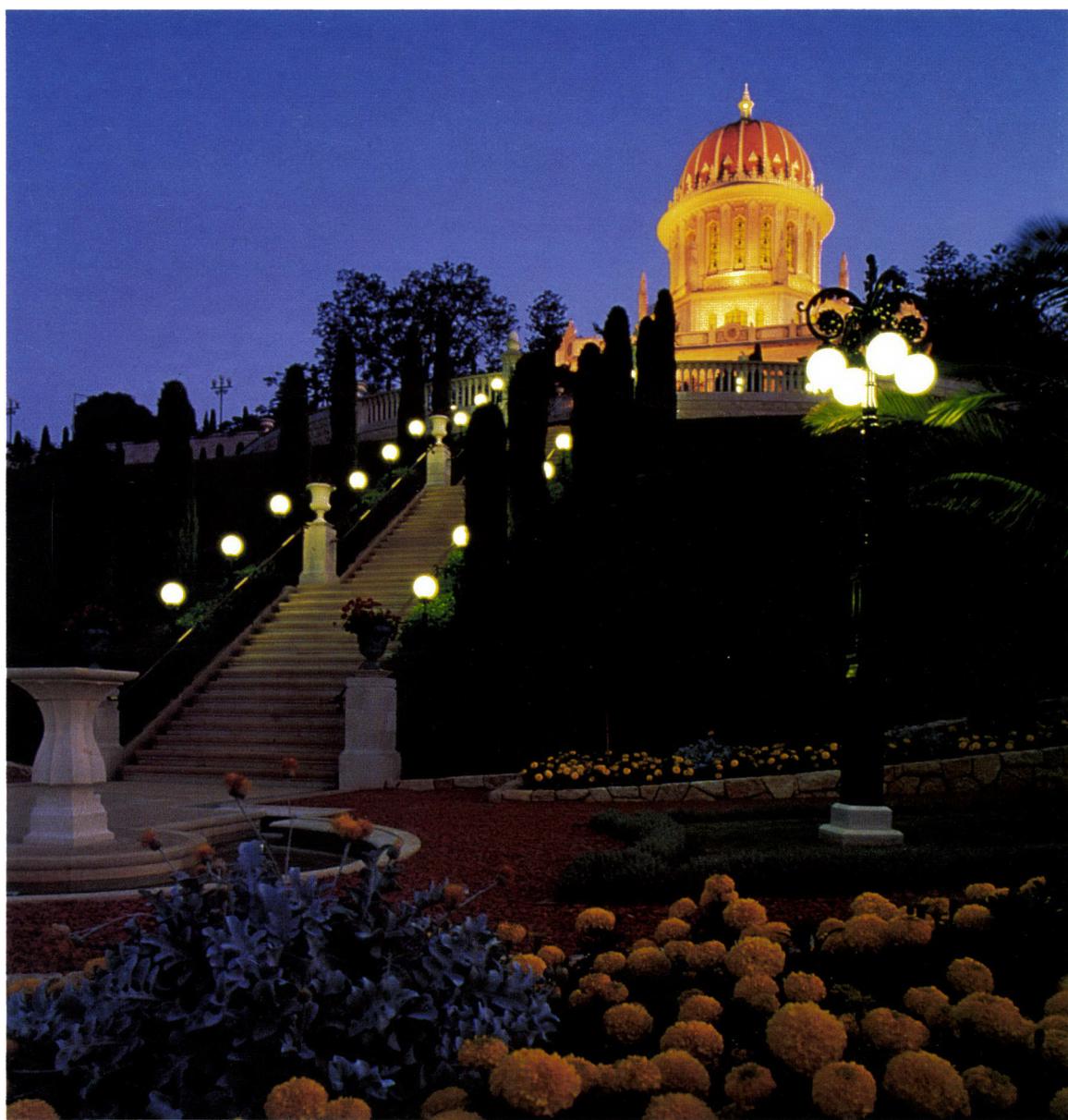


عنديك



عبدالیب

نشریه محل و حوزه علمی تخصصی ایران کانادا
بربان فارسی

شماره ۶۲ «منسق»

No. 62

سال شانزدهم

Volume 16

بهار ۱۵۳ چیز

شمسی ۱۳۹۵

Spring 1997

'Andalib

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN
PUBLICATIONS MAIL SALES
PRODUCT AGREEMENT NO. 680400
RETURN POSTAGE GUARANTEED

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست

صفحه

۱	لوح جمال مبارک جل جلاله (مأخذ دار الانشاء معهد اعلى)
۲	
۴	» » دلوح از حضرت مولی الوری
۷	۲- پیامهای بیت العدل اعظم
۲۰	۴- ربیع معانی
۲۹	۵- تضیینی بر شعر نبیل اعظم
۳۰	۶- نامه تاریخی ملا عبدالکریم قزوینی
۲۲	۷- پیشرفتهای اینیه قوس کوه کرمل
۲۴	۸- نظری به پیشرفتهای علمی و صنعتی قرن بیستم
۴۰	۹- صعود جناب دکتر هوشنگ عهده
۴۲	۱۰- ترجمه متحدمالل دفتر اطلاعات جامعه بین المللی بهائی
۴۲	۱۱- افتتاح فرست در اعلان امرالله
۴۵	۱۲- رنجش و آزرگی
۵۴	۱۲- خزان ویهار
۵۶	۱۴- آثار مبارکه بهائی در ارتباط با معجزات
۶۷	۱۵- شعر
۶۸	۱۶- جناب ملا یحیی علیه غفرانه
۷۲	۱۷- اخبار ویشارات بین المللی
۷۶	۱۸- تشکیل دو محفل روحانی محلی
۷۷	۱۹- اخبار مصور

روی جلد: مقام اعلی و گوشه ای ازنمای جدید حدائق
داخل روی جلد : لوح مبارک جمال قدم جل جلاله بخط اصل
پشت جلد : کانونشن ملی کانادا ۱۵۴ بدیع
داخل پشت جلد : عده ای از احبابی عشق آباد درسال ۱۹۲۶

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الانقطاع شمس اذا شرق من افق سماء نفس تحمنه فيها نار حرص والهوى
كذلك يحركم مالك الورى ان انت من العارفين آن الذي فتح بصره بنور العرفان
ينقطع عن الامكان ما فيه من الالوان يحيى بذلك ربكم الرحمن في هذا المقام
العزيز الرفيع ان انظم اذكر العمان الذي كان من اعز الملوك ومن قبله احمد من
الكيان واتجلت على قلبهما شمس الانقطاع تركاً ماعدهما وخرج اعن بيتهما معيطين
الي العراء واطلع بيهما الله عز وجل عيلم ان العمآن كان ستوياً على عرش الملك
او اسمعناه كلامه من كلامي العيدا هنزا وغلزا وتحير ثم انته وقام وقال مخاطباً الى
نفسه لا خير فيما ملكته اليوم وغداً يملكته غيرك كذلك بنتها وانا المقدرة القدير فلما
تفس الصبح وطلع الشمس وجد الامر العرش متروكاً تغير واو تفاصي الى اقطار
الى ان يسوا اعما اموا انة لهو العالم الجبار لعمته لو كشف الغطاء عن العيون لما كشفنا
عنه لرمى الناس يدعون الدين عن ورائهم ويرون ما يمحى عن هذا الارض لم يز

طوبي لمن توار بناور الانقطاع آنه من اهل سفينة الحمراء لدى سرت العرش
 العظيم طوبي لمدينه اشرقت شمس الانقطاع من افقها ولا رض اصامت من
 انوارها لعمرى لوفازت هذه الديار بغير من اشرافها مابلى ابهى آين
 الاعداد كذلک يقص لك الملك الاسماء تكون من العارفين لوابث لك
 ما ورعى لمطضم لسون وتبكي كبك الفاقدين اذا فزت بروح العزة والرهان
 اقره مرأة من بعد اخرى ثم اقره على الدين تجد من وجوههم نصرة بعد العزيز الكريم
 كذلك شيخ الحجر العظيم لفتح شكري بك العزيز احمد ما الفرح بما توجه
 اليك وجده من هذا المقام الكريم وانزل لك ما يجذبك الى المصود و
 يقربك الى مقامه لميسع ابهى عليك وعلى من شرب كوكبة حلق
 من يادي عطا رب الرحيم .

بُوَّبَة

ای محتدی بوزهدی حشم بینا داشت که مشاهده انوار نمودی گوش
شناو داشت که زمای آسمی شنیدی وجود زنده بودی که احساس مکوت
حائل نمودی این اول قدم است در پیل آسمی ولی سافت راه بعید است
امیدوارم که آن سافت راطی نهانی و به سرمنزل مقصود رسی و آن راه نقطع
از قید بدنی و توکل بر خدا و تعمید بر روح و نار یعنی حصول روح معرفت الله
و افراد خلکی به آتش محبت الله و صداقت و امانت و وفا و ثبات بر عهد
استقامت بر امر الله و خدمت بلکوت صحیح که غیری در قطب عالم
خیمه نمود و سگر وحدت عالم انسانی ماند فرشته آسمانی عالم را منحر کند
این شگریف شاهرش محبت الله است و قوش معرفت الله امیدوارم
که از این جنود گردی تا قدرت آسمانی بینی و تاییدات مکونی مشاهده کنی
و دلیک لحیتیه و هشت نامه ای

هُوَ اللَّهُ

جَنَابُ عَبْدِ اللَّهِ عَبْدِهِكَ آَلِ اللَّهِ

هُوَ اللَّهُ

این بندۀ آنی جمال کبیر آما، جهان را بصلاح و فلاح دلات
وهدایت فرمود تاریخه فساد منقطع گرد و آسایش عمومی حاصل شود
این توده خبر ارض بپیشا شود و این جهان خاک صورت افلاک
پرورد یعنی بکوکب نورانی و موكب آسمانی روشن گردد.

ع ع

ای دلدادگان جمال کبریا ای یاران عزیز باوفا

قوای عظیم‌های که در هویت این آئین نازنین مکنون است هر روز در عرصه شهود نفوذی دیگر کند و جلوه و بروزی بیشتر نماید. تعالیم جانپرورش بر اثر فیوضات حضرت رحمان و بر حسب جبر زمان و نیز به همت پیروان جمال جانان سریعاً در عالم امکان تمکن پذیرد و بر شهرتش بیفزاید و قدرتش را در رفع مشکلات بشر نمایانتر سازد. باید دانست که اصل شجره طبیّه الهی در زمین ثابت گشته و شاخ و برگش سر بر آسمان کشیده و این همه بر اثر تفاعل و تعاون دو قوهٔ قاهرهٔ غالبه است که به اراده الهی هر دو در یک زمان در کارند تا آن درخت همایون را نشوونما بخشنده و به برگ و شکوفه رسانند و بار و برش را در میقات معین نصیب اهل عالم کنند. یکی نیروی ذاتی و طبیعی این بهار روحانی است که طوفان خیز است و شورانگیز و از مقتضیاتش رعد غرآن است باد و باران است و سیل خروشان است که سبب سرسیزی باغ و بوستان است. دیگری قوهٔ نامیهٔ جوهریه آن بذر پاک است که بالبدن و رشد نمودن از لوازم ذاتی اوست و به پرتو شمس حقیقت و رشحات سحاب عنایت پرورش یابد و تنومند و برومند شود و لانه و آشیانه مرغان چمنستان هدایت گردد. طرح کلی الهی که بشر را به بلوغ روحانی میرساند از دسترس ما بیرون است و در خزانه غیب محفوظ و تحقیقش به اراده حق موكول است. به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء:

در این دور بدیع که جمال قدم و اسم اعظم از افق عالم بفیوضات
نامتناهیهٔ تجلی فرموده کلمه‌الله چنان قوتی و قدرتی در حقائق انسانیه
نموده که شنون بشریه را تأثیر و نفوذی نکذاشته بقوت قاهره کل را
در بحر احادیث مجتمع فرموده و میفرماید

آنچه بر اهل بها لازم است پیمودن راه بندگی درگاه الهی است نشر تعالیم یزدانی است تأسیس مدنیت روحانی است. بحمد الله سالیان دراز است که یاران الهی در سراسر دنیا در ظل تشکیلات خداداد خویش گوش به فرمان مرکز امرالله گشوده‌اند و قدم به قدم طبق نقشه‌های معین به پیش رفته و در هر مرز و بوم پرچم اسم اعظم را بر افراشتند. از آن سلسله مجهودات منظم آخرینش نقشه سه ساله بود که در عید رضوان گذشته به پایان رسید و نتائج مشکوری بیار آورد. در آن سه سال دوازده محفل ملی جدید تأسیس گشت و فعلاً تعداد محافل ملیه به ۱۷۴ محفل رسیده و تعداد بسیار زیادی از اهل بهاء در آن مدت قلیل چون نسبت صبا به ممالک و دیار مرور نمودند و بانتشار نفحات قدسیّه الهیه پرداختند و سبب تقویت

روحانی نورسیدگان و از دیاد عدد مونمان شدند. این جدّ و جهد دوستان راهکشای طرحی دیگر یعنی نقشه چهار ساله کوئی گردید. این نقشه وظیفه اهل بهاء را تا اواخر قرن بیستم معین و آنان را آماده میسازد تا تحقیق وعد الهی را سرعتی بیشتر بخشنند. این نقشه های تبلیغی که اهل بهاء را پی در پی در سراسر جهان بحرکت آورده و نطاق امر اعظم را وسعت داده کل مخلوق فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء است که متجاوز از هشتاد سال است که بندگان آستان جمال ابھی را به فتح روحانی جهان دعوت نموده و موظّف ساخته است و این نقشه ها تا عصر ذہبی ادامه خواهد داشت.

تکلیف و مسئولیت قاطبه اهل بهاء در چهار سال آینده در پیام رضوان گذشته معین گشته و رتوس مطالیش بیان شده است و اینک در سراسر دنیا بندگان جمال ابھی در مسیر اجرائش قدم همت نهاده اند. اما آنچه در این اوراق مطعم نظر این مشتاقان است خطابی مخصوص باحبابی عزیز ایرانی است که در طلوع فجر هدایت چون مرغان سحر اول بار مقدم شمس حقیقت را خوشامد گفتند و لبیک گویان بشارت روز دیدار را با هل هر دیار برسانند و باین ترانه آسمانی دمساز گشتند که

مزده به جان دهید که جانان تاج ظهور بر سر نهاده و ابوابهای گلزار
قدم را گشوده چشمها را بشارت دهید که وقت مشاهده آمد و گوشها
را مزده دهید که هنگام استماع آمد دوستان بستان شوق را خبر
دهید که یار بر سر بازار آمد

ولی اهل ایمان در ایران تنها بارتفاع ندای الهی قناعت نفرمودند بلکه در رکاب حضرت موعود به نصرت پرداختند و جان بر کف و صف در صف بمیدان فدا شتافتند که ذکرشان در آثار قلم اعلیٰ مخلد و شرح جانبازیشان برای نفوسي که از اولاد جسمانی و روحانی آن فارسان دلاور و عاشقان بلنداخترند لزومی ندارد همین قدر کافی است که بجان مواظبت کنند که مبادا از این تاج موهبت که بصرف فضل و عنایت نصیباشان شده محروم شوند.

این سابقه تاریخی که هموطنان جمال قدم را فضل تقدّم بخشیده و از بسیاری از جهات ممتاز ساخته آنان را همواره مطعم نظر و مورد توجه بهانیان سایر ممالک نموده است اما در این ایام که آن شهسواران میدان غیرت و وفا در مهد امرالله دیگر بار به هجوم اهل عدوان دچار شدند و با سپر انقطاع و توکل و شجاعت و اطمینان به محافظه و اعلام امرالله پرداختند توقع قاطبه اهل بهاء از بهانیان ایرانی که در ممالک آزاد پراکنده‌اند دو چندان گردیده است پس آن عزیزان باید تأسی به شیران بیشه استقامت در ایران نمایند و از آنان درس عبودیت آموزند. ملاحظه فرمائید که چون تندیاد امتحان باز در آن کشور آغاز شد اخگر ایمان را در دل افراد جامعه که احیاناً زیر خاکستر تعلقات این جهان فانی مستور بود

ناگهان مشتمل ساخت و غبار رخوت و غفلت را از قلوپشان بزدود، ساعقه حواویث نهیی شدید زد بیدار شدند هشیار گشتند و در بزم قرب از جام بلا سرشار شدند و سر از دستار نشناختند و در پای حبیب انداختند. ترکازی و پاکسازی را با پاکبازی و بینیازی مقابله کردند. با تخلق به خلق و خوی رحمانی و سلوک و رفتار ملکوتی جمیع افتراقات و اتهاماتی که ظالماً بی انصاف جهت توجیه مظالم خویش بر یاران ستمدیده بسته بودند نقش بر آب کردند و بر قاطبه مردم روشینین ایران بیکنایی خود و نادرستی اتهامات را اثبات فرمودند. اهل عدوان جوانان بهائی را در ایران از ادامه تحصیلات عالیه محروم ساختند ولی آن مظلومان با همتی بی نظیر بیکار ننشستند و بکسب کمالات انسانی پرداختند و بهر زحمت تن دردادند تا بجاشی که در آموختن علوم ظاهره نیز بر اقران سبقت جستند. باری یاران عزیز در ایران این منزلت و موهبت را هنگامی دریافتند که همه از پیر و جوان زن و مرد حتی اطفال خردسال طبیب جمیع علتهاي خویش را ذکر حضرت ذوالجلال دانستند و منظماً مستمراً به مطالعه آیات و آثار پرداختند و از این طریق فیض روح القدس که در هر کلمه از کلمات الهی دمیده شده مدد فرمود و آن جامعه عزیز را خلقی جدید ساخت به نوعی که دیگر در نظرشان جهان و آن چه در او بود در مقابل عبودیت آستان الهی و رضای جمال کبریا و فوز به حیات ابدی در جمیع عالم الهی هیچ و ناچیز شد لهذا روش زندگانی خویش را با تعالیم جانپرور و روحبخشی که در الواح و آثار مبارکه مندرج است مطابقت دادند، بالنتیجه عزیز دو جهان گشتند و صیت امرالله را در اقصی نقاط و اعلی المقامات هیئت بشری بلند آوازه نمودند.

حال دوستان عزیزی که در ممالک و دیار آزاد جهان پراکنده‌اند باید بیاد آورند که چه مسئولیت عظیمی بر دوش دارند چون همه منظر و آرزومندند که در آئینه اعمالشان انوار تعالیم الهی درخشند و تابان گردد. ملاحظه فرمائید مولای بیهمتا چه مقام و وظیفه خطبری برای آن عزیزان مقدار ساخته است میفرماید:

...یاران و اعضای محافل باید به اعمال و رفتار و سلوک در کل احوال و در تمام شئون و در جمیع معاملات مزیّت و حقیقت و قوت و سمو این آئین مقدس را به ابناء وطن خویش بنمایند نه آنکه اکتفا به تبلیغ و بیان و تفسیر و تشریع کنند حضرت عبدالبهاء مبین حقیقی شریعت حضرت بهاءالله میفرماید "بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سائر ادیان به عربده و هایهونی و لفظ بیمعنی کفايت ننمایند بلکه به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ریانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بیمعنی و بهائی اینست که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرنوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظر کاوش همواره خلق

و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نامتناهی گردد چون
باين موهب موفق شود میتوان گفت که بهائي است و الا در اين دور
مبارك که فخر اعصار و قرون است ايمان عبارت از اقرار به وحدانيت
الهيه نه، بلکه قيام به جميع شتون و کمالات ايمان است" ملاحظه
فرمانيد که اين بيان چه قدر شديد و متين و مشكل الاجراست ولی تا
بهائيان باين طراز کما ينبعی و يليق مزين نگرددند چشم عالم چنانچه
باید و شاید متوجه آنان نشود و نام بهاء الله جهان افروز نگردد ياران
برگزیده ايران باید نظر به پستي محيط خود و دنو اخلاق و سوه رفتار
نفس در حول خود ننمایند و راضی به امتياز وتفوق نسيبي نگرددند
بلکه باید نظر را به اوچ مرتفع نمایند و نقطه نظر گاه را تعاليم و نصائح
قلم اعلى قرار دهند آن وقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی
سلوك مراحلی عديده باقی مانده و طی مسافتات نگرده به سرمنزل
مقصود که تخلق باخلق و شيم الهيه است هنوز وارد نگشته ايم پس ما
که سالکان سبيل نجاتيم باید به تمام قوي بکوشيم تا در مجالسات و
مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصدeman با تمام طبقات نفس در
امور جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در تعاليم حضرت
بهاء الله را به فعل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه نمائیم که
بر کل ثابت گردد که جز قوه جامعه روح حضرت بهاء الله هیچ امری
دیگر تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکند این است يکانه اسباب
نجات و ظفر امر الهی

عاشقان جمال رحمن در ایران به مدد "يکانه اسباب نجات و ظفر امر الهی" به
عين اليقين مشاهده نمودند که چگونه با استقامت در مقابل امتحان و افتتان و عمل به موجب
تعالييم الهي دشمنان حیران گردند و بیکانگان آشنا و پشتیبان مظلومان شوند. اما یقین است
که تنها احبابی عزیز در ایران نیستند که در معرض امتحانند بلکه امتحاناتی که ياران در بلاد
آزاد جهان در مقابل دارند هرچند نوعش تفاوت دارد ولی به همان اندازه شدید و فربینده
است که اگر به مدد آيات و دعا و مناجات و استمرار در خدمات با آنها روپرور نشوند چه بسا
در بحر غفلت و نادانی مستفرق گرددند و در سرگردانی و حسرت و پشیمانی عمر کوتاه را
تباه کنند و توشهای نیندوزنند. مخصوصاً جوانان را باید دریافت و چنان تربیت نمود که
بتوانند از آفات محیط محفوظ مانند و نیز باید آنان را تشویق نمود تا علاوه بر صرف وقت در
تحصیل علوم و فنون نافعه در خدمات امریه شرکت جوینند. جمال مبارک میفرماید:

در ریحان شباب و اول جوانی هر نفسی به محبت الهی فائز شد او از
اهل فردوس اعلى مذکور جهد نما تا از تو ظاهر شود آن چه که سبب
ارتفاع امر است

و نیز میفرماید:

ای جوان ان شاءالله به عنایت رحمن به فیوضات نامتناهی الهیه فائز
شوی چون در اول جوانی به عرفان مشرق وحی مزین شدی از حق
بخواه تا موفق شوی به امری که در دفتر عالم باقی و پاینده بماند هر
امری را فنا اخذ نماید مگر امری که لله کفته شود و عملی که لله
ظاهر گردد او را فنا اخذ ننماید جهد کن تا از رحیق باقی بیاشامی و
به کوثر استقامت فائز گردد

امیدوار چنانیم که جوانان بهائی که اصلشان از مهد امرالله است در جمیع شئون در بین اقران
نمونه و ممتاز باشند. البته جوانان بهائی که در ظل تربیت روحانی پرورش یافته‌اند بجهانی
رسیده‌اند که خود حافظ خویش خواهند بود و امتحانات شدیده جهان کنونی را با شجاعت و
توکل و اطمینان مقابله خواهند نمود چنانکه امروز می‌بینیم که اغلب جوانان عزیز بهائی در
جامعه غیربهائی مشار بالبنانند و سرآمد اقران.

یاران ستمدیده در کشور مقدس ایران همواره از محرومیت خویش در تبلیغ امرالله
نالاندند و چون بآنان بشارت رسد که احبابی سایر ممالک بنام و بالوکاله از ایشان طرحی ریخته
و یا بنام شهیدان نازنین آن سامان قیامی نموده‌اند تا حدی آتش حرمانشان فرو نشیند و دعای
خبرشان بدرقه راه آن صاحبان همت در ممالک خارجه گردد. حال این مشتاقان با یاران
آرزومند در ایران هم‌آواز کشته از هموطنان جمال مبارک در جمیع اقالیم رجا مینماییم که هر یک
به مقتضای وفا قیام نمایند و بیاد برادران و خواهران روحانی خویش در مهد امرالله در تبلیغ
امر الهی اقداماتی شدید و مؤثر فرمایند زیرا امر تبلیغ فریضه‌ایست وجدانی که احدی از آن
مستثنی نیست مفناطیس ناندید است و سبب احیاء نفوس و ارواح. قلم اعلی چنین میفرماید:

جمیع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق
این مقام اعلی است بآن قیام نماید و الا له ان يأخذ وكيلًا لنفسه في
اظهار هذا الامر الذي به تزعزع كل بنيان مرصوص و اندكت العجال و
انصعقت النفوس

و در مقامی دیگر میفرماید:

در یکی از الواح این کلمه علیاء از قلم اعلی نازل که اگر نفسی قادر
بر تبلیغ نباشد وکیل معین نماید

الحمد لله این خوان نعمت امروز برای جمیع دوستان گسترده است نقشه چهار ساله در

کار است تا راهنمای احیاء در اجرای اهداف تبلیغی باشد و اگر بجهاتی احیاناً مستقیماً قادر به تبلیغ نباشند از آنان خواسته شده که با گرفتن وکیلی این فرضه وجدانی را اجراء نمایند و اگر از تدارک یک وکیل کامل بر نیایند از طریق صندوقهای محلی، ملی، قاره‌ای و بین‌المللی حتی‌المقدور تبرعاتی مخصوص صندوق توکیل تقدیم نمایند. مقصود این است که برای شرکت در امر تبلیغ که بفرموده مرکز میثاق اهم امور است جمیع وسائل آماده گشته و بهانه‌ای برای احمدی باقی نمانده است به علاوه مردم جهان که از مصائب کونی خسته و ناتوانند بیش از همیشه مستعد قبول امرالله‌اند و اگر این فرصت از دست رود براستی خسروانی است عظیم زیرا در دنیا از درمانی که به رایکان به اهل بھاء سپرده شده محروم خواهند ماند. امروز روزی است که به فرموده حضرت عبدالبهاء "از هر طرف فریاد این المبلغین بلند است..." خوشابه حال کسانی که به کوشش شنیدند و بجانب اجابت نمودند علی‌الخصوص در این ایام که بر طبق نقشه چهار ساله تا اواخر این قرن باید تعداد مبلغین چنان افزایش یابد که دخول افواج را در ظل امرالله تسريع نماید. احیاء عزیز ایرانی در هر مملکتی که ساکنند باید خود را از فیض خدمات امریه محروم سازند بلکه شایسته چنان است که با اهالی آن ممالک متفقاً متحداً در ظل تشکیلات امریه در نصرت و اعلای امرالله شرکتی لائق جویند و حتی پیشقدم شوند و در بین یاران در عبودیت آستان الهی مشار بالبنان گردند.

دیگر از مسائل مهمی که باید نصب‌العين یاران ایرانی در همه جا قرار گیرد تربیت اطفال است به آداب رحمانی و خلق و خوبی روحانی و اکساب کمالات انسانی. در این سبیل نیز باید از یاران جانفشن ایران سرمشق گیرند که اطفال عزیزان را از اوان کودکی تحت رعایت و عنایت خوبی تربیت می‌فرمایند و به طراز آداب و اخلاق و ترقی در مراتب علم و عرفان مزین میدارند تا مصدق این اوامر مرکز میثاق گردند که می‌فرماید:

...به تمام قوت در تربیت اطفال کوشند تا به آداب الهی و روش و
سلوک بهانی از خردسالی تربیت شوند و مانند نهال به ماه سلسال
وصایا و نصایح جمال مبارک نشو و نما کند

و نیز:

اطفال بهانی باید در تحصیل علوم و فنون از سائر اطفال ممتاز باشند
زیرا مشمول نظر عنایتند آنچه اطفال دیگر در مدت یکسال تحصیل
نمایند تازه نهالان جنت عرفان کودکان بهانی باید در مدت یک ماه
تحصیل کند

و نیز:

اطفال را از سن شیرخواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد

فضائل بپرورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید از هر علم مفیدی
بهره مند نمایند و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید پر همت نمایند و
متحمل مشقت کنند

باین بیان مهمیم که از قلم جمال قدم نازل گشته خوب توجه فرمائید که میفرماید:

آباء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند چه اگر اولاد به
این طراز اول فائز نگردد از اطاعت ابین که در مقامی اطاعت الله
است غافل گردد دیگر چنین اولاد مبالغات نداشته و ندارد یفعل
باهوانه ما یشاء

در این زمانه که بشر در بسیاری از مالک سرکش و لاابالی شده و به مفاسد اخلاقی
و ابتلایات گوناگون چهار گشته‌اند امثال از اوامر مذکور بیش از هر وقت دیگر ضرورت
می‌یابد. یاران عزیز در ایران امثال این اوامر را بمرحله اجراء در آوردند و بتجربه دریافتند
که یکی از نتایج فوری این اهتمام آن بود که اطفال عزیزان بتوانند از صغر سن با جمیع
مشکلاتی که در مدرسه و کوچه و بازار آنان چهارند دلیرانه مقابله کنند و شخصیت خویش و
حیثیت امرالله را محافظت فرمایند. احبابی ساکن سایر ممالک باید همین روش را پیروی نمایند
چه اگر اطفال از تربیت روحانی محروم شوند چگونه از هجوم وساوس گوناگون محفوظ و
مصون مانند؟

از جمله خدمات مشکورهای که بهانیان ایرانی در همه جا میتوانند تعهد فرمایند
مباشرت و مساعدت در تأسیس کلاسهاي درس اخلاق است زیرا کسانی که شاگردان آن
دبستان بوده و ثمرات شیرینش را چشیده‌اند باید در این خدمت جلیل که بالمال سبب
استحکام هر جامعه بهانی است شرکت جویند تا کلاسهاي درس اخلاق در همه جا تأسیس
شود و تربیت و تعلیم بین اطفال بهانی تعمیم یابد.

اما والدین بهانی ایرانی علاوه بر این باید در آموختن فارسی به فرزندان خویش سعی
بلیغ مبذول دارند زیرا این زبان از جمله مرکب وحی الهی در این دور اعظم است و به فرموده
حضرت بهاءالله "...امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران آشکار و هویدا است هر چه این
زبان را ستایش نمایند سزاوار است" و نیز: "محبوب عالم به لسان پارسی تکلم میفرماید دوستان
او هم اگر به این لسان تکلم نمایند و بنویستند لدی الوجه مقبول است" چه نیکو است که عده‌ای
از احبابی ایرانی در هر شهر و دیاری که تعدادی از ایرانیان بهانی ساکنند پیشقدم گردند و
به اطفال و جوانانشان فارسی بآموزند و با هم به قرائت و مطالعه الواح و آثار فارسی پردازند
و از چشمۀ فیاض آیات و آثار مبارکه سیرآب شوند. بحمد الله بعضی از مؤسسات و تشکیلات
بهانی جهت تعلیم و تعمیم زبان فارسی در بین ایرانیان دور از وطن تدبیری اندیشیده و برنامه
هانی ترتیب داده‌اند که باید از آنها در اجرای این خدمت مبارک استفاده نمود.

ای دوستان ارجمند الحمدلله احبابی عزیز ایران در هر عصر و زمان در تقديم خدمات لایقه به امرالله همواره موفق و پیشقدم بوده و هستند لازم نیست که به کارنامه آن قهرمانان میدان وفا در عصر رسولی نظرکبیم تنها اگر به مراحل اخیره عصر تکوین بیندیشیم از اقدامات مؤثر و تاریخی ایرانیان عزیز در ارتفاع و استقرار امرالله در نقاط مختلفه در سراسر جهان باخبر شویم و زبان به ستایش گشائیم در ظل نقشه ده ساله که حضرت ولی عزیز امرالله آن را جهاد کبیر اکبر خوانده‌اند عده زیادی از احبابی ایرانی بفتح روحانی ممالک و دیار فائز گشتند و نامشان در لوحه افتخار به ثبت رسیده است و نیز نفوسی از آنان که با بذل مال و تبرعات کریمانه به تأسیس مؤسسات لازمه عظیمه موفق کشته‌اند بسیارند. در همین سوابع اخیر چون برای ارتفاع اینه شامخه حول قوس کرمل تبرعات مالی ضرورت یافت دوستان ایرانی در کشورهای مختلف بر خود نپستدیدند که از یاران سائر ممالک عقب مانند و کماکان قدم همت به پیش نهادند و در تأمین مصارف آن مشروعات جسمیه حتی المقدور شرکت جستند.

ای عزیزان حق یقین است که ابر دهش و بخشش خداوند آفرینش بر جمیع بشر یکسان می‌بارد اما کسب فیض از ساحت قدس الهی بقدر استعداد است و اگر چه مراتب در میان است و لیکن احمدی نیست که استعدادی به او عنایت نشده باشد و ترقیات نفوس در مراتب وجود بسته به آن است که چگونه استعداد خداداد را به کار گمارند و به اندازه مقدار ترقی نمایند. بر همین منوال مسئولیت هر کس نیز به قدر استعداد او است و لا یکلف الله نفساً الا وسعاً. امید این مشتاقان از آن یاران قدیم جمال رحمان چنان است که بین خود و خدا توانانی خویش را از هر جهت بسنجدند و خود تشخیص دهند و تصمیم گیرند که چه خدمتی به چه مقدار از ایشان ساخته است که بتوانند نثار محیوب ابهی کنند و نذر وفا نمایند تا در عالم بقا به فیض لقا فائز گردند و از حیات خویش نتیجه گیرند و الا اگر فقط و فقط در فکر آسایش زندگی در این دار فنا باشند و از مقصد خلقت خویش غفلت ورزند البته خود را به خسران اندازند. بفرموده حضرت عبدالبهاء:

آسودگی بدن و خفتن شب و گفتن روز و اندوختن در صبح و افروختن
در شام و راحت بستر عبقری حسان و پرنده و پرنیان به چه کار انسان
آید اوقاتی به هذیان بگذرد و چون به پایان رسید زیان اندر زیان و
خسران نمایان

این بیان حضرت بهاالله چقدر مؤثر است که بندگان وفا دارش را چنین نصیحت می‌فرماید:

چه شبها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقتها که به آخر
رسید و چه ساعات که به انتها آمد و جز به اشتغال دنیای فانی نفسی
بر نیامد سعی نمائید تا این چند نفسی که باقی مانده باطل نشود

عمرها چون برق میکزد و فرقها بر بستر تراب مقر و منزل گیرد
دیگر چاره از دست رود و امور از شست

ای دوستان عزیز و باوفا ای هموطنان جمال کبریا آرزو بل انتظار این مشتاقان امیدوار
از آن باران بزرگوار چنین است که در پیروی از اوامر و نصائح الٰی به مقامی رسید که چون
ستاره سحرگاهی در افق هدایت بدراخشد و رهمنون دیگران گردید و به آنچه خداوند بیمانند
در حق آن نفوس ارجمند خواسته و مقدار فرموده فائز شوید.

شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع

بیت العدل اعظم

ترجمة

بیام بیت العدل اعظم
به عموم محافل روحانی ملّی

۱۹۹۷ می ۳۰

PERSIAN TRANSLATION OF THE MESSAGE OF THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
TO ALL NATIONAL SPIRITUAL ASSEMBLIES
MAY 30, 1997

دوستان عزیز بهانی

توسعة جامعه جهاني بهاني و پيچيدگي روز افزون مسائلی که محافل روحاني ملّی در پاره ای از کشورها با آنها مواجه هستند امر بهاني را به مرحله جديدي از توسعه و پيشرفت وارد نموده است. اين وضعیت سبب شده که بیت العدل اعظم در سالات اخیر جوانب گوناگون موازنی بين تمرکز و عدم تمرکز را بررسی نماید. در چند کشور به محافل روحاني ملّی اختیار داده شد که شوراهای بهاني ایالتی یا لجنه های منطقه ای تبلیغ و امور اداری تأسیس کنند. از تجاري که در اثر اقدامات این مؤسسات کسب گردیده و با بررسی تفصيلي اصولی که حضرت ولی امرالله وضع فرموده اند اين نتیجه حاصل شده است که موقع آن فرا رسیده تا عنصر جديدي در نظم اداري بهاني که "شورای بهاني منطقه ای" نامide می شود بوجود آيد که در سلسه مراتب، بين تشکيلات محلی و ملّی قرار می گيرد و متضمن نوع خاصی از مؤسسات امری است.

شوراهای بهائی منطقه‌ای فقط با اجازه بیت العدل اعظم و تنها در کشورهایی که شرایط چنین اقدامی را ایجاد می‌نماید تأسیس می‌گردد. با وجود این مطلوب چنین به نظر رسید که جمیع محافل روحانی ملّی از کیفیت این اقدام تاریخی مطلع شوند و مقام و موقعیت این تأسیس جدید در سیر تکاملی مؤسسات ملّی و محلّی بهائی تصریح گردد.

مؤسسات نظم اداری حضرت بها، الله که ریشه و بنیانشان مبتنی بر آثار قلم اعلیٰ است، به تدریج و به موازات رشد و توسعه جامعه بهائی تحت تأثیر قوانی که اراده الهی در این عصر به جامعه انسانی اعطاء نموده، به منصة ظهور رسیده است. خصوصیات و وظایف هر یک از این مؤسسات و روابط بین آنها متدرّجاً تحول یافته و تکامل می‌یابد. توقعات حضرت ولی امرالله عناصر اصلی این نظام نیرومند را تشريع نموده و مصرح میدارد که نظم اداری گرچه از بسیاری جهات با نظم جهانی که مقدّر است ظهور امر بهائی آنرا بوجود آورد متفاوت است اما در عین حال هم "هسته مرکزی" و هم "طرح و نمونه ای" برای نظم جهانی است. بنا بر این در حالی که تحول و تکامل مؤسسات نظم اداری از تغییرات عدیده تبعیت می‌کند تا با شرایط متحول در زمانها و مکانهای مختلف موافق گردد در عین حال باید منحصراً تابع اصول اساسی نظم اداری بهائی باشد، نظمی که در آثار و نصوص مبارکه و در تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تنصیص و تشريع و وضع گردیده است.

یکی از کیفیّات دقیق نظم اداری بهائی موازنه بین مرکز و عدم مرکز است. این موازنی باید بنحوی صحیح برقرار و حفظ شود، ولکن نسبت به شرایط هر مؤسسه‌ای عوامل گوناگونی در این معادله وارد می‌شود. مثلاً رابطه‌ای که بین محفل روحانی ملّی یا محلّی با لجنات تحت اشراف آنها وجود دارد با کیفیت رابطه‌ای که بین محافل ملّی و محلّی موجود است متفاوت است. در مورد اول رابطه موجود عبارت از رابطه یک مؤسسه اداری مرکزی با "اعضای است که در امور اداری و اجرائی بدان مؤسسه کمک و مساعدت می‌نمایند" (۱) در صورتی که در مورد دوم رابطه موجود عبارت از رابطه بین بیت العدل در سطح محلّی و ملّی است که هریک از آنها مؤسسه‌ایست که مِن عنده‌الله تأسیس شده و حوزه عمل و وظایف و امتیازات آنان به صراحت مشخص گردیده است. شوراهای بهائی منطقه‌ای نه از تمام خصوصیات، بلکه از بعضی از خصوصیات محافل روحانی برخوردارند تا بدین وسیله امکانات پیشبرد اقدامات تبلیغی و همچنین امور اداری مربوط به جامعه سریع التوسعه بهائی را در موقع عدیده فراهم نمایند. بدون چنین مؤسسه‌ای توسعه لجه‌ای ملّی برای تأمین نیازمندیهایی که در بعضی کشورها وجود دارد متضمن خطر پیچیدگی متزايد تشکیلاتی در اثر افزودن طبقه جدیدی از لجنات در تحت اشراف لجنات منطقه‌ای می‌گردد و یا خطر عدم مرکزیت افراطی را به سبب تفویض خود مختاری زیاده از حد به لجنات باعث می‌شود، لجناتی که حضرت ولی امرالله آنها را " مؤسسه‌ای که فقط باید به عنوان مشاوران متخصص و مساعدين اجرائی محفل محسوب شوند" مشخص فرموده‌اند.

اثرات و فواید اختصاصی و ممیزه شوراهای بهائی منطقه‌ای بقرار ذیل است:

(۱) توقع حضرت ولی امرالله مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷ خطاب به محفل روحانی ملّی بهائیان ایالات متحده امریکا و کانادا

- مرتبه‌ای در اختیار تصمیم‌گیری در امور تبلیغی و اداری در ظلّ محفل ملّی و ما فوق محافل روحانی محلّی بوجود می‌آورد که متمایز از محدودیت در اقدامات اجرانی است.
- اعضای محافل روحانی محلّی منطقه را در انتخاب اعضاء شورا دخالت می‌دهد و بدین ترتیب علقة بین شورا و احبابی محلّی را تقویت می‌کند و سبب می‌شود که افراد لایقی وارد میدان خدمت گردند که نزد احبابی منطقه معروف هستند.
- رابطه مستقیم مشورتی بین مشاورین قاره‌ای و شوراهای بهانی منطقه‌ای ایجاد می‌کند.
- در مناطقی که اهالی آنها از نظر قومی و نژادی یکسان هستند اما در دو یا چند کشور مختلف زندگی می‌کنند تشکیل شورای بهانی منطقه‌ای ارتباط آنان را ممکن می‌سازد. در چنین وضعیتی شورای مزبور بنحوی تعیین می‌شود که مستقیماً در تحت اشراف یکی از محافل ملّی آن منطقه انجام وظیفه نماید مشروط بر آنکه گزارشها و خلاصه مذاکرات‌های خود را به سایر محافل ملّی منطقه مزبور نیز ارسال دارد.
- عدم تمرکز بیشتر در اثر تفویض اختیارات به شورای بهانی منطقه‌ای به همان اندازه نیازمند ازدیاد استعداد محفل ملّی در اطلاع از جریان امور اداری در تمام سرزمینی است که تحت اشراف عالیه آن محفل قرار دارد.

برای محافل روحانی ملّی که شوراهای بهانی منطقه‌ای یا لجنات منطقه‌ای اداری و تبلیغ تأسیس کرده‌اند پیام دیگری به ضمیمه ارسال می‌گردد که خطّ مشی لازم برای تشکیل و فعالیت شوراهای بهانی منطقه‌ای را توضیح می‌دهد. برای مراعات سادگی عنوان "شورای بهانی منطقه‌ای" بکار برده شده ولکن اسمی این مؤسّسات در ممالک مختلف همان طور که از قبل مرسوم شده متفاوت است، از قبیل "شورای بهانی ایالتی"، "شورای بهانی ناحیه‌ای"، یا وقتی که منظور یک شورای معین است "شورای بهانی برای ...". و امثال آنها. برای ممانعت از تشتّت اذهان که در اثر بکار بردن عنوان "لجنات منطقه‌ای اداری و تبلیغ" پیش آمده است تصمیم گرفته شد که بکار بردن این عنوان موقوف شود و مؤسّسات مزبور نیز شوراهای بهانی محسوب شوند که اعضای آن بجای انتخاب منصوب می‌شوند. به محافل روحانی ملّی که دارای چنین لجناتی هستند جداگانه نوشته خواهد شد که در صورت لزوم چه تغییراتی باید در سازمان کنونی بدھند.

دعای صمیمانه این مشتاقان در عتبه سامية مقدسه آنست که تأسیس شوراهای بهانی منطقه‌ای توانائی نظم اداری را در مقابله با موقعیت‌های پیچیده‌ای که حال در تعدادی از کشورهای جهان با آن مواجه گشته بمراتب افزایش بخشد تا با نیرومنی افزونتر به نشر نفحات الهیّه و تبلیغ امرالله پردازد.

بیت العدل اعظم



ترجمه پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم

رضوان ۱۵۴ بدیع

یاران عزیز الهی :

پاسخ مشتاقانه یاران در جمیع قارای جهان را به نقشہ چهار ساله که در عید رضوان گذشته آغاز گردید با قلوبی پر امتنان اعلام و تحسین مینمایم .

مشاورات مشاورین قاره‌ای و محافل روحانی ملی اقدامات پر دامنه‌ای را به منظور طرح ریزی برنامه‌های اجرانی نقشہ چهارساله آغاز نمود که اعضاء هیئت‌های معاونت و محافل روحانی، محلی نیز در آن مشارکت داشتند . بدین ترتیب خصوصیات ملی و منطقه‌ای در تنظیم نقشه‌های فرعی منظور گردید . اما اثر و شر این اقدام جهان شمول تنها تهیه نقشه‌های اختصاصی برای کشورهای مختلف نبود بلکه سبب توسعه روابط همکاری دو جناح نظم اداری گردید که طلایه خوش آیندی را از پیروزی هائی که در بی خواهد آمد نمودار می‌سازد .

سرعت عمل در تأسیس قریب به دویست مؤسسه آموزشی در دوازده ماه گذشته حاکی از اثر فوری نقشه چهار ساله است . بسیاری از این مؤسسه‌ها از مرحله طرح ریزی سازمانی فراتر رفته عملأ شروع بکار نموده و اولین دوره‌های آموزشی را آغاز نموده‌اند . علاوه براین ، در جمیع موارد ذیل می‌توان آکاهی مشتاقانه یاران را نسبت به اهمیت تمرکز قوی در تحقق مقصد اصلی نقشه یعنی حصول پیشرفتی مهم در جریان دخول افواج مقبلین ملاحظه نمود : اعزام مهاجرین و مبلغین سیار داخلی و بین المللی بذل توجه بیشتر از طرف افراد احباء به توکیل در تبلیغ ، تهیه مقدمات لازم برای حصول اطمینان از تشکیل محافل روحانی محلی در روز اول رضوان ، کوشش‌های روزافزون جهت تشکیل مرتب جلسات دعا و مناجات و توسعه اقدامات برای استفاده از هنر در مجھودات تبلیغی و دیگر فعالیت‌های جامعه بهائی .

سایر موفقیت‌های سال گذشته را نیز نمیتوان نادیده انگاشت ، اقداماتی که مؤید ارزش شایان مجھودات گوناگون جامعه جهانی ما و نتایج حاصله از اقدامات مزبور است . به ذکر چند نمونه از این موفقیت‌ها اکتفا می‌کنیم : تمکّل آپارتمان واقع در ساختمان شماره ۴ در خیابان کاموئن de Camoens Avenue در پاریس که مولای محبوب حضرت عبدالبهاء در هنگام سفر تاریخی به شهر مزبور در آن سکونت اختیار فرموده بودند ، تخصیص اجلاسیه مجلس نمایندگان فدرال در برزیل در روز ۱۴ آگوست هفتاد و پنجمین سالگرد ورود امر بهائی به آن کشور همراه با مراسم رسمی و بی نظری که در آن حضرت امه البهاء روحیه خانم بنونان مهمان عالیقدر حضور داشتند و بالاخره گشایش صفحه مخصوص جامعه بین المللی بهائی در شبکه مخابرات الکترونیکی World Wide Web در ماه جولای گذشته تحت عنوان «جهان بهائی» که تا امروز متجاوز از پنجاه هزار بیننده از بیش از نود کشور مختلف داشته یعنی بطور متوسط روزی در حدود دویست نفر این برنامه را ملاحظه نموده‌اند .

پیشرفت طرح های ساختمانی مشروعات جبل کرمل تحت الشعاع این پیروزی ها قرار نکرفته و شتاب شکفت انگیز خود را حفظ نموده است . از جمله پیشرفت‌های چشمگیر این مشروعات استقرار ستونهای مرمرین در ساختمان مرکز مطالعه نصوص و الواح ، ارتفاع ساختمان دارالتبلیغ تا طبقه هفتم و آشکار شدن تدریجی وجود مشخصه طبقات حدائق مقام اعلی بصورت چشم اندازی وسیع است . در ارتباط با پیشرفت ساختمان این طبقات باید به پائین بردن سطح قسمتی از خیابانی که طبقات مزبور از فراز آن خواهد گذشت نیز اشاره نمود . همچنین باید تملّک و سپس تخریب ساختمانی را که در ابتدای دامنه کوه قرار داشت و آخرین مانع برای تکمیل طبقات تحتانی مقام اعلی محسوب می شد متذکر شد . با انهدام این بنا مسیری پرشکوه تا مقام مقنیس اعلی و ماوراء آن یعنی تا بالاترین نقطه کوه کرمل ادامه خواهد یافت . ادامه تقدیم تبرعات به صندوق اینیه قوس کوه کرمل به میزانی که هدف تعیین شده برای سال گذشته را تأمین نمود در پیشرفت این مشروعات مدخلیتی شدید داشت . نیازهای مالی این مشروعات با تبرعات بلاقطع یاران اعم از غنی و فقیر که با شهامت و فداکاری تقدیم می گردد برطرف می شود و ضرورتی که در سالهای باقیمانده نیز این شیوه مرضیه ادامه یابد بموازات این مساعی و با همان شور و شوق و بطور مداوم مجهودات مشابهی نیز باید از طرف محافل روحانی و افراد یاران در سراسر جهان برای رفع احتیاجات مبرم صندوق بین المللی مبذول گردد . تجربه حاصل از آغاز فرخنده نقشه چهارساله لاجرم قلوب اعضای جامعه جهانی بهانی را مطمئن می سازد که برای اجرای اقداماتی که در پیام های نقشه ذکر شده و در نقشه های اجرانی محافل روحانی ملی و محلی منظور گردیده کاملاً مجھزند . آنچه علاوه بر اینها در ابتدای دومین سال نقشه بویژه موجب دلگرمی و تحسین است شرایط و احوالی است که تشکیل مجده محفل روحانی ملی رواندا را در ایام عید رضوان میسر ساخته است . حصول این پیروزی در بحبوحه بحران تعداد محافل روحانی ملی را که در رضوان آینده می توانند در هشتمین کانونشن بین المللی در مرکز جهانی بهانی شرکت نمایند به یکصد و هفتاد و پنج محفل بالغ می سازد . بسیار مشتاقیم که تا آن زمان که به نیمة نقشه چهارساله می رسیم عالم بهانی در زمینه افزایش منابع انسانی و بلوغ محافل روحانی و تکامل جوامع محلی به پیشرفتی عمدۀ نائل آید .

مدتی کوتاه که تا خاتمه قرن مانده فرصتی است که بیش از آنچه بتوان بیان کرد پر ارزش است . شایسته و مطلوب در این لحظات تاریخی ، مساعی متّحد و مستمر یاران در سراسر جهان برای پیشبرد جریان دخول افواج مقبلین به شریعة رب العالمین است . مسؤولیت های فوری و اجتناب ناپذیر هر مؤسسه امری و هر عضو جامعه بهانی را بر آن می دارد که برای حصول سرنوشتی که حق و عده فرموده سعی بلیغ مبذول دارد . چون فقط زمان کوتاهی باقیمانده و اهداف بسیاری را باید متحقق ساخت . هیچ وقتی نباید ضایع شود و هیچ فرصتی نباید از دست رود . دوستان عزیز اطیمان داشته باشید که جنود ملا اعلی آماده اند تا هر نفسی را که قیام نماید و خدمات خود را وقف نمایش روحانی عظیمی سازد که در این ایام خطیر تدیرجا در صحنه عالم نمودار می گردد مساعدت و تأیید با تحیّات ابدع ابهی - بیت العدل اعظم ر نمایند .

ربيع معانی

خوشترين و دلکش ترین بهار معنوی الهی با طلع
شمس بها از افق بقا در عالم ظاهر شده که چشم
روزگار شب و مثلش را هرگز ندیده است .

در قرن نوزدهم که بنی آدم بخواب غفلت دچار و در
پنجه ضلالت گرفتار و در گرداب هولناک خرافات و
مادیات غرق و از عوالم معنویت و عرفان و حقیقت
بدور افتاده بود ، بار دگر فضل و موهبت پروردگار
یکتا شامل حال شد ، موعود امم و منجی عالم
حضرت بهاء الله در باغ رضوان خارج شهر بغداد
پرده از رخ برانداخت و راز نهان آشکار ساخت و
اظهار امر فرمود که موعود جمیع ادیان الهی و من
یُظهِرَهُ اللَّهُ مذکور در کتاب مقدس بیان و مرئی امکان
در این عصر و زمانند .

لذا با ظهور نیز آفاق و پرتو انوار اسم اعظم عالم
روشن و منیر گردید و بهار جانبخش معنوی الهی
جلوه بدیعی نمود .

کرچه هنوز اکثر مردمان از خواب گران سر برنداشته
و در صحرای حیرت و پریشانی سرگردانند ولی
شبهای نیست که باثر نفوذ کلمة الله و اقتضای زمان
و نیاز بتعلیمات بدیعه آن ملیک امکان آید روزی نه
چندان دور که نایبینایان بینا و خواب آکودگان بیدارو
غافلان هوشیار شوند و در ظل خیمه یکرنگ الهی و
نظم جهان آرای حضرت بهاء الله آرامش و آسایش
جویند رأیت صلح اعظم در عالم مرتفع گردد و

سالی یکبار بعد از برد شتا بهاری روح افزا در عالم
پدیدار که حیاتی تازه بکائنات می بخشد . هنگام بهار
، غرش رعد ، بارش ابر ، جهش برق ، وزش نسیم
روح پرور و انوار آفتاب جهانتاب ، دشت و دمن را
خرم ، چمن را خندان ، زمین را پرکل و ریحان و
باغ و بستان را رشك باغ جنان نموده و درختان
عریان را بخلعت شکوفه های رنگارنگ آراسته و بساط
نشاط جدیدی در جهان میگستراند .

در هر نوبهار از خاک تیره گل بروید و از دل سنگ
خارا چشمِ خوشگوار جاری شود و نعمات بلبان
خوش آوا بر روی گلها شادی آفریند . ولی ناگفته
نماند « زود باشد که این بهاران را خزان از پی در
آید و بلبان را آوا بخاموشی گراید .

بهار معنوی :

اما به بخشایش الهی و فیض سبحانی پس
از گذشت قرنها بنا باقتضای زمان با ظهور مطالع
رحمان ، بهاری معنوی در جهان ظاهر و عیان گردد
که انوار خورشید درخشانش روشنی بخش جهان
شود و تجدید حیات روحانی انسان نماید .

ظهور چنین ربيع معانی سنت الهی است که تغییر و
تبديل و تعطیل و توقف را در او راهی نیست . اهل
بهاء را عقیده چنانست که در این عصر نورانی

علوم و صنایع و اختراعات و اکتشافات تازه که تا حال سابقه نداشته ، پیشرفت دانش و آگاهی انسان باجرام سماوی ، پیدایش و کشف وسائل ارتباطات سریعه سمعی و بصری تا آنجا که ممالک را بیکدیگر متصل و شهرها را بهم پیوسته و همچنین گرایش آدمیان بصلاح عمومی و کوشش و سعی در رفع تعصبات و تبعیضات ، جنبش عمومی نسوان باخذ حقوق خود و تساوی کامل با مردان که از صدر خلقت از آن محروم بوده اند و صدها امثال اینگونه امور کل از آثار بدیعه این بهار معنوی الهی است که باز ظهر حضرت بهاء الله در عالم پدیدار گشته است.

اظهار امر خفی :

حضرت بهاء الله قبل از اظهار امر علنی در بغداد در سیاه چال طهران اظهار امر خفی فرمودند بدین شرح که بعد از واقعه رمی شاه (ناصرالدین شاه) حضرت بهاء الله گرفتار ظالمان شده و در سیاه چال طهران که زندان قاتلان و قطاع طریق بود مسجون و در آن زندان « انتن اظلم » بوحی الهی مبعوث بر سالت و مأمور بهدایت خلق گردید . در لوح مبارک ابن ذئب این بیانات عالیات نازل ، قوله عزّ کبریانه :

« . . . و در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصغا شد انا ننصرک بك و بقلمک لاتخزن عما ورد عليك و لاتخف ائک من الامنین سوف يبعث الله كنوز الأرض وهم رجال ينصرونك بك

جهانیان از جنگ و جدال و خونریزی و قتال که شأن درندگان ارض است رهائی یابند . در لوح حضرت موجود این بیان نازل قوله الاحلی :

« . . . اگر علمای عصر بگذارند و من على الارض رانحه محبت و اتحاد را بیابند ، در آن حين نفوس عارفه بر حریت حقیقی آگاه شوند ، راحت اندر راحت مشاهده نمایند آسایش اندر آسایش ، اگر ارض بانوار آفتاب این مقام منوز شود ، اذا یصدق ان یقال لاتری فيها عوجا و لا امتا »

مقصود بیان مبارک از علما در این مقام علمای مال اندوز و دنیا پرست ادیان گذشته‌اند که خلق را از شناسائی و عرفان مظہر حق باز میدارند و علمشان حجاب اکبر است .

بدیهی است در آن ایام فرخنده که انسان بعرفان مظہر رحمان فائز و ذمامت اخلاق به محمد و مفاسد به محاسن و سیئات به حسنات مبدل گردد و صلح و سلام جایگزین جنگ و جدال شود . هر آینه ملک آئینه تمام نمای ملکوت و عالم ادنی جلوه ای از عالم بالا گردد .

بهر حال سخن در باره ربيع معانی است و ظهور سلطان جلال در عرصه امکان .

بهار معنوی را نیز مانند بهار ظاهیری آثاری است که سبب تجدید حیات کائنات و موحد تغیر و تبدل و تحول و جنبش و حرکت در امکان میگردد . چنانکه امروز کاملاً مشهود است . ترقیات بشر در

برچیدن خیمه‌ها فرمودند. همه دانستند ایام وصل سرآمد و زمان فراق و هجران فرا رسید لذا جای شادمانی در قلوب دوستان غم نشست و سور از دلهای یاران رخت بر بست. در آن حین رسولی از طرف نامق پاشا والی بغداد وارد و نامه والی را که تقاضای ملاقات باحضرت بهاء الله در دارالحکومه نموده بود تقدیم محضر انور نمود. حضرت بهاء الله بجای ملاقات با والی در دارالحکومه، مسجد مجاور آن را برای ملاقات تعیین فرمودند. روز بعد هیکل مبارک به مسجد مزبور تشریف برده و نایب حکومت از طرف والی وارد و نامه عالی پاشا صدراعظم عثمانی را که در آن از حضرت بهاء الله تقاضا شده بود بعنوان مهمان دولت عثمانی بغداد را ترک و باسلامبول تشریف ببرند تقدیم نمود. در ۲۲ آپریل سنه مزبور حضرت بهاء الله بغداد را ترک و با عظمت و جلال بیاغ نجیب پاشا که بیاغ نجیبیه موسوم و بعداً بیاغ رضوان موصوف گردید نزول اجلال فرمودند. در نخستین روز ورود، اظهار امر علنی فرمودند که مریّ عالم انسانند و من يُظہر اللہ مذکور در آثار مبارکه نقطه اولی و موعد جميع ادیان و روز نهم بعضی از رجال بغداد از جمله شخص والی در محضر مبارک حاضر و اظهار خلوص نموده و تأسف و تأثر خود را از این رویداد ابراز داشتند و نیز عائله مبارکه در آنروز به باغ رضوان وارد شدند. روز دوازدهم روز وداع و آغاز حرکت باسلامبول بود. این دوازده روز از نظر اهل بهاء ایام شادمانی و

و باسمك الذى به احيا الله افندة العارفين . . . در سجن ارض طا اگرچه نوم از زحمت سلاسل و رواحه منتنه قلیل بود و لیکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلای رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابه رودخانه عظیمی که از قله جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآنجهت از جمیع اعضاء آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصحاب احادی قادر نه . . . » بعد از گذشت چهارماه و ثبوت عدم تقصیر آنحضرت در واقعه رمی شاه، آن جمال مبین از زندان اولی البضاء آزاد و بامر « ظالم عجم » بعراق عرب سرگون گردید.

دوران بغداد و ورود بیاغ رضوان :

شرح وقایع و حوادث و بلایای وارده بر آن هیکل نور در دوران توقف یازده ساله بغداد در تاریخ امر بتفصیل آمده ولی بلحاظ اكمال این مقال شمّه ای در باره ایام قرب ظهور مکلم طور و نزول اجلال بیاغ رضوان و اظهار امر علنی آن جمال سبحان بنحو اجمال نگاشته میشود. در اول بهار ۱۸۶۲ میلادی حضرت بهاء الله جشن نوروزی را باتفاق اصحاب در مزرعه وشاش حوالی شهر بغداد برگزار میفرمودند. ناگهان قضای الهی دفتری دیگر گشود، روز پنجم نوروز لوح مبارک ملاح القدس که حاکی از اخبار ناگوار آتی بود از قلم آن محیی عالم نازل و در بین جمع تلاوت گردید و بلافضله امر به

حسین موعود از خلف الف الف حجاب من النور
قدم بیرون نهاد و رشحی از نور مهیمن حمراء بر
عالیان مبذول داشت و مالک یوم الدین بفرموده مبشر
امر رب العالمین در انتهای واحد و ابتدای ثمانین
ظاهر و باهر گشت . جشن اعظم و بزم اتم بر پا شد
و ناقر افحش در کره اخیر هیاکل وجود را باهتزاز
آورد . نسائم غفران از مهّب عنایت بر هیاکل اکوان
مرور نمود ، هیاکل ممکنات از تضویح این نفحات
تجدد گشت و حوریات بقاء از غرفات حمراء بیرون
دویدند و ماء حیوان را بر عالیان مبذول نمودند .

معانی رضوان :

رضوان در لغت به معنای حسنودی ،
رضامندی ، خشنود شدن ، قبول و تحسین و جنت
و بهشت آمده در آثار بهائی کلمه مبارکه رضوان
بسیار ذکر شده که در بسیاری از موقع ناظر باغ
رضوان و عید رضوان و اظهار امر ملیک امکان است .
ولی در برخی از آثار الهی بمنظور یک یا چند از
معانی مذکور در بالا بوده که البته با مذاقه و تعمق
در متن آثار و عبارت آیات درک معنی و مفهوم
میسور است . ضمناً رضوان نام باغی است که در
شرق عکا واقع و جمال مبارک گاهی بدانجا تشریف
میبردند و بیاد خاطره باغ رضوان بدین نام تسمیه
شده است .

صبح تجلی و بقا :

مورخ شهیر بهائی نبیل اعظم که در ایام

نشاط و کامرانی است بآداب و وقار انسانی .
(روز اول و نهم و دوازدهم جزو ایام متبرکه بهائی
محسوب و تعطیل رسمی امری میباشد)

فرخنده جشن اظهار امر سلطان ظهور مکلم طور در
الواح و آثار مبارکه بنامهای عیدالله ، عیدالرحمن ،
سلطان اعیاد و عید رضوان بیان شده و در کتاب
مستطاب اقدس و الواح مبارکه عید به تجلیل و
تکریم یاد و اهمیت و عظمت آن بیان شده است .

اظهار امر در باغ رضوان :

در مورد اظهار امر مبارک در باغ رضوان
حضرت ولی محبوب امرالله در لوح قرن احبابی شرق
چنین میفرمایند :

» در حین حرکت از زوراء بمدینه کبیره در باغ
نجیبیه پس از انقضای سنین مهلت در میقات معلوم
جمال مستور نقاب از رخ برانداخت و سلطان قیوم بر
سریر سلطنت الهیه جالس گشت و مکلم طور بر
عرش ظهور استقرار یافت و روائح روح متضوی شد ،
کون بحرکت آمد و جمیع ممکنات در بحر طهارت
منغمی گردید و کل اشیاء بقیص اسماء مزین
گشت و سفینه حمرا بر بحر احمر جاری شد . میعاد
هزار و دویست و نود که حضرت دانیال در اصلاح
اخیر کتابش بآن اشاره نموده در رسید و سلطان
ظهور بر جمیع اشیاء بجیع اسماء حسنی تجلی
فرمود و مصدق بیان نقطه اولی و ان تمَنَ علی بلقائنا
فی الرضوان و نفحاتک فی ارض السلام تحقق یافت

مقدس و منزه از عرفان ممکنات ، راهش مقطوع و طلبش مردود و آفریده را با فریننده راهی نیست و آفرینش را ابتدائی نه پس هر آنچه در آثار مقدسه پیشینیان راجع به یوم تجلی و است و لقاء الله و ظهور اللہ یوم الله و صبح بقا و لقاء و تجلی ذکر شده مقصود ظهور کلی الهی است .

در لوح احمد فارسی از قلم ابھی نازل قوله عز بیانه : « ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح بقاء و تکلم نمی نماید مگر برحق خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس منماید و عهد الله را مشکنید و نقض میثاق مکنید و باستقامت تمام بدل و قلب باو توجه نماید و نباشید از بی خردان »

و در مقامی دیگر میفرمایند : قوله العزیز « . . . حین ظهور انوار معانی کل در یک مقام وقف و حق نطق میفرماید با آنچه اراده فرماید هریک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل جنت مذکور »

اختلاف تفاسیر آیات در اسلام :

کلام الله مجید ، قرآن کریم حاوی آیات بسیاری در باره لقاء الله ظهور رب ، یوم الله و یوم تجلی و امثاله میباشد ، که علمای اسلام در تفسیر آنها اختلاف نموده اند .

گروهی بنام اشاعره فقط قائل بظواهر آیات و وقوع آنها شده ، ولی معتزله بر این باورند که اینگونه آیات

رضوان از ملازمان حضور و طائفان حول جمال کبریا بوده و افتخار نگهبانی شب نهم را در جوار خیمه مبارک داشته در تاریخ خود راجع به عشق و دلدادگی و انقطاع اصحاب و زیبائی و نضارت باغ و بستان و لطافت و طراوت هوا و ناله و حنین دوستان و اهالی بغداد از فراق نیز امکان سخنها گفته است .

تردیدی نیست که در آن صبح تجلی عاشقان جان باخته و منتظران از قبل شناخته ، بله بله گویان دیده بجمال دوست بی همتا دوخته و محظوظ انوار جمال بی مثال جانان بوده اند . ولی ناقضان عهد شکن و منافقان و حاسدان خودخواه و خفashan ظلمت پناه در دریای بی انتهای هوا نفس و افکار شیطانی خود غرق و از مشاهده تجلیات انوار صبح است محروم و منع بوده اند .

شاعر ماهر بهائی نعیم چه خوش گفته :

چون است و بریکم در داد
بی لا و بله زدند دو صف

صفی از ناقضان عهد شکن
صفی از عاشقان جان بر کف

هرچند برخی از نویسندها و متکلمان ادیان قبل یوم است را نخستین روز آفرینش دانسته که خالق یکتا بکلمه مبارکه (است بریکم) نطق فرموده و لكن بنظر اهل بهاء با توجه بالواح و آثار مبارکه بهائی ذات غیب منیع آفریننده ، لایدرک است و

اگر خلد خواهی بدیگر سرای
 بنزد نبی و وصی گیر جای
 گرت زین بد آید گناه منست
 چنین دان که این راه راه منست

 باری محمود غزنوی بجهات رفض و اعتزال نه تنها
 صله فردوسی را بر حسب وعده ای که داده بود
 نداد بلکه مشهور است که فرمان قتل او را که در
 جلوی پای پیل وحشی بیاندازندش صادر کرد که
 فردوسی فرار اختیار نمود .

 رفض در لغت بمعنای ترک و طرد و عدم قبول رئیس
 و پیشوا آمده زیرا مذاهب مختلفه شیعه بوصایت و
 ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و اولاد او با اختلافاتی
 که در تاریخ اسلام نوشته شده قائلند و سه خلیفه اول
 را قبول ندارند لذا سنی ها آنها را، راضی گویند .

 به حال اختلاف در تفاسیر سبب اختلاف و انشقاق
 در اسلام گردید ولی در امر بهائی عهد و پیمان و
 میناق محکم و متین دو مقام منصوص مبین آیات راه
 انشقاق و انشعاب را مسدود نمود لهذا ناقضان عهد
 و پیمان رب الایات و البینات در این امر اعظم قلیل
 و مردودند و از موهاب الهی محروم و محکوم به
 نیستی و زوال و فنایند ، تاریخ امر بهائی شاهد و
 گواه صحت این گفتار است .

در این عصر و زمان نیز توجه تامه اهل بهاء به مقام
 منصوص بیت العدل اعظم الهی که بنص صریح ،
 ملهم و مصون از خطأ است و بفرموده حضرت
 عبدالبهاء روح مساواه فداء در الواح مبارکه وصایا »

کریمه راجع به مظہر امر الهی است این اختلافات
 منجر به تفرق و تمذهب در شریعت الله گردید تا
 آنجا که از دادن فرمان قتل یکدیگر هم کوتاهی
 ننمودند که شرحش در تواریخ آمده است .

 نظامی عروضی در چهار مقاله راجع به فردوسی
 حماسه سرای مشهور ایران مینویسد که سلطان
 محمود غزنوی پس از دریافت شاهنامه با جماعتی از
 منازعان خواجه بزرگ « که پیوسته خاک تخلیط در
 قدح چاه او همی انداختند تدبیر کرد که فردوسی را
 چه دهیم گفتند پنجاه هزار درم که این خود بسیار
 باشد که او مردی راضی است و معتزلی مذهب و
 این بیت بر اعتراض او دلیل کند ...

 به بینندگان ، آفریننده را

نه بینی مرنجان دو بیننده را
 از آنجا که فردوسی براین عقیده بوده که خالق هستی
 را با چشم نمیتوان دید و این امر با ظواهر آیات
 قرائیه مباین بود لهذا او را از معتزله دانسته و این
 بیتها اینیز دلیل رفض او شمردند .

خردمند گیتی چو دریا نهاد
 بر انگیخته موج از او تنند باد
 چو هفتاد کشتی در او ساخته
 همه باد بانها بر ا فراخته
 میانه یکی خوب کشتی عروس
 برآراسته هیچو چشم خروس
 پیمبر بدو ، اندرون با علی
 همه اهل بیت ، نبی و وصی

لابد به تحلیل و تفریق است ، ولی فرق و تفاوت بسیار در میان ، سنگ الماس را با سنگ خارا مشابهتی نه و لؤلؤ لا را با خزف کم بها مناسبی نیست .

مقام ثانی نفس ناطقه است که « حقیقت انسانی است این نیز محدث است و مظاهر مقدسه در آن با جمیع انسان مشترکند . . . » حضرت عبدالبهاء با وجود آنکه مظاهر امر را در مقام نفس ناطقه (قوه متغره و عقلانی) با دیگران مشترک دانسته اند ، معهذا در کتاب مستطاب مفاوضات برتری نفس ناطقه مظاهر امر را با سایرین بدینگونه توجیه میفرمایند :

« اما آن حقیقت شاخصه مظاهر رحمانیه یک حقیقت مقدسه است که من حیث الذات و من حیث الصفات ممتاز از جمیع اشیاء است مثل اینکه شمس من حیث الاستعداد مقتضی انوار است و قیاس با قمار نمیشود . مثلاً اجزاء مرکبہ کرہ شمس قیاس باجزاء مرکبہ کرہ قمر نیگردد . آن اجزاء و آن ترتیب مقتضی ظهور شعاع است ، اما اجزاء مرکبہ قمر مقتضی شعاع نیست ، مقتضی اقتباس است ، پس سائر حقائق انسانی نفوosi هستند مثل ماه که اقتباس انوار از شمس میکنند اما آن حقیقت مقدسه بنفسه مضئی است . . . »

در مورد مقام نفس ناطقه مظاهر امر که مؤید بحیات ابدیه میباشد از بدرو تولد آثارش ظاهر و باهر است و در زمان طفویلت و صباوت واضح و مشخص ،

در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائز از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است » می باشد زیرا اوست یگانه حافظ وحدت و یگانگی اهل بها و هادی جوامع جهانی بهائی در بسیط غبرا و راهنمای عالم انسانی بسوی صلح و وحدت و یگانگی در این جهان پر ابتلا . لذا ما بهائیان باید بشکرانه این موهاب بجدیت کامل تعالیم و نصایح مبارکه را عامل و ارشادات و دستورات و تصمیمات معهد اعلی را مطیع و منقاد و در میدان خدمت و عمل به منصه ظهور برسانیم .

باری سخن در باره بیان (الاست بریکم) بود که بدینجا کشید . در اسلام بعضی از عرفانیز صبح تجلی را مربوط به تجلی مظهر امر کردگار دانسته اند . عارف بزرگ ، ملای روم در تجلیل مقام حضرت محمد (ص) چنین میگوید :

چونکه موسی جلوه احمد بدید
کاندران صبح تجلی می دمید
گفت یارب این چه صبح رحمت است
این گذشت از رحمت اینجا رویت است

مراتب مظاهر ظهور :

مظاهر ظهور را بشرحی که حضرت مولی الوری جل ثنائه در مفاوضات بیان فرموده اند سه رتبه و مقام است :
اول رتبه جسمانی . رتبه جسمانی مظهر ظهور مانند دیگران از ترکیب عناصر بوجود آمده و هر ترکیبی

و « اشراق انوار حی مدیر » را بدایت و نهایتی نیست ، روی این اصل از هزاران سال قبل انبیاء و اولیای الهی وعده ظهور مظہر کلی الهی را بتلویح ابلغ از تصريح با ذکر علامات و تاریخ ظهور مژده داده اند که در کتب استدلایه اهل بها مشروحاً این بشارات نقل گردیده و از همه مهمتر بشارات صریحه مؤکدہ حضرت نقطه اولی جلت عظمتہ که خود نیز یکی از اعظم مظاہر مقدسه الهیه بوده اند میباشد . بدون تردید حضرت نقطه اولی جمال مبارک را بعنوان مظہر کلی الهی با وجودیکه حضرت بهاء اللہ در آن زمان از پیروان آنحضرت بوده میشناخته است ، اگر گویند که حضرت رب اعلی روح الوجود لظلومیته الفداء بوحی الهی آگاه از این حقیقت بوده حقیقتی است غیر قابل انکار ولی باید در نظر داشت که بعضی از رجال عهد اعلی نیز به مقام حضرت بهاء اللہ قبل از اظهار امر خفی بی برده بوده اند مانند ملا عبدالکریم قزوینی که در واقعه رمی شاه برتبه شهادت کبری فائز شد ، نامبرده در نامه ای که برای جناب سید جواد کربلائی در دوره سفر اول جمال مبارک بعراق نوشته، مؤید علم و عرفان او به مظہریت حضرت بهاء اللہ میباشد . سواد این نامه را جناب ابوالقاسم افنان روحیفدا نظر به لطف و محبت قبلاً برای نگارنده فرستاده و قسمتی از آنرا نیز شخصاً خوانده و در نامه نوشته اند که سواد نامه جناب ملا عبدالکریم و نوشته حضرت افنان عیناً در این شماره گراور و چاپ میشود از عنایت و توجه جناب

چنانکه در تاریخ امر راجع بدوران صباوت حضرت نقطه اولی و جمال اقدس ابھی داستانها و مطالب بسیار شیرین و حیرت انگیز ثبت و بیان شده و یا قدماً امر نقل نموده اند که بسمع احباء رسیده و شنیده و یا خوانده اند .

لوحی از حضرت بهاء اللہ که در ایام صباوت نازل و بخط ایادی محترم امرالله جناب طراز الله سمندری نوشته شده نمایانگر بزرگواری و عظمت آنحضرت در ایام طفولیت است گویا مخاطب آن یکی از خوانین آن زمان میباشد .

حوالمحبوب

« انشاء اللہ در سایه رحمت رحمانی و قباب عنایت سبحانی ساکن و مستریح باشید ، من کوچکم و بر حسب ظاهر خط ندارم و لکن این امی بسدره الهی متمسک است بی علم میخواند و بی خط مینویسد و این در عالم باطن نزد اهل بصر مشهود است ، اغیار از این سر آگاه نبوده و نیستند . »

مقام ثالث مظاہر ظہور :

حضرت مولی الوری جلت عظمتہ در بارہ مقام ثالث میفرمایند : قوله المنیع

« نفس فیض الهی و جلوه جمال قدیم است و اشراق انوار حی قادر و حقیقت شاخصه مظاہر مقدسه انفکاکی از فیض الهی و جلوه ریانی ندارد)۲(معلوم است که « فیض الهی » و « جلوه جمال قدیم »

ماکان . . . الخ ”

با استنتاج از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء چنین مستفاد میشود ، که :

« کنت کاحد من العباد » اشاره بهیکل عنصری است و « راقداً على المهد » نظر بایام سکون مظہر رحمانی و « مرَّتْ عَلَى نِسَائِمِ السَّبْحَانِ » بدایت اظهار امر جمال قدس یزدانی است .

و همچنین جملبارک در بیانی دیگر میفرمایند :

« اسائلک باسمك المسرور المحزون و ظاهر المکنون » ادعیه محبوب ص ۲۹۰ معلوم است که کلمه « مسرور » نظر به روح قدسی الهی و جلوه جمال قدیم است و « محزون » اشاره به بلایای واردہ بر هیکل مقدس عنصری آن جمال مبین و کلمه مبارکه « ظاهر » ناظر بتجلیات انوار شمس حقیقت است که عالم را روشن و منیر نموده و همچنین آثار نازله از قلم اعلی است که سبب تجدید حیات کائنات شده و موجب ظهور بهار روحانی الهی گشته و جهان را جهانی دیگر نموده است . کلمه مبارکه « مکنون » و همچنین « غیب مکنون » و « کنز مخزون » که در سایر آثار مبارکه زیارت نموده ایم نظر بآئست که حقیقت شاخصه مظہر کلی الهی که فیضالهی و اشراق انوار حی قادر و جلوه ریانی است و نه بدایت دارد و نه نهایت مقدس از عرفان ممکنات است و منزه از ادراک مدرکات . و این مقام مقدس مظہر کلی الهی مکنون است و مخزون بعارة دیگر تراب را بهمه حال راهی بشناسائی رب الارباب نیست .

رضوان ۱۵۴ بدیع

ابوالقاسم افنان بی نهایت سپاسگزاریم .

بهحال مقصود اینست که جمال مبارک همان ظهور کلی الهی است که جمیع انبیاء و اولیاء بظهورش بشارت داده اند و در این عصر نورانی از عالم امر ، جهان باقی الهی بعرصه فانی برای تربیت اهل عالم و تجدید حیات بنی آدم قدم گذاشته و تجلی فرموده است .

با طلوع آن شمس حقیقت عالم بتجلیات اسم اعظم روشن و منیر گردید .

در کتاب مستطاب مفاوضات حضرت عبدالبهاء حقیقت شاخه مظاہر ظهور را بدینگونه تبیین میفرمایند که نه بدایت دارد و نه نهایت و در همان کتاب مستطاب در باره بدایت میفرمایند :

« بدایت عبارت از اظهار امر است که میفرماید و در مقام تشبيه ، سکون را بخواب تعبیر میفرمایند مثل اینکه شخص خواب بود و چون زبان گشود مثل آنست که بیدار گشت و آن شخص که در خوابست است چون بیدار شود باز همان شخص است تفاوتی در مقام علو و سمو و حقیقت فطرت حاصل نگشته .

.. » و در باره اینکه جمال مبارک فرموده اند درخواب بودم نسیم بر من مرور نمود میفرمایند :

« این راجع به جسد است در عالم حق زمان ماضی و حال و مستقبل نیست » ، جمال مبارک در لوح سلطان ایران چنین میفرمایند :

قوله تعالی : « انی کنت کاحدٰ من العباد و راقداً على المهد مرَّتْ عَلَى نِسَائِمِ السَّبْحَانِ و علمتني علم

تضميني بر شعر جناب نبيل اعظم محمد زرندي عليه بهاء الله
 (اثر طبع بلبل معاني)

شد باد عطر انگيز، شد ابر گوهر افshan	در آن بهار دلکش در ساحت گلستان
جان بخش مغلبي بود اندر بساط جانان	سر سبز صحن گلشن ز امطار ابر نيسان
از شوق دل نشسته با يكديگر محبان	هر سو نظر نمودي اندر فضاي گلشن
سورى ونازو زنبق خيرى وياس وسوسن	كل از نسيم دلکش جامه دريد بر تن
آن شمع آتشين رخ اندر ميانه روشن	پروانگان بگردش مدهوش و مست و حيران
هر چند قهر ديده بر مهر خود فزوode	بلبل ز چهره گل بس بوسه ها ريوده
سلطان گل بگلشن برقع ز رُخ گشوده	معشوق گل باعشق از مهر رخ نموده
سرگرم عشقي بازي گردیده عندليبان	سرگرم عشقي بازي گردیده عندليبان
بگذشت زهر هجران وصلش چوشکر آمد	صد مژده وصل محبوب ماراميستر آمد
شمس افق بر آمد در محفل اندر آمد	دوران انتظاران از فضل حق سر آمد
الله اكبر آمد تكبير وصل گويان	الله اكبر آمد تكبير وصل گويان
آن شمس عالم افروز ز آفاق فيض سر زد	اندر فضاي گلشن عنقاي عشق پر زد
سيمرغ روح پر زد بر مرغها شرر زد	گاهي بارض تابيد گه شعله بر قمر زد
مهر جمال سر زد هر سايه شد گريزان	مهر جمال سر زد هر سايه شد گريزان
وز موی آن دلaram گشته فضا معنبر	از آن جمال انور بزم وفا منور
در ساحت وصالش شاه و گدا برابر	در ساحت وصالش شاه و گدا برابر
در ياري عطر و عنبر موآج گشته در آن	در ياري عطر و عنبر موآج گشته در آن
نجم وفا در خشان گشته در آسمانش	با گوش دل شنيبدند اهل وفا بيانش
از جمله اي بيان کرد صد نکته نهاش	با جمله اي بيان کرد صد نکته نهاش
آمد به بلبلانش آن گل گلاب ريزان	آمد به بلبلانش آن گل گلاب ريزان
خوش باشد ارزاغيار پيوندها گستي	با آن جمال محبوب عقد وفا به بستي
در دامش او فتادي از بند خلق رستي	بعد از چنین الستي ايدل هنوز هستي
خاكت بسرکه پستي اي كمترک ز حيوان	بس سالها که عشاق رنج فراق ديدند
محروم بوده از وصل گرچه بسردويدند	تو گنج وصل بردي آنها بلا کشيدند
آن مصريان غلامي ديدند و کف بريند	شاهي چنین تو ديدى قريان نکرد ييش جان

۱ - فرستنده غلامحسين توکليان

قسمتی از نامه تاریخی ملاعبدالکریم قزوینی که عین نوشه ایشان در صفحه مقابل گراور شده است .

..... نموده که اولاً بکل فی الكل
برسانید که زیاده از این در مقام افشاء برنیاید . چند
زمان سکوت را منصف شده که انشاء الله یجب اليوم
ذلك لما ان اولیائه لذلك یستبرکون ...

مجلة عنديليب

نشریه محل روحاوی ملی بهاییان کامادا بربان فارسی

سالیانه ۴ شماره

حق اشراف : برای کانادا ۴۰ دلار کانادا
ساپرکشور ۴۴ دلار آمریکا

سخوه پرواخت : کامادا و آمریکا چاک بالکنی شخصی
و در سایر کشورها فقط حواله بالکنی « ایرنشال »

آدرس :

ANDALB
7200 LESLIE STREET.
TORONTO . ON. CANADA L3T 6L8
Fax: (416) 889 - 8184
Tel: (416) 889 - 8168

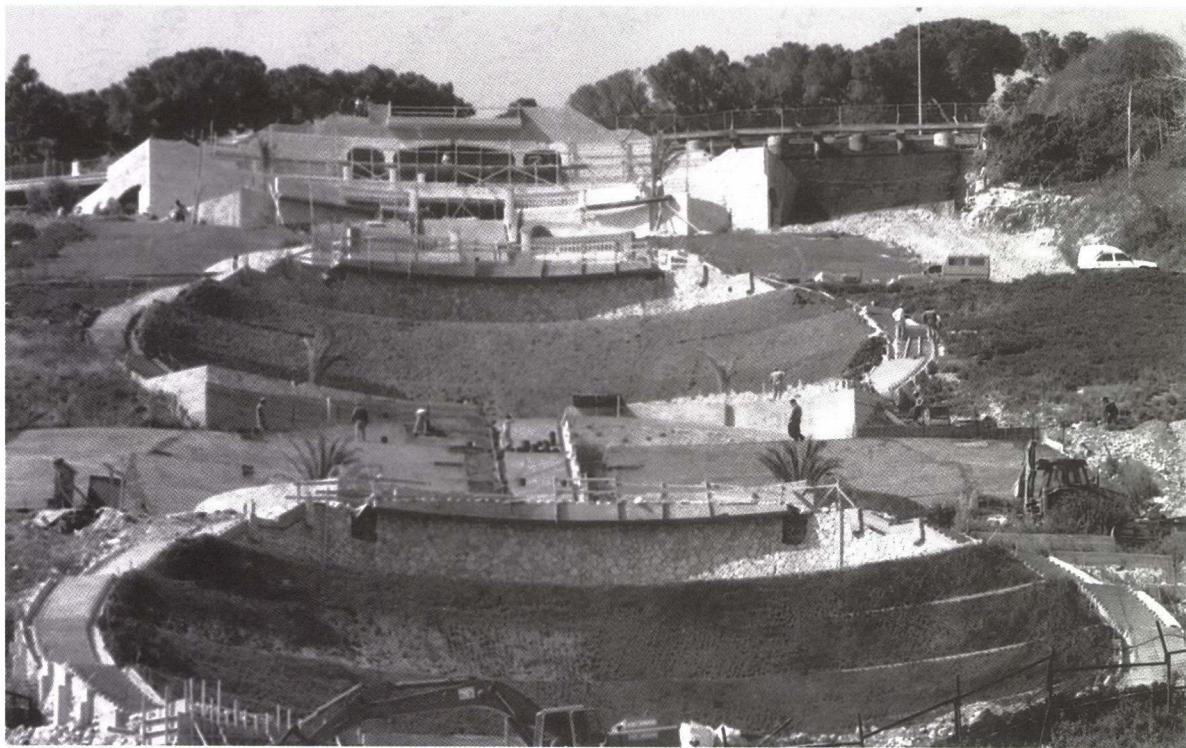
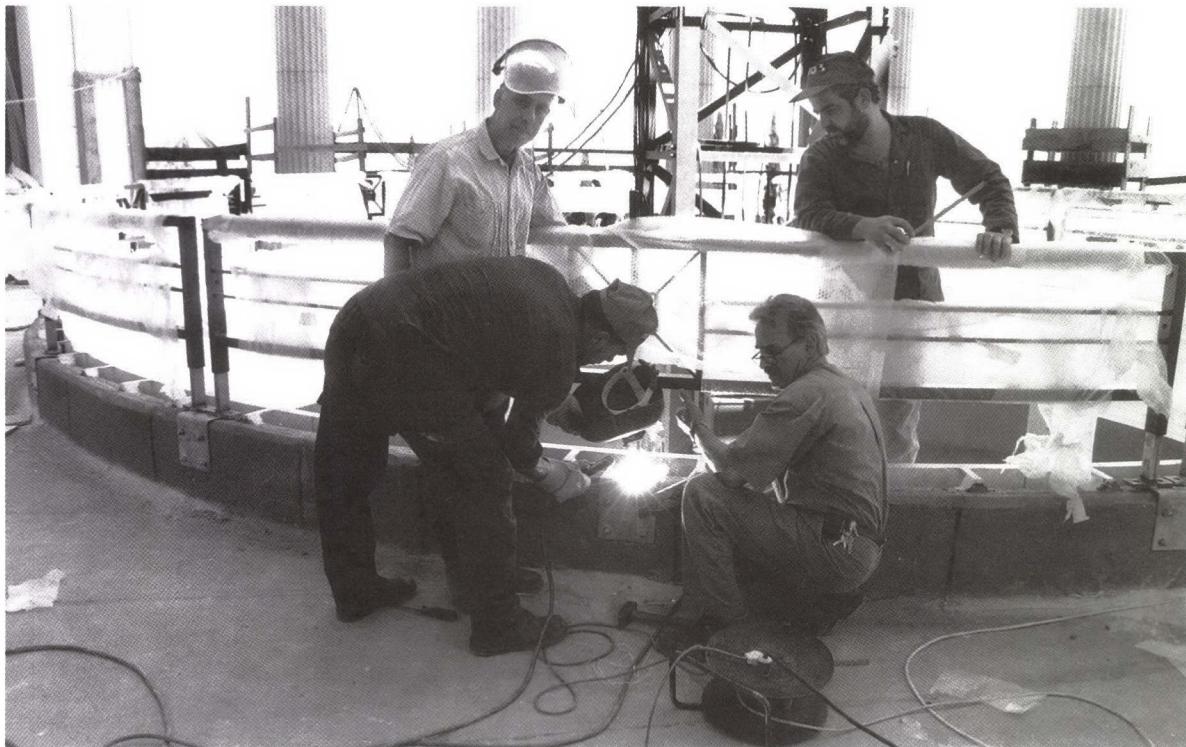
تعاضداً دارم در گرگ و خواست اشراف برای خود باعثون هدیه
نام و نام خانوادگی و آدرس کامل دریافت گنده مجلد رام قوم فرماید

و سایر اخبارات جزئی و کلی در خدمت حضرت ابیهی
اہل الملک و الملکوت بل اجل من اهل الجبروت و
الاہوت منه البهاء علی نفسه البهاء است بسمع مبارک
خواهد رسید ولیک استدعا آنکه قدغن فرمایند احباب را
که شیوه های سابق را در حق ایشان در تحقق یافتن
فتنه بر احباء الله و اولیائه ترک نمایند و از اسباب حزن
در باره آنجناب که بسیار لطیف الطبع اند احتراز
نمایند . چند صباحی که در آن صفحات تشریف دارند
طوری نمایند که غبار کدورت مشاهده ننمایند و
برطبق رضای ایشان که الحق حقیقت رضاء الله است
رفتار نمایند و سبب تحقق و اسباب بُعد عن لقاء الله
و احتجاب به اغلل و قیود حائله بین العباد و رب
الارباب زیاده از این نگردد . فاناً قد ظلمنا انفسنا بما
اسفنا و یتوسل من بعد ذلك بجود الله الا کمل الاتّم
الاسنی .

لعل ابداً حجّت از ایشان نخواهد . سیدی چون در
سالف زمان نظر به استشمام بآنچه که از واردین حیاض
تسلیم و اطاعت محبوب آقا سید حسین را به امر الله
مأمورند که برسانند کتمان امر مکتوم را که خداوند
جل و عز مخزون در اعطیه غیب خود الى الان محفوظ
نموده معذلك خلاف مقصود هویدا کشته از متّردین
بدانجهت جز اسباب انکشاف خبری مشهود نشد و
بدینجهت امناء الله محزون و مخزون بل کاد ان یظهر
ما لا یتحمله الاکوان فوق ما یحتمله الامکان بل مرئی شده
که خلاف مقصود از ساکنین بیت محبت بظهور خواهد
رسید و سر عوا فی ارسال الكتب و کرّة من اسباب
الانکشاف بعد فهذا مسارعت در آن

نامه تاریخی جناب ملا عبدالکریم قزوینی بعنوان جناب سید جواد کربلائی راجع به سفر اول جمال مبارک به عراق عرب

پیشرفتهای اینیه قوس کوه کرمل ، می ۱۹۹۷



عکاس روحی ورقا - فرستنده دائمہ پروژہ کوہ کرمل



ترجمه و تلخیص حوریوش رحمانی

مدنیت الهیه بر بسیط زمین میباشد البته این تحرك بسیار وسیع و بنیادی است و پی آمدهای آن نیز در حد خود شکفت و بیسابقه است .

مثلًا تحولات و پیشرفت‌های مهمی که در زمینه علم و صنعت صورت گرفته از یک سو مرزهای جدیدی بر روی بشریت گشوده و نوید زندگی بهتری به ابناء بشر میدهد ولی از سوی دیگر خود منشاء نابسامانی ها و مصائب بیشماری گردیده که در بعضی موارد حتی حیات جمعی نوع انسان را به مخاطره انداخته است . البته با بررسی این پی آمدهای منفی و ریشه یابی علل آن ، نیازمندی جامعه بشری به معنویت و تأسیس مدنیت روحانیه و لزوم هم آهنگی علم و دین که یکی از تعالیم اساسی این ظهور اعظم میباشد بیش از پیش آشکار میگردد .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند : « چون روح و جسم انسان هر دو ترقی نماید آنوقت سعادت عالم انسانی حاصل شود والاً بمدنیت مادیه تنها مقصد حاصل نشود . . . از ترقی مدنیت مادیه عالم انسانی سعادت صحیحه نمی یابد . » (۲)

برای آنکه به اهمیت این بیان مبارک پی ببریم بهتر است که پیشرفت‌های علمی این قرن و پی آمدهای آن را از دیدگاه یکی از دانشمندان و متفکرین معاصر مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم . از جمله اندیشمندانی که اخیرا در این مورد اظهار نظر نموده است « کارل ساگان » دانشمند معروف آمریکائی

نظری به پیشرفت‌های علمی و

صنعتی قرن بیستم

اکنون که قرن بیستم با شتابی فزاینده به پایان خود نزدیک میشود شاید بهتر از هر زمان دیگری بتوان در مورد اهمیت رویدادها و دگرگونی های عظیم و پرダメنه این قرن که طلیعه یوم الهی و بدایت دورانی جدید در حیات جمعی نوع انسان میباشد به تفکر و تعمق پرداخت .

این قرن شاهد بزرگترین دگرگونی هایی بوده که تا کنون تمدن بشری بخود دیده است . تغییر و تحول در ابعاد وسیعی سراسر کرده ارض را در برگرفته است . در حقیقت همه جنبه های حیات فردی و اجتماعی بشر از این حرکت پرقدرت متاثر و دگرگون گردیده است ، حرکتی که از اواسط قرن نوزدهم با اظهار امر حضرت بهاء الله آغاز گردید .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند : « وقتی ندای الهی بلند گردید حیاتی جدید بر هیکل عالم دمید و روحی بدیع بر جمیع خلائق افاضه فرمود بهمین دلیل عالم عمیقا به هیجان آمد و قلوب و وجودان نفوس تحرکی جدید یافت ، عنقریب آثار این خلق بدیع ظاهر شود . . . » (۱)

این هیجان عظیم که مقارن هر ظهور الهی در عالم امکان ظاهر میگردد تمدن بشری را در مسیر تکاملی خود به پیش میبرد . در این ظهور اعظم که نوید دهنده دوران بلوغ بشریت است و هدف آن استقرار

تا حدود ده هزار سال پیش یعنی قبل از اختراع کشاورزی و اهلی کردن حیوانات ، خوراک بشر منحصر به میوه جات و سبزیجات خود رو در طبیعت و گهکاهی شکار حیوانات بود . این منابع غذائی طبیعی آنچنان محدود و پراکنده بود که تکافوی تغذیه بیش از ده میلیون جمعیت را در تمامی کره زمین نمیداد . حال آنکه تا پایان قرن بیستم جمعیت کره زمین بالغ بر ۶ میلیارد خواهد شد یعنی در حقیقت ۹۹/۹ در صد جمعیت زمین زندگی خود را مدیون صنعتی شدن کشاورزی و پیشرفتهای علمی هستند . بعضی از این پیشرفتهای حیات بخش عبارتند از تکامل روش کشت و برداشت محصول و پرورش دام ، پیدایش کودهای شیمیانی ، کشف طرق مبارزه با آفات و نگهداری و ذخیره کردن مواد غذائی ، اختراع ماشینهای کشاورزی و پیشرفت در سایر جنبه های مربوطه مانند آبیاری ، حمل و نقل و توزیع مواد غذائی با وسائل نقلیه مدرن و مجهز به یخچال و غیره ، میتوان گفت که قسمت اعظم پیشرفتهای مهم در زمینه مکانیزه شدن کشاورزی از جمله " انقلاب سبز " از دست آوردهای قرن بیستم میباشد .

بر اثر پیشرفت بهداشت و تهیه آب سالم در شهرها و روستاهای رعایت سایر اصول بهداشتی و نیز با قبول تنوری میکری و شناخت علل امراض ، کشف آتی بیوتیکها و سایر داروها و پیشرفت علم زیست شناسی و پزشکی سلامتی و بهزیستی افراد بشر در سراسر جهان تأمین شده و وضع بهداشتی مردم بخصوص در کشورهای جهان سوم بنحو قابل ملاحظه ای اصلاح

میباشد که ضمن آخرین مقاله خود با نگرشی ژرف این تحولات را مورد بحث قرار داده است .

کارل ساکان دانشمند علوم فضانی امریکا و برنده جایزه پولیتزر است که با خاطر تحقیقاتش در مورد امکان وجود حیات در سایر کرات و همچنین ارائه مسائل علمی بزبان ساده و مردم پسند معروفیت خاص پیدا کرده است . او استاد ستاره شناسی و علوم فضانی در دانشگاه هاروارد بود . این دانشمند در زمینه اثرات فاجعه آمیز جنگ اتمی بر محیط زیست و پدیده " زمستان اتمی " تحقیقات وسیع وارزنده ای دارد . همچنین کتب جالبی در زمینه کیهان و فضا نوشته و تهیه کننده برنامه تلویزیونی Cosmos میباشد . کارل ساکان در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ در سن ۶۲ سالگی در گذشت .

آنچه در ذیل نقل میگردد ترجمه و تلخیص مقاله ای است که او اندکی قبل از مرگش در مورد تحولات علمی قرن بیستم و دست آوردهای مثبت و منفی علم برشته تحریر در آورده است .

قرن بیستم شاهد سه تحول مهم و قابل ملاحظه در زندگی بشر بوده است . این تحولات عبارتند از دستیابی به امکانات تازه ای جهت حفظ ، بهبود و تداوم حیات بشر ، دسترسی به وسائل و ابزار جدید و بیسابقه ای برای کشتن و نابودی ابناء بشر و حتی در معرض خطر قرار دادن تمامی تمدن بشری برای اولین بار در تاریخ و ظهور آکاهی و بینشی ژرف نسبت به طبیعت انسان و جهان ، البته همه این تحولات در نتیجه پیشرفت علم و صنعت حاصل شده است .

از این گذشته دولتهاي بريتانيا ، فرانسه ، چين و اسرائيل نيز سلاحهاي اتمى فراوانى در اختيار دارند همچنين پاکستان ، هند و بسياري از كشورهاي ديگر قادرند ظرف مدت كوتاهي سلاح اتمى تهيه نمایند . بعلاوه سلاحهاي شيميانى و ميكري فوق العاده خطروناكى در دسترس بسياري از دول در سراسر جهان ميباشد . در حالикه بنیاد گرانى مذهبى ، تعصبات و گرایشهاي شديد عقیدتى در اين قرن در حال گسترش است ، انباسته شدن اين مقدار معتبرابه و بي سابقه سلاح کشنده و خطروناك در جهان ميتواند عواقب فاجعه آميزى بدنبال داشته باشد . در قرن بیستم بيش از ۱۵. ميليون نفر در جنگهاي مختلف و يا بدمستور مستقيم رهبران ملّى کشته شده اند .

صنایع بشری بقدرتی قوی و گستردگی شده که نه فقط عمدا بلکه از روی سهو نیز میتواند تغییرات عظیمی در محیط زیست بوجود بیاورد بطوریکه بسیاری از انواع موجودات زنده و از جمله خود بشر را در خطر نابودی قرار دهد . بعضی از ترکیبات شیمیانی موجود در صنایع به لایه محافظ « اوzon » که اطراف کره زمین را گرفته لطمہ وارد میسازد و سوختهای فسیلی باعث کرم شدن هوای کره زمین میگردد که این پدیده تا پایان قرن آینده بصورت تهدیدی جدی در خواهد آمد . واقعیت اینست که بشر امروزه بنحو بی سابقه ای محیط زیست را تغییر میدهد و بطور کلی اميدوار است که این مشکلات خود بخود حل گردد .

يک اقدام مثبت در اين زمينه مقاوله نامه موئزال موافقنامه هاي بين الملي مربوط ميباشد که بموجب آن كشورهاي صنعتي تعهد نموده اند که توليد آن دسته

گرديده است . مثلاً بيماري آبله در سراسر جهان ريشه کن شده و مalaria سال بسال روبيکاهش ميباشد و ساير بيماريهاي که تا چندين دهه پيش در بين اطفال شيوع داشت مانند سياه سرفه ، سرخچه و فلح اطفال تفريبا ريشه کن شده است .

اما در مورد صنایع نظامي باید گفت که در قرن بیستم جنگ افزارها و وسائل کشتار دستجمعی ابناء بشر بنحو بيسابقه اي گسترش يافته است . در سال ۱۹۰۱ هواپيمای جنگی و موشك وجود نداشت و قوى ترین توپخانه فقط میتوانست فاصله چند كيلومتری اطراف خود را نشانه گيري کند و عده معدودی را بقتل برساند و تا اواسط قرن بیستم حدود ۷۰ هزار سلاح اتمی در اختيار دول بوده که بسياری از آنها بروی موشكهای استراتژیک تعبیه شده و در پایگاههای نظامی و يا زيردریاني ها آماده شلیک به هدف بوده اند . در واقع هر نقطه اي از کره زمین در تيررس اين سلاحها قرار دارد و هر کلاهک اتمی قادر است تمامی يك شهر بزرگ را بکلی نابود سازد .

در حال حاضر ایالات متحده و اتحاد جماهير شوروی سابق در جهت تقليل قابل ملاحظه سلاحهاي اتمی خود در حال تلاش ميباشند با اين حال اگر همه اين پیمانها که تا کنون امضاء شده و حتى آنهائي که هنوز به توافق نرسيده است اجراء گردد باز اين دو كشور باندازه کافی سلاح اتمی در اختيار خواهند داشت که هر شهری را در کره زمین دو بار بمباران کنند . اثرات نامطلوبی که يك جنگ اتمی بر محیط زیست خواهد گذاشت قادر است تمامی تمدن بشری و شايد نوع بشر را بکلی نابود سازد .

بزرگ و ظهور دموکراسی از یک طرف و دیکتاتوریهای نظامی و عقیدتی از طرف دیگر بوده است.

بطور کلی در قرن بیستم علم در همه رشته‌ها پیشرفت خارق العاده‌ای داشته است، اساس علم فیزیک با تئوری نسبیت انشتین و با ظهور فیزیک کوانتوم بکلی زیر و رو گردیده است. در این قرن بود که چکونگی ساختنمای اتم که پروتون و نوترون در هسته مرکزی آن قرار دارند والکترونها بصورت ابری بدور هسته در حرکت میباشند برای اولین بار مکشوف گردید. پیشرفت علم در جهت شکافتن هسته اتم و دستیابی به انرژی خارق العاده هسته‌ای منتظری به ایجاد سلاحهای هسته‌ای و تأسیس نیروگاههای اتمی گردیده است. شناخت تشعушات رادیو اکتیو موجب گردیده که بشر بتواند بطور قاطع به عمر کره زمین (که حدود ۴/۶ میلیار سال است) پی ببرد و زمان پیدایش حیات در کره زمین را که حدوداً ۴ میلیارد سال پیش است محاسبه کند.

یکی دیگر از پیشرفت‌های جالب علم در قرن بیستم کشف DNA (اسید دی‌اکسی ریبو نوکلئیک) است که ملکول حامل وراثت در انسان و اکثر حیوانات و گیاهان میباشد. باین ترتیب بشر توانسته است به رمز ژنتیکی پی ببرد. دانشمندان علم ژنتیک مشغول مطالعات وسیعی در این زمینه و ترسیم نقشه کامل ژنتیکی انسان هستند که البته پیشرفت در این علم خود امکانات فراوانی در جهت خیر و شر، هر دو در اختیار بشر قرار خواهد داد. مهمترین جنبه کشف

از محصولات صنعتی و مواد شیمیائی را که برای لایه اوزون مضر تشخص داده شده بتدریج متوقف سازند. اما در مورد رها شدن گاز اکسید کربن در جو و حل مسئله دور ریز مواد رادیو اکتیو و سایر مواد شیمیائی مضر پیشرفت بسیار کند و نامطلوب بوده است.

در این قرن تعصّب و دشمنی ناشی از نزد اپرستی و بیگانه پرستی در تمام قارات عالم غلبه یافته تا جانی که اقدامات سازمان یافته و منظمی برای نابود سازی و کشتار تمامی یک قوم یا گروه فرهنگی بعمل آمده است که قابل ملاحظه ترین مورد آن آلمان نازی بود و در رواند، یوگسلاوی سابق و سایر نقاط نیز دیده شده است. البته اینگونه گرایشها در سراسر تاریخ بشر وجود داشته است و تنها در قرن بیستم پیشرفت تکنولوژی کشتار انسانها را در یک چنین مقیاس وسیعی امکان پذیر ساخته است. وجود بمب‌ها، موشکها و توپخانه قوی برای جنگیدکان این مزیت را دارد که آنها خود ناظر صحنه‌های موحش و دلخراشی که بوجود می‌آورند نیستند یعنی از تاییج جنایات خود بی خبر می‌مانند و در تیجه وجودشان آنها را رنج نمیدهد.

بودجه نظامی جهان در سالهای آخر قرن بیستم رقمی نزدیک به یک تریلیون دلار آمریکا در سال است که میتوان تصور نمود فقط با بخش کوچکی از آن چه کارهای مفید و سازنده‌ای برای بشریت میتوان انجام داد.

قرن بیستم شاهد سقوط سلطنت‌ها و امپراطوریهای

علوم فیزیک و شیمی و بیاری کامپیوترهای قوی کیفیت جو زمین مورد مطالعه قرار گرفته و تایخ نامطلوب آلودگی محیط زیست بعنوان واقعیتی هشدار دهنده شناخته شده است.

اما در مورد کشفیات فضائی باید گفت که در ابتدای قرن بیستم اختر شناسان مجبور بودند با تلسکوپیهای ضعیف و نارسای خود در سطح زمین و از زیر جو بطالعه فضای لایتناهی و اجرام سماوی پردازند و تا پایان این قرن تلسکوپیهای بسیار قوی و مجهرز در ماورای جو در مدار زمین قرار گرفته و بكمک اشعه کاما، اشعه مجھول، نور ماورای بنفس، نور معمولی، نور ماورای قرمز و امواج رادیوئی کیفیت فضا و ستارگان مورد مطالعه قرار می‌کیرد.

با اختراع رادیو توسط مارکنی ایتالیانی اولین امواج رادیوئی در سال ۱۹۰۱ در عرض اقیانوس اطلس پخش گردید. امروزه دانشمندان با کمک امواج رادیوئی میتوانند با چهار سفینه فضائی که در آنسوی دورترین سیاره منظومه شمسی در حرکت هستند ارتباط برقرار سازند و امواج رادیوئی طبیعی اجرام سماوی را که در فاصله ده میلیارد سال نوری از زمین قرار دارند بشنوند. همچنین امواج زمینه کیهان را که انکاس انفجار بزرگ اولیه (بیگ بنگ) میباشد مورد مطالعه قرار دهند.

این قرن شاهد اعزام ۱۲ انسان به کره ماه و بازگرداندن آنها بهمراه ۱۰۰ کیلوگرم از خاک و سنگ کره ماه به زمین بوده است. با مطالعاتی که از طریق سفینه های بدون سرنشین و مجهز به کامپیوتر و دستگاههای خودکار در منظومه شمسی بعمل آمده

ملکول DNA اینست که کیفیت اصلی حیات از نظر فیزیکی و شیمیائی تقریباً شناخته شده است. همچنین با مطالعاتی که روی مغز انجام گرفته معلوم شده که فکر نتیجه عملکرد ۱۰۰ تریلیون ارتباط عصبی در مغز وجود چند ماده شیمیائی ساده است. پیشرفت علم زیست شناسی به دانشمندان امکان داده است که بتوانند موجودات زنده را زن به زن و ملکول به ملکول با یکدیگر مقایسه نموده و درجه ارتباط آنها را بایکدیگر کشف نمایند. این مطالعات بنحو قاطعی مشابهت عمیق همه موجودات زمینی را با یکدیگر نشان داده است و ارتباط عمومی را که قبل از توسط زیست شناسی تکاملی کشف شده بود تائید کرده است.

با پیشرفتهای خارق العاده اخیر علم شیمی بسیاری از مسائل غامض در مورد کیفیت ظهور حیات روشن گردیده است. مثلًا بالاجام آزمایشاتی در آزمایشگاه که ضمن آن مشاهده شده که اسید نوکلئیک و سایر ملکولها در لوله آزمایش تکثیر میشوند نتیجه کیری شده که تشعشعاتی که در فضای اولیه کره زمین وجود داشته خود باعث تشکیل اسیدهای آمینه و سایر ترکیبات مهم حیاتی شده است.

با این ترتیب در جهت شناخت چکونگی پیدایش حیات پیشرفت های قابل ملاحظه ای در قرن بیستم حاصل شده است. زیست شناسی از بسیاری از جهات به شیمی و شیمی از بسیاری از جهات به علم فیزیک مربوط میشود. در واقع در نتیجه پیشرفت این علوم در قرن بیستم بشر وسیع ترین شناخت را نسبت به طبیعت و کیفیت عالم هستی پیدا کرده است. بمدد

بخشیده است بطوریکه با بینشی بمراتب وسیع تر از پیشینیان شاهد شکوه و عظمت عالم هستی و نظم طریف و پیچیده آن میباشد . با شناخت علمی جهان و کشف قوانین طبیعت ، ایمان و اعتقاد به خدا نیز بنحو منطقی تری قابل توجیه میباشد . قدر مسلم آنست که در نهایت به نفع انسان است که جهان را آنچنان که هست بر اساس حقایق علمی بشناسد تا بر پایه معتقدات خود و آنطور که تصور میکند باید باشد .

این مسئلله که آیا بشریت ظرفیت معنوی و اخلاقی لازم را برای مقابله با پیشرفتهای علمی این قرن پیدا خواهد کرد خود یکی از عمیق ترین پرسشهایی است که در پیش روی بشر در قرن بیست و یکم قرار خواهد داشت .

یادداشتها

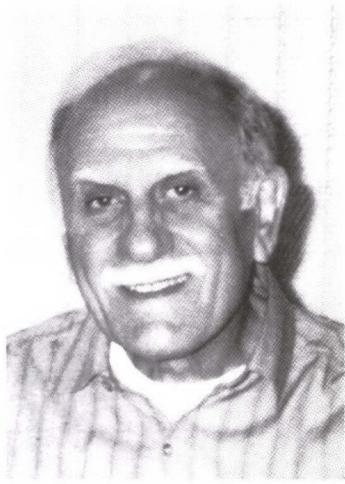
- ۱ - حضرت ولی امرالله ، جلوه مدنیت جهانی ، ترجمه جمشید فنایان ص ۲۰ (هند ، مؤسسه انتشارات بهانی)
- ۲ - حضرت عبدالبهاء ، مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء قسمت اول ص ۹۵ لانگهاین لجنه نشر آثار .
- ۳ - این مقاله از نشریه " سیدنی مورینینگ هرالد " ترجمه و تلخیص گردیده و با ذکر مقدمه ای جهت نشریه عندلیب آمده شده است .



انسان شناخت تازه ای نسبت به سیارات این منظومه پیدا کرده است .

در حال حاضر چهار سفینه فضائی بمقصد ستارگان در حرکت هستند و اخیرا سیاراتی در اطراف بعضی از ستارگان کشف گردیده است و معلوم شده که خورشید ما در کناره بیرونی یک کهکشان که دارای ۴۰۰ میلیارد خورشید است قرار دارد . در آغاز قرن بیستم گمان میرفت که کهکشان ما تنها کهکشان جهان است در حالیکه اکنون معلوم شده است که در فضای لایتناهی ۱۰۰ میلیارد کهکشان دیگر هم وجود دارد که همه در حال دور شدن از یکدیگر میباشند . گوئی همه آنها باقیمانده یک انفجار بزرگ اولیه (بیگ بنگ) هستند در طی این قرن در فضا پدیده های عجیب و شگرف دیگری نیز مانند پالسار ، کواسار (اخترnamها) و بلک هول (سیاهچاله ها) نیز کشف شده که در ابتدای این قرن حتی تصور کیفیت وجودی آنها غیرممکن بود .

ممکن است پیشرفتهای علمی این قرن بتواند کم و بیش پاسخی برای عمیق ترین پرسشهای بشر در باره اصل و منشاء جهان و کیفیت و سرنوشت عالم هستی بیابد . شاید یکی از نتایج پیشرفتهای علمی این بوده که نحوه دید و معتقدات انسان را نسبت به بسیاری از حقایق عالم وجود تغییر داده است . مثلاً این اعتقاد دیرینه بشر که خود را مرکز عالم خلقت میدانست امروزه با کشف فضای لایتناهی که در آن کره زمین ذره ناچیزی بنظر میرسد دیگر اعتباری ندارد . اما میتوان گفت که پیشرفتهای علمی این قرن افق جدیدی بروی بشر گشوده و آکاهی تازه ای به او



دکتر هوشنگ عهدیه

دکتر هوشنگ عهدیه در تاریخ پنجم فوریه ۱۹۹۷ در شهر ونکوور کانادا در سن شصت و هشت سالگی بملکوت ایهی صعود نمود . فقدان این مهاجر ثابت قدم و خادم برازنده امر الهی جوامع بهانیان را در سراسر افریقا قرین حزن بی پایان ساخت .

دکتر هوشنگ عهدیه در ششم آگست ۱۹۲۸ در خانواده ای از بهانیان یهودی تبار در همدان متولد شد . در دوران کودکی شاهد تضییقاتی بود که بر احبابی یهودی تبار در همدان وارد می آمد . زیرا از یک طرف یهودیان آنان را به سبب گرویدن به امر بهانی آزار می کردند و از طرف دیگر به سبب آنکه هم یهودی و هم بهانی شناخته می شدند هدف لعن و طعن و اذیت مسلمانان قرار می کرفتند .

دکتر عهدیه تحصیلات خود را در ایران به پایان رساند و بلافاصله پس از اخذ درجه دکترا در رشته دندان پزشکی در سن بیست و دو سالگی به افریقا مهاجرت نمود و در آسمارا پایتخت اریتره کلینیک دندان پزشکی خود را تأسیس کرد . هر بیماری که به کلینیک دکتر عهدیه رجوع می کرد از امر بهانی مطلع می شد . در سال ۱۹۵۹ با ناهید خانم ازدواج نمود و از آن پس خانه این زوج عزیز و وفادار

مرکز فعالیتهای روز افزون تبلیغی کردید . همه روزه در خانه آنان جلسات تبلیغی و تزئین معارف امری برپا بود ، جمع کثیری از احبابی آسمارا از مصدقین آن جلسات هستند .

دکتر هوشنگ عهدیه در اولین محفل روحانی اریتره که در آسمارا تشکیل کردید عضو بود و سپس به عضویت لجنة ملی امور اداری شمال شرقی افریقا و متعاقباً به عضویت اولین محفل روحانی ملی اتیوبی و اریتره انتخاب گردید . عضویت دکتر عهدیه در محفل ملی مزبور تا سال ۱۹۷۲ که به عضویت هیئت معاونت منصوب کردید ادامه داشت .

دکتر عهدیه در سال ۱۹۷۵ افتخار عضویت در هیئت مشاورین قاره ای در افریقا را یافت و به سمت امین صندوق قاره ای منصوب گردید و این خدمت را به مدت بیست سال در نهایت امانت و اتقان و به نحوی کاملاً رضایت بخش انجام داد .

رفتار و اخلاق و نحوه خدمات دکتر عهدیه براستی نمونه و سرمشق بود . فروتنی و فداکاری و صبر و

ترجمه

پیام تسلیت معهد اعلیٰ بمناسبت صعود

جناب دکتر هوشنگ عهده‌یه

مورخ ۶ فوریه ۱۹۹۷

از صعود خادم بسیار عزیز امر الهی هوشنگ عهده‌یه عیقاً متأثراً ، خدمات خستگی ناپذیرش در میادین مهاجرت در افريقا ، از جمله بیست سال عضویت در هیئت مشاورین آن قاره و در سمت امين صندوق هیئت مزبور فراموش نشدنی است . تواضع در رفتار و استعدادش در ترویج الفت و يگانگی و رعایت حکمت توأم با عشق و محبت که به نحوی بارز و نمونه در انجام مسئولیتهای مقدسش ملاحظه میداشت منبع الهامی برای همکاران و يارانش در خدمت امرا الله خواهد بود .

به همسر محبوب و فرزندان عزیزش همدردی اين هیئت را ابلاغ نمایید و اطمینان دهید که در اعتبار مقدسه برای ارتقای روح پر فتوح آن متصلع الدی الله دعا خواهیم کرد .

توصیه می شود محفل روحانی ملی یوگاندا در مشرق الاذکار کامپلا و جمیع محافل روحانی ملی در سراسر افريقا در جوامع تحت اشراف خود محافل تذکر شایسته ای بافتخار آن متعارج الدی الله ترتیب دهنند .

بيت العدل اعظم

تحمّل و مهمان نوازی و محبت به منتهی درجه در رفتارش جلوه گر بود و همچون مبلغی پرشور و فعال و مدیری لایق و توانا به امر بهانی و افريقا خدمت نمود . صفات ممتازش وی را محبوب القلوب ياران خصوصاً مشاورین افريقا ساخته بود .

خانواده دکتر عهده‌یه با کمال استقامت در دوران اغتشاشات و ناامنیهایی که در اريتره روی داد در مقر مهاجرتی خود باقی ماندند و زمانی که زندگانی آن عزیزان در خطر عظیم قرار گرفت با مشورت با معهد اعلیٰ به شهر بانگی در جمهوری افريقيا مرکزی نقل مكان نمودند . در سال ۱۹۹۰ بیت العدل اعظم دکتر عهده‌یه را به سمت وکیل حقوق الله منصوب فرمودند و در سال ۱۹۹۶ در اولین کانونشن ملی و مراسم تأسیس محفل روحانی ملی کاپون نماینده بیت العدل اعظم بود . در سال ۱۹۹۶ به عنوان نماینده بیت العدل اعظم در اولین کانونشن ملی و مراسم تأسیس اولین محفل روحانی ملی اريتره به آسمارا که مقر اصلی مهاجرتی وی بود مسافت نمود .

در سال ۱۹۹۷ دکتر عهده‌یه همراه قرینه گرامی افريقا را ترك گفتند و نزد فرزندانشان به کانادا عزیمت کردند . اندکی بعد دکتر عهده‌یه به کسالت شدید ریوی مبتلا گردید و پس از مدت کوتاهی روح پاکش به عالم ملکوت عروج نمود .

زندگی پر شمر دکتر عهده‌یه همواره سرمشق والايی در مهاجرت و تبلیغ و خدمت برای جوانان غیور بهانی خواهد بود .

ترجمه متحددالحال دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین المللی بهائی

خطاب به عموم محافل روحانی ملّی - مورخ مارچ ۱۹۹۷

یاران عزیز الهی :

همانطور که مستحضرید از سال ۱۹۹۲ به بعد مجلّدات جدید کتاب "علم بهائی" بصورت سالانه نشر می‌گردد. این مجلّدات هم از نظر نحوه تدوین و هم از لحاظ محتوی گزارشی از جریان اقدامات و مسائل مورد توجه امر را به افراد بهائی و غیر بهائی ارائه می‌دهد. مجلّدات "علم بهائی" از جمله کتب مرجع در باره امر بهائی محسوب می‌شود و برای هدیه دادن به شخصیت‌های مهم، محققین و سایر نفوس مناسب است. بعلاوه امید است که تعداد روز افزونی از کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی ترتیب سفارش مستمر این مجلّدات را برای افزودن به مجموعه کتب خود بدهند.

کتاب "علم بهائی" برای سال ۹۶ - ۱۹۹۵ زیر چاپ است و قرار است تا اواسط ماه مارچ برای ارسال به کانونشن‌ها در رضوان ۱۹۹۷ آماده شود. لذا توصیه می‌شود سفارشات خود را برای این کتاب هرچه زودتر به دائره مطبوعات مرکز جهانی بهائی ارسال دارید تا این وسیله مفید برای روابط خارجی در دسترس نمایندگان و سایر حاضران در کانونشن قرار گیرد. قیمت این کتاب با جلد مقوایی عالی ۲۵/۹۵ دلار و با جلد شمیزی ۱۲/۹۵ دلار است. برای کسب اطلاعات از دائره مطبوعات مرکز جهانی بهائی نشانی لازم در ذیل این نامه درج می‌گردد.

علاوه بر مطالبی که هر سال در علم بهائی درج می‌شود مجلد سال ۹۶-۱۹۹۵ حاوی مطالب ذیل نیز هست. گزارش مشارکت بهائیان در چهارمین کنفرانس جهانی زنان که در پکن منعقد گردید رویدادهای مربوط به پنجاهیمن سالگرد سازمان ملل متحدد، گزارش کنفرانس مشاورین قاره‌ای که در دسامبر ۱۹۹۵ در مرکز جهانی بهائی تشکیل شد مقاله‌ای تحت عنوان "عهد و ميثاق شالوده ای برای جامعه مدنی" مقاله‌ای با عنوان "دیدبان جهان" که در سال جاری در باره ارزشها و نحوه حکومت در جامعه جهانی که بتدریج آشکار می‌گردد نوشته شده است "نقطه عطف برای جمیع ملل و سایر بیانیه‌های عمدہ ای که از جانب جامعه جهانی بهائی صادر شده است، معرفی یاد طرح عمرانی بهائی در برزیل، و" نظری به وقایع سال " که گزارشی است از اقدامات جوامع بهائی همراه با سی عکس رنگی . اکنون که کتاب "علم بهائی" برای سال ۹۷ - ۱۹۹۶ در دست تهیه است از وصول گزارش اقدامات و موقیت‌های جوامع تحت اشراف آن محافل استقبال می‌کنیم. ارسال اسلامیدها و عکس‌های رنگی از جریان اقدامات امری نیز که با کیفیت خوب برای چاپ تهیّه شده باشد مورد امتنان است.

با تحيّات ابدع ابهی از طرف دفتر اطلاعات عمومی

World Center Publications
46 High Street
Kidlington OXFORD OX5 - 2DN
ENGLAND

اغتنام فرصت در اعلان امرالله با بکارگیری هنر

فرستنده: خانم شری اسمیت
ترجمه و تلخیص از عندلیب

را داوطلب شرکت در جشنواره نمودم ، درخواست من بتصویب رسید و مسئولیت دو کارگاه (work) shop بعده من گذارده شد ، یکی از مسئولین از من خواست که در کارگاه دیگری تحت عنوان "قدرت آواز و قصه در شفای روحانی" نیز شرکت نمایم ، من بوی اظهار داشتم که بهائی هستم و او گفت که در این صورت شرکت من در کارگاه مذکور فوق العاده لازم خواهد بود .

قرار اولین برنامه من به ساعت ۴ بعدازظهر روز اول افتاد ، در روز موعود ، راهی سفر دو ساعته از منزل خود تا محل گردهمانی گردید ، بیش از ۲۰ دقیقه ای تا مقصد فاصله نبود که دچار تنگی نفس شدم . چند سال پیشتر از این بیماری آسم مرا به زحمت انداخته بود ولی نه به اندازه آنروز یعنی در حالی که در شاهراه مشغول رانندگی بودم مجبور بتوقف در رستوران مک دانلد شدم ، قدری استراحت نمودم چندین مناجات خواندم و دوباره راهی گشتم ، در آن دقایق احساس می کردم از آنجائی که شرکت کنندگان جشنواره می بايستی ندای امر الهی را بشنوند ، موظف به ادامه سفر هستم حدود ساعت پنج و نیم به مقصد رسیدم . البته وقت برنامه من گذشته بود . هنگامی که کسالت خود را با بعضی حاضرین در میان گذاردم با

« تنها فرد بهائی است که می تواند استعدادهای را که مشتمل بر توانایی استفاده از ابتكارات شخصی ، اعتنام فرصت ها ، ایجاد روابط دوستانه با دیگران ، معاشرت و مصاحبت با سایرین ، برقرار ساختن ارتباط با مردمان ، جلب همکاری سایرین در خدمات مشترک امری و اجتماعی و بالاخره اجرای تصمیمات متخذه بوسیله هیأت ها و مؤسسات امری است به کار گیرد »

ماخذ از ترجمه مصوبه پیام منیع بیت العدل اعظم الهی

خطاب به بهائیان عالم رضوان ۱۵۲ بدیع برای نخستین بار ، حدود دوماه پیش بود که خبر انعقاد جشنواره ای بمنظور گرامی داشت شعر ، آواز و قصه گوئی موسوم به سانشاین اسکچز Sunshine Sketches آگاهی یافتم ، هدف این گردهمانی که از ۲ تا ۴ می در شهر اُرلیا Orillia در ایالت انتاریو Ontario کانادا برگزار می گردید . بزرگداشت ماه می بعنوان « ماه گفتار و شنواری » بود ، موسیقی و قصه گوئی دو بخش عمده شغلی من در کانون شنواری کانادا The Canadian Hearing Society را تشکیل می دهنده وظیفه من کمک با فراد سالخوردگان ای است که قوه شنواری آنان رو به تحلیل است . بدین دلایل ، خود

بار دگر از شوق تر گردید . در پایان جلسه ، حضار مرا در آغوش فشرده و گفتند که گفته هایت بر دلان نشست و حالت و نشه روحانی خاصی به محفل بخشید ، سه تن خواستار شرکت در جلسات بهائی گردیدند .

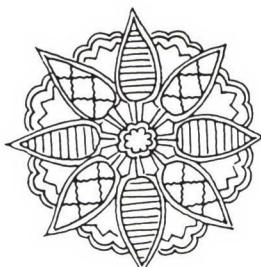


توضیح :

بعضی از دوستان از این هیئت راجع به پیام منیع بیت العدل اعظم سوال نموده اند که چگونه پیام ۱۹۹۵ در سال ۱۹۹۷ عنديب چاپ شده ، اولاً : ترجمه رسمی پیام درست قبل از چاپ مجله شمار ۶۱ بدست ما رسید و نظر باهیت مواضع مندرجه در آن مبادرت بچاپ شد .

ثانیاً : پیام های بیت العدل اعظم دستور العمل جامعه و افراد بهائی است . لذا اصل ، اطاعت و اجراء است .

هیئت تحریریه عنديب



تعجب دریافتم که جمع کثیری از بیماری آسم در مشقتند ! همگی نگران صحت حال من بودند . واقعاً موجب بسی شگفتی است که خداوند منان با چه حکمتی پیشامدهای گوناگون را وسیله اعلان امر مبارکش می سازد . ناراحتی جسمانی من بصورت حلقه ارتباط روحانی بین من و سائرین در آمد . وقتی تعریف نمودم که در هنگام توقف برای سلامتی خود دست دعا و نیایش بسوی خالق عالیان بلند نمودم ، قطرات اشک در چشم ان چند نفر درخشد .

افریقائی ، ایرلندی ، فرانسوی ، کانادائی ، کارائیبی ، کلیمی ، بودائی ، مسیحی و بهائی نمایشی بود زیبا از اتحاد نوع بشر .

در روز آخر ، سخن از چگونگی بهائی شدن خود بیان آوردم و رشتة کلام را به تاریخ صدر امر رساندم . در مورد تضییقات واردہ که با حبس و شکنجه و شهادت مؤمنین اولیه توأم بود صحبت کردم ، هنگامی که شرح دادم که مؤمنین اولیه وقتی که منتظر سرنوشت خود بودند به آواهای دلنشیین متربّم می گشته و با قصه گوئی و استفاده از امثال و حکایات ایمان و تسليم خود را به حضرت مقصود ابراز می داشتند ، بار دیگر قطرات اشک در ابصار جمعی حلقه زد ، هنگامی که اظهار داشتم در آثار بهائی مقام هنر و هنرمند تمجید و تأکید گردیده و بهائیان مؤمن و معتقد قائل به نفوذ و رسوخ اثرات هنری در افتدۀ انسانی میباشند ، دیدگان حاضران

رنجش و آزدگی

ادامه مطلب قبل

میداند رو به ترقی است و لکن بمحض اینکه خود را خوب دانست و کفت من کامل هستم غرور و دُنْتَو حاصل نماید . هر نفسی از برای خویش وجودی بیند و خیال تمیز و تفریقی آن از آثار نعاق است و علامت نفاق ، باید شئون خود را فراموش کرد و در مقام فنای محض آمد و الا ملاحظه وجود عاقبت سبب شرک کردد و بادی کفر محض ، خضوع و خشوع و محظوظ فنا و اطاعت و انقياد محبوب . آنکس که از خود راضی است مظهر شیطان است و آنکه راضی نیست مظهر رحمن ، خودپرست ترقی نمیکند اما آنکه خود را ناقص بیند در صدد اكمال خویش بر میآید و ترقی نمیکند . اگر کسی هزار حسن داشته باشد باید آنها را نبینند بلکه در صدد دیدن نقص خود باشد ... برای انسان کمال مطلق محال است پس هرچه ترقی کند باز ناقص است و نقطه بالاتر دارد . بمحض آنکه بآن نقطه نظر نمود از خود راضی نیشود ... اگر کسی لله خاضع شود از برای دوستان الهی آن خضوع فی الحقيقة به حق راجع چه که ناظر به ایمان اوست ... همچنین اگر نفسی استکبار نماید آن استکبار بحق راجع است نعموز بالله من ذلك يا اولى الالباب (٤٠) *

و ايضا در سفرنامه میفرمایند قوله الحق :

بهترین انسان کسی است که قلوب را بدست آرد و خاطری نیازارد و بدترین نفوس کسی است که قلوب را مکدر نماید و سبب حزن مردمان شود ، همیشه بکوشید که نفوس را مسرور نمایند و قلوب را شادمان کنند ... (٤١)

و همچنین آن سادچ قدسی بدین مواضع رحمانی ناس را دلالت میفرماید قوله الرِّزَاقُ :

ای اهل بھاء ... اگر نزد شما کلمه و یا جوهریست که دون شما از آن محروم بلسان محبت و شفقت القاء نمایند و بنمایند . اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را باو واگذارید و در باره او دعا کنید . نه جفا ، لسان شفقت جذاب قلوب است و مانده روح و بثابه معانیست از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانانی (٢٧) .

و در مقامی دیگر چنین میفرماید قوله المتعال :

باید کل با یکدیگر برفق و مدارا و محبت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادرال بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند ... (٢٨)

و همچنین میفرماید قوله البصیر :

ای برادران با یکدیگر مدارا نمایند و از دنیا دل بردارید ، بعرَت افتخار ننمایند و از ذلت تنگ مدارید .

قسم بجملام که کل را از تراب خلق نمودم و البته بخاک راجع فرمایم (٢٩) .

و در این بابت حضرت عبدالبهاء بیان غرائی فرموده اند که در سفرنامه مذکور است قوله الرِّنُوفُ .

خاضع باشید و خاشع باشید ، زیرا انسان تا خود را نیک نمیداند بلکه خویش را عاجز می بیند و فاقد

تباینی موجود است بدین معنی که اگر ارتباط دیگران با ما بر اساس عدل و انصاف است که فبها المراد و این شعاع شمس حقیقت است که ساطع و لامع است . اگر خدای ناخواسته دیگران بر موازین عدل و انصاف و حق و حقیقت با ما رفتار ننمایند آنوقت شرائط دیگری در میانه ظاهر و عیان میگردد که مطالعه آن از لحاظ ارتباط نفوس لازم و ضروری است . نخست آنکه بر طبق فقره کلمات مکنونه باید عمل نمود و چشم و گوش هوش و قلب را لایق مشاهده و استماع کلام کرد نه کلال چه که میفرماید قوله الباری : ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل بر میار یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب مردم بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی میسند تا ذلت تو چهره نگشاید . پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا بفراعت از این جسد فانی بفردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقر یابی (۴۲) .

پاکی و طهارت قلب از اقوال و افعال و اطوار و گفتار ناس بسهولت بدست نماید . زحمت شدیده لازم و صبر و تحمل ایوبی واجب تا انسان قادر بتنزیه و تقدیس کلی و طهارت و پاکی قلبی فوادی گردد . و اگر این تنزیه و طهارت حاصل نشود قدم در عالم فنا و فدا متزلزل شود و سستی و رخوت استیلاء نماید . حضرت عبدالبهاء طریقه کسب این مقدرة روحانی را این چنین توصیف میفرمایند قوله الحفیظ :

ای طیب طاهر ، اصل طهر و پاکی قلب را بماء منزل از سماء تجلی پاک و مقدس نمودنست . این ماء لطیف

در یکی از مکاتیب مبارکه حضرت عبدالبهاء میفرمایند که بلایای واردہ از خارج قابل ذکر نیست و توقع و انتظاری از اشرار نه بلکه اغبرار و اختلاف در بین یاران مورث حزن و اندوه فراوان است ، این اغبرار و اختلاف از تأثرات کلام ناروا در بین افراد اهل بهاست ، قوله الماجد :

همیشه تأثرات قلب عبدالبهاء از اغبراریست که در میان احباء حاصل گردد ، مصائب خارجه تأثیری ندارد ، بلایای واردہ را حکمی نه زیرا هرچه هست از خارج است توقعی از آنان نیست ولی اگر در میان احباء رنجش و اغبراری حاصل گردد بی نهایت تأثیر دارد ... (۴۲) .

پس از این باب چنین تیجه میگیریم که در نحوه ارتباط انسان با دیگران باید :
اولاً - چشم از انتظارات و توقعات بریندد .
ثانیا - خود را احقر ناس مشاهده کند و بكمال خضوع و فنا بدیگران بنگرد .

ثالثا - همچنانکه خود را غافل و ذاہل مشاهده نماید و دیگران را کامل و عاقل لذا مزیت و برتری در خود نمیندد و استکباری ملاحظه ننماید و بالمال سر تمکین و اطاعت و انقياد فرود آورد و بالنتیجه رنجش و دلگری بیان نماید .

بند ثانی - نحوه ارتباط دیگران با انسان :

از مصدق آیات واردہ در بند اول چنین مستفاد میشود که آنچه را انسان از لحاظ انتظارات و توقعات برخود سخت و صعب ملاحظه نماید بدلیل آنست که در وصول و حصول آراء و افکار دیگران با موازینی که خود در خود ایجاد نموده است اختلاف و

جمال قدم جل اسمه الکرم در عظمت صبر و اصطبار
چنین میفرمایند قوله الرزاق :
الصبر مَرْأَةُ الْأَمْرِ وَ الْبَلَاءُ مَكْرُوهٌ الْحَبَّى كذلک کان
الامر من قلم الوحی بالحق متزولاً . . . (۴۷)

گرچه صبر تلخ است و لکن میوه و ثمره شیرین دارد و
حضرت عبدالبهاء نیز در این زمینه مدح و توصیف
صبر و حلم را میفرمایند : قوله الغفور :
حال باید احبابی الهی در تأسیس بنیان عزّت ابدی
بکوشند یعنی در بین خلق باخلق حق محسور کردند
. سلیم باشند و حلیم ، صادق باشند و امین ، خاضع
باشند و خاشع ، خیرخواه گردند و مهربان ، اطاعت
حکومت نمایند و حسن الفت با جمیع ملت . . . (۴۸)

باب دوم

چگونگی رفع عوامل رنجش :

از آنجا که معلوم و واضح گردید که حصول
رنجش مبنی بر توقعات و انتظارات فردی است پس
در رفع و برطرف نمودن عوامل رنجش مشکل صعب و
دشواری در امام وجود نیست .

علمای علم النفس معتقدند که خاطر آزدگی و عبوسی
و تندخونی و تعذری و عیب جوئی متنکی بر چند
عوامل متتنوع است . در حقیقت ما در این وجیزه علاقه
مند به پیکری این عوامل و صحت و سقم آن بر
مبنای تعالیم الهی و مبادی روحانیه نیستیم بلکه نقطه
نظر گاه ما آنستکه سعی و اهتمام در رفع موارد رنجش
و استیاء نماییم تا جامعه با کمال صلات و صراحت و
آزادی و آزادگی و حُسن تفاهم و حُسن روابط در

نورانی کلمات الهیه است که چون موج عنایت از بحر
اعظم برخواسته است و چون حقیقت کینونت را بزل
صفی معانی کلمات الهیه غسل دهی یعنی تخلق باخلق
رحمانیه که در هویت آیات ربانية است نمائی هم طیب
شوی و هم طاهر گردی هم زاهر گردی هم باهر .
امیدوارم که چنین شوی . . . (۴۴) .

در حقیقت صبر و تحمل از واجبات روابط نفوس با
یکدیگر است . حضرت ولی عزیز امرالله یاران الهی را
در معاملات و روابط با یکدیگر بصبر و شکیبانی
تشویق و ترغیب میفرمایند . در یکی از بیانات مبارکه
که ترجمه گردیده و در جزوی حیات بهانی مندرج
گردیده است چنین میفرمایند قوله البديع :
یاران در مورد یکدیگر باید صبر و شکیبانی را پیشه
سازند و باین نکته توجه نمایند که امر هنوز در مرحله
طفولیت است و مؤسسات و تشکیلات آن در انجام
وظائف کمال مطلوب را بدست نیاورده . هرچه صبر و
شکیبانی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت بیکدیگر و
اغراض نواقص بیشتر باشد ترقی جامعه بهانی بطور کلی
افزونتر خواهد گشت . (۴۵)

و در مقامی دیگر میفرمایند قوله الحکیم :
ما باید اهمیت چندانی به روش و احساسات دیگران
نسبت بخود بدھیم . مهمترین امر ترویج عشق و علاقه
و ناچیز انگاشتن خرده کیریهاست . باین ترتیب
بعض طبیعت انسانی و نظرات خاص و روش هیچ
فرد بخصوص اهمیت فوق العاده داده نخواهد شد بلکه
بر عکس این ناقص در پرتو خدماتی که متحداه در
طریق امر محبوب خود صرف میکنیم محو وزائل
خواهد شد . . . (۴۶)

بخدا قرب بیشتری پیدا کنیم ، صرفنظر از اینکه فکر و جسم ما متحمل چه مصائب و متابعی گردد ... (۴۹)

ملاحظه بیشتری در این مسئله مهمه خطیره فرمائید که حضرت ولی عزیز امرالله میفرمایند از برای مظاهر ظهور نیز رنج و سختی در این عالم ناسوت مهیا بوده است ولی با تعالی روح خویش از دسترسی این آفات و بلایا بدور میمانند . مقصود از این بیان عظیم و این تبیان رفیع آنستکه باید نقطه نظرگاه را علت وجود رنجش قرار ندهیم که بحق و یا نا حق بر ما وارد گشته است . نخواهیم که اثبات نمائیم که در این مباحثه و یا در آن کفتگو ما بر روای حق و درستی سخن راندیم و فلانی بر موازین امری و آثار الهی تکلم ننیمود . تعلق خویش را در تعیین مُحق و یا مُضل اعلام و اثبات ننماییم بلکه بهمان رویه و طریقه که مظاهر ظهور بتحمل بلایا و محن و آلام تن در دادند رفتار و عمل نمائیم و از برای مذنب و متعدی دعا کنیم تا برحمت و موهبت و عفو و بخایش الهی فائز و متباهی گردد .

حضرت عبدالبهاء در این زمینه چنین میفرمایند قوله الحسیب :

فرض نمائیم که اگر اهل شهری جمیع آشنا کردند و بیگانه محدودی قلیل و در نهایت عداوت و بغضا با وجود این یاران آشنا را محبت باید و مدارا شاید که نهایت رعایت مجری دارند و چشم از خطا پیوشنند و بر عطا بیفرزایند . اینست نصوص الهیه و مادون آن لاینبعی لاهل العرفان . (۵۰)

حق دیده خطابوش میطلبید تا گره و نقاری در قلوب

خدمت ملیک مقتدر همت کمارد و در نشر نفحه طیبه مسکیه قیام و اقدام کند . صبر و تحمل که در بالا بدان اشاره شد عامل برطرف ساختن رنجش نیست بلکه عاملیست که بوسیله آن آثار و تاثیر ایجاد رنجش محو و زائل میگردد . اگر جمیع بشر بما بینبعی و یلیق رفتار و سلوك نمایند و بموجب نصائح مشفقاته و صفات حمیده که از جانب مظاهر ظهور ارانه کردیده عمل نمایند موجباتی از برای ایجاد رنجش و آزدگی خاطر فراهم نمیگردد و لکن تخلق باخلق رحمانی از جانب نقوسیکه بشریعت سمحای الهی مشرف نگردیده اند ممکن و میسر نه ، از طرف دیگر ما اهل بهاء نیز در مشی و سلوکمان و عمل باامر مولای مهربانمان و تخلق باخلق و شیم و تعالیم شرع کربیمان فتور و رخوت بخود راه میدهیم و بنقطه کمال مطلوب تا کنون نائل نگشته ایم . پس چه بایدمان کرد . توجه به بیان حضرت ولی عزیز امرالله نمایید که بفارسی ترجمه گردیده و در کتاب حیات بهانی مندرج شده است قوله المعرز :

ما وقتی از این وقایع ناگوار رنج میبریم نباید فراموش کنیم که انبیای الهی نیز از این امور که افراد عادی را می آزاد مصون و محفوظ نبودند . آنها نیز غم و بیماری و درد را میشناختند ولی تعالی روح خویش از دسترسی این آفات و بلایا بدور میمانند ، ما نیز در هنگام ابتلای باین بلایا باید بهمین ترتیب عمل کنیم ، رنجهای این جهان گذران است و آنچه باقی میماند چیزی است که از روح خود ساخته و پرداخته ایم . پس هدف و برنامه ما باید این باشد که روحانی تر شویم

آنچه اراده فرماید بعزم و اقتدار مجرا خواهد فرمود
چه اوست مقتدر و توانا ، از جنگ و جدال بموجب
حدود و احکام الهیه که در کتاب مبین او وارد گشته
ممنوعید .

در این بیان مبارک هم نحوه ارتباط با دیگران و هم
نحوه مقابله با شرارت و مضرت وارد از دیگران
توصیف گردیده است و نتیجه همانا صبر و استقامت و
توکل امور بید اقتدار حی غیر تعیین شده است و در
همین لوح منیع فوز به رضای الهی را که مرضای خاطر
هر مؤمن صادقیست این چنین توصیف میفرمایند قوله
اللطیف :

تَاهَّلَ مِنْ فَازَ بِرْضَانِيَ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ مُلْكِهِ يَصْلَى عَلَيْهِ
الْمَلَائِكَ الْأَعْلَى وَ أَهْلَ مَدَانَنِ الْاسْمَاءِ وَ يَشَهَدُ بِذَلِكَ فَاطِرُ
السَّمَاوَاتِ فِي هَذَا الْكِتَابِ الْمُحتَوِمِ مِنْ فَازَ بِهِ فَازَ بِكُلِّ الْخَيْرِ
وَ الَّذِي مُنْعَنِّ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ التَّابُوتِ طَوْبِي لِنَفْسِ نَبْذَتْ مَا
أَرَادَتْ وَ اخْذَتْ مَا أَرَادَهُ اللَّهُ الْمَهِيمِنُ الْقِيَوْمُ . لَيْسَ فِي
عِلْمِ اللَّهِ مَقَامٌ أَعْظَمُ مِنْهُ نَعِيْمًا لَمْ شَرِبْ هَذَا الرَّحِيقَ مِنْ
يَدِ عَطَاءِ رَبِّهِ الْغَفُورِ ، لَوْ تَعْرَفَ لَذَّةُ بَيَانِ رَبِّكَ لِتَطْبِيرِ فِي
الْهَوَاءِ وَ تَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَ تَنْنَادِي فِي بَرِّيَّةِ الْعَالَمِ لِبَيْكَ
لِبَيْكَ يَا إِلَهُ الْوُجُودِ وَ لِبَيْكَ لِبَيْكَ يَا مَالِكَ الْغَيْبِ وَ
الشَّهَدُ لِبَيْكَ لِبَيْكَ يَا سُلْطَانَ الْمُلُوكِ (۵۲)

فصل دوم :

خلق و خوبی رحمانی سبب و علت عدم

ایجاد رنجش است

روش و سلوك و اطوار و رفتار ناس در ایجاد بنیان
رنجش مدخلیت کلی دارد . این شیم و اطوار از
نصایح و مواعظ الهیه مستفاد میگردد تا راه راست از

باتی نماند و حزن و اندوهی دیده ها را محتجب
نماید . بنارالهی مشتعل گردد و بحب احباش مسورو
و شادمان شود چگونه میتوان از سر آفات و بلایا
خلاصی یافت ؟ به تعالیم الهی نظر میافکنیم و ملاحظه
مینماییم که درمان واقعی در دست طبیب حاذق الهی
است . درد را شناخته و درمان عطا فرموده است .
حضرت بهاء الله در لوح عندلیب میفرمایند قوله
الرحمن :

لَاتَسْبِّهَا أَحَدًا بِيَنْكُمْ وَ لَا تَتَبَعَّوْ خَطْوَاتِ الْغَافِلِينَ ، قَدْ
جَنَّا لِاتِّحَادِ مِنْ عَلَى الْأَرْضِ وَ اتَّفَاقُهُمْ يَشَهَدُ بِذَلِكَ مَا
ظَهَرَ مِنْ بَحْرٍ بَيْانِيَ بَيْنَ عِبَادِيِّ وَ لَكِنَّ الْقَوْمَ اكْثَرُهُمْ فِي
بَعْدِ نَبِيْنِ إِنْ يُسْبِّكُمْ أَحَدٌ وَ يُسْكِنُ ضَرًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
اَصْبَرُوا وَ تَوَكَّلُوا عَلَى السَّامِعِ الْبَصِيرِ اللَّهُ وَ يَشَهَدُ وَ يَرَى
وَ يَعْمَلُ مَا أَرَادَ بِسَلْطَانِ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لِهُوَ الْمُقْتَدِرُ
الْقَدِيرُ قَدْ مُنْعَنِّمٌ عَنِ النَّزَاعِ وَ الْجَدَالِ فِي كِتَابِ اللَّهِ رَبِّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۵۱)

دقّت و تمّن در این لوح مبارک کافی و شافی است و
از جمیع لحظات ما را بصراط مستقیم هدایت و رهبری
مینماید . در بدایت کلام آن هادی اُمّ میفرماید از
سب و لعن احدی امتناع ورزید و طریق غافلین
نپونید . اسم اعظم در عالم از برای هدایت بنی آدم
ظاهر گشته بجهت اتحاد و اتفاق ناس تجلی فرموده
است . آثار مبارکه و تعالیم سماویه کل شاهد و ناظر
این بیان است و لکن اکثر مردم از حقیقت دور و
بعیدند . و اگر نفسی شما را مورد سب و طعن قرار
داد و مضرّتی بر شما در راه خدا وارد کرد بحبل
صبر و توکل متشبّث گردید و او را به خداوند بیننده
و شنوا بسپارید . خداوند تعالی شاهد و بیناست و

مبغوضا ايّاكم ايّاكم عن الفساد و الاختلاف لأن بذلك يرجع الضر الى سدرة قدس مرفوعا، كونوا ادلا في ارضه و امناه في بلاده. تالله الحق فسوف يغنى الملك و مافيه و عليه و يبقى لكم ما نصحتكم به من قلم عزّ مشهودا قدسوا انفسكم عن كل ما يحدث به التفاقي بينكم ليشهدكم الله مطهرا عن كل دنس و عن كل ما يحبه رضاه و هذا ما امرتم به في الواح قدس ممنوعا كذلك و صاصكم قلم الرحمن حين الذي احاطته الاحزان من كل الاشطار و كفى بالله على ذلك شهيدا . . . (٥٣)

و در لوح رئیس این بیان اعلی از قل معجز شیم
جمال کبریا نازل ، قوله المنیع :

« قل قد جاء العلام ليحيى العالم و تيحد من على الارض كلها سوف يغلب ما اراده الله و ترى الارض جنة الابهی كذلك رقم من قلم الامر على لوح قویم . . . » ٥٤
حضرت مولی الوری در باره اهمیت و عظمت بدایع اتحاد و اتفاق چنین میفرماید قوله العقو :

ای احبابی الهی تعالیم الهی مورث حیات ابدیست و سبب روشنانی عالم انسان ، صلح و صلاح است و محبت و امان ، تأسیس آشتی و راستی و درستی در جهان آفرینش است و واسطه اتحاد و اتفاق و التیام و ارتباط در میان عموم افراد انسان ، لهذا باید اساسی در این جهان نیستی بنهید که سبب هستی بی پایان گردد و علت نورانیت عالم امکان شود ، با جمیع امم و ملل عالم در نهایت محبت و مهربانی سلوك و حرکت لازم است و با کافه فرق مختلفه نهایت مودت و مرحمت و مروت و اعانت و رعایت واجب ، هر دردی را درمان شوید و هر زخمی را مرحم و سبب التیام هر ضعیفی را ظهیر گردید و هر فقیری را معین و دستگیر . هر خائفی را

طريق ناصواب کاملاً تشخیص داده شود و صحیح از نادرست مجرزا و مُبرا شود . اینست که مظاهر الهی و مُبینین کلمات رباني ناس را بذکر الهی و غور و فحص در آثار رباني تحریص و ترغیب میفرمایند تا افراد جامعه از ذرر ثمینه مودوعه در الواح مقدسه استفاده شایان برنده و بموجب تعالیم ربانيه و نصائح مشفقاته صمدانیه مشی و سلوك نمایند تا از اوامر و نواهي رحمانی مطلع و آکاه نگردیم چگونه میتوانیم بد را از خوب و صحیح را از نادرست تفکیک نماییم . در الواح جمال اقدس ابهی و حضرت نقطه اولی و مکاتیب و خطابات حضرت مولی الوری و توافقی حضرت ولی امرالله است که ارانه طریق روشن و واضح گردیده و مبادی روحانی و اجتماعی امر الهی توصیف کشته و تعالیم مبارکه شرح و وصف کاملش وارد کشته است . لذا باید در بدایت هر امر توجه به آثار مبارکه نمود و از آن آفتتاب حقیقت اشعة ساطعه کسب نمود و از آن بحر بیکران جواهر ثمینه استخراج کرد و بموجب آن وصایا و مواعظ عمل نمود . در این سبیل ملاحظه مینماییم که شارع قدیر پاکی و پاکدامنی و صداقت و درستی و خلق و خوی رحمانی را پس از کسب معرفت الله و عرفان مظہر کبریائیش عمل بموجب حدود و احکامش معین فرموده است و در این طریق حب الله را قاعده و اساسی و بنیان مرصوص مشخص ساخته است و اتحاد و اتفاق را حجر زاویه آن بیان فرموده : قوله الخبر :

آن اتحدوا على حب الله و امره و كونوا كنفس واحدة تالله هذا احبت عند ربکم عن كل امر محبوبا و بذلك تضطرب اركان المشركين و ينكسر ظهر كل فاجر

« ایاکم ان تفرق کم شئونات النفس والهوى کونوا كالاصابع
فی اليد و الاركان للبدن كذلك يعظكم قلم الوحي
ان انت من الموقنين. فانظروا في رحمته الله والطافه انه
يا مرکم بما ينفعكم بعد اذکان غنیاً عن العالمين لن
تضُرُّنا سیناتکم كما لا تنفعنا حسنانکم انتا ندعوكم
لوجه الله يشهد بذلك كل عالم بصیر (۵۷)

اینست که خداوند منان مظاهر ظهورش که مطلع
صفات و اسماء رحمانند را در عالم وجود متحمل بلایا
و رزایی شتی فرمود تا ناس بر اثر اقدام ان شموس
لامعه مشی نمایند و بآن مشارق وحی رحمانیه تأسی
کنند . حضرت عبدالبهاء در این زمینه چنین
میفرمایند قوله العلیم :

جميع بلایا و رزایا نظر بان حمل شده که جمیع ناس
بطراز اخلاق رحمانیه و صفات ملکوتیه مزین شوند و تا
احبای الهی از این کأس نیاشامند قادر اسقای دیگران
نخواهند بود . باید اول خود بنوشند و بعد
بنوشانند (۵۸)

و در سوره الدم حضرت بهاء الله جل اسمه العلي الاسنى
چنین میفرمایند قوله الجامع :

و کن متخلقاً باخلاقی بحیثُ لو یبسط عليك احد
ایادی الظلم انت لاتلتفت اليه و لا تتعرض به دع حکمه
الى ربک القادر العزيز القیوم کن فی کل الاحوال مظلوما.
تالله هذا من سجیتی و لا یعرفها الا المخلصون ثم اعلم
بان تأوه المظلوم حين اصطبارة لاعزَ عندالله عن کل عمل
لو انت تعلمون . ان اصبر فيما یرد عليك فتوکل في
کل الامور على الله ربک و انه یکفیك عن ضر ما خلق و
یخلق و یحفظك فی کنف امره و حصن ولایته و انه
مامن الله الاهو له الخلق و الامر و کل به یستنصرون و

کهف منیع شوید و هر مضطربی را ملاذی رفیع ، در
این مقام ملاحظه و امتیاز هرچند جائز ولی در این کور
عظمیم محبوب و مقبول چنانست که نظر از حدودات
بشر برداشته شود و یاران مظاهر رحیم و رحمن
گردند و نوع انسان را خدمت حتی حیوان را مواظبت
نمایند و رحمته سبقت کل شیئی ... ای احبابی الهی
اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان
عبدالبهاء را خواهید بر اتحاد و اتفاق بیفزایید و جمیع
امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر کلهای یک
کلشن گردید و حلقهای یک جوشن ، در یک هوا
پرواز نمایید و بیک نغمه و آواز ترتم ساز ، این سبب
سرور ابدیست و راحت قلب و جان سرمدی ... (۵۵)
و پس از کسب حب الله و اتحاد و اتفاق یاران خضوع
و خشوع احباء الله مورد تأکید و طید مرجع امر
منصوص قرار گرفته است چه که با طیر خضوع و
خشوع انسان بر فرق اسمی پرواز مینماید و بعلو سماء
میرسد . خضوع و فروتنی انسان را مهیای کسب مواهب
الهی مینماید . خشوع و از خود کذشتگی ناس را
بذروه رضای سبحانی سوق میدهد . حضرت عبدالبهاء
میفرمایند قوله القدس :

« اليوم تسألى عبدالبهاء محبت و خضوع و خشوع احباء
است بيكديکر و تا حقيقة محبت قلبيه و نهايت
محويت و فنا و تعلق روحانی در قلوب احباء
بيکديگر جلوه ننماید البتہ موهبت کبری جهانگیر
نشود . » (۵۶) اینست که در کتاب مستطاب اقدس ،
ام الكتاب شرع بهاء جمال قدس کبریاء جلت عظمته
وحدت جامعه و رافت و لطافت اهل بهاء را از شئونات
اصلیه مرقوم داشته اند قوله المقتدر :

میدهیم انه هادی الوالى الحفظ :

يا احـباء الله استحلفكـم في آخر القول بالثبات على هذا الامر الخطير و المدافعة عن شعائر هذا الدين المبين و المداومة على النداء بهذا التبـاء العظيم و الاستقامة في تنفيذ احكـام هذا الشـرع الجـليل و السـلوك في هذا المنـهج القـويـم و الاشتـعال بـوضع دعـائـم هـذا القـصـر المشـيد و الاستـمرار في كـشف اسرـار هـذا النـاقـوس البـديـع و الاحـتـراز و الاجـتنـاب من كل عـدـولـهـذا الاسـم البـهـي المتـبـاهـي المتـلـأـءـ الفـرـيد . بذلك تـظـهـر مقـامـاتـكم و تـسـطـع انـوارـ عـزـكـم و تـتـكـشـف الـظـلـمـات من اـفـق دـيـارـكـم و تـظـهـر خـفـيـات دـيـنـكـم و تـنـهـزـم جـنـود اـعـدـانـكـم و تـتـحـقـق وـعـود رـبـكـم و مـوـلـاـكـم و يـصـحـ وـطـنـكـم قـطـعـةـ من الفـرـدوـس الـاعـلـى و مـرـآـتـاـ تـنـعـكـسـ فيـهـ الانـوارـ السـاطـعـةـ من الـمـلـكـوتـ الـاـبـهـيـ فـيـاـ حـبـذاـ لهذاـ الـيـوـمـ المشـعـشـ المـقـدـسـ الـبـارـكـ العـظـيمـ . (٦١) .

فهرست مراجع

- ٢٧ - حضرت بهاء الله
- ٢٨ - حضرت بهاء الله
- ٢٩ - حضرت عبدالبهاء سفرنامه مبارک ، همچنین در الواح مبارکه در این زمینه مطالب بسیار است منجمله حضرت عبدالبهاء میفرمایند قوله الرحيم : از جمله تعالیم اینست که باید محبت و وفا بر قلوب چنان استیلا یابد که بیگانه را آشنا بیند و مجرم را محروم شمرند . اغیار یار دانند و دشمن را دوست غمخوار شمرند . قاتل را حیات بخش کویند ، مدبر را مقبل دانند و منکر را مقر بینند یعنی نوعی معامله نمایند که بمقبلین و مؤمنین و یار و آشنا سزاوار است . اگر این شمع در انجمن عالم چنانکه باید و شاید برافروزد ملاحظه خواهید نمود که کشور معطر گردد و اقلیم جنت نیعم شود . زمین بهشت برین گردد عالم وطن واحد شود و شعوب مختلفه جنس واحد و قبائل و امم شرق و غرب یک خاندان شوند (مختبـاتـی اـزـ مـکـاتـبـ حـضـرـتـ عبدالـبـهـاءـ ، چـاـپـ اـمـرـیـکـاـ صـفـحـهـ ٨١)
- ٤١ - حضرت عبدالبهاء - سفرنامه مبارک
- ٤٢ - حضرت عبدالبهاء - مکاتب جلد پنجم چاپ ایران

صفحه ١٥

ان یـعـتـبـكـ نفسـ اـنـتـ لـاتـقـعـلـ بـهـ كـماـ فـعـلـ لـلـانـلـكـونـ مثلـهـ ثمـ اـعـرـضـ عـنـهـ وـ تـوـجـهـ إـلـىـ خـبـاءـ الـقـدـسـ فـيـ هـذـاـ السـرـادـقـ الـقـدـسـ المـرـفـوعـ . كـنـ بـيـنـ النـاسـ كـتـلـ الـمـسـكـ لـتـفـوحـ منـدـ رـوـاحـ الـقـدـسـ بـيـنـهـمـ لـعـلـ تـجـذـبـهـمـ إـلـىـ فـنـاءـ قـدـسـ مـحـبـوبـ (٥٩)

وـ چـونـ اـتـصـّـافـ بـصـفـاتـ الـهـيـ بـمـنـظـورـ قـرـبـيتـ درـگـاهـ رـحـمـانـيـ استـ بـذـكـرـ اـيـنـ فـقـرهـ اـزـ لـوحـ مـبـارـكـ حـضـرـتـ عبدالـبـهـاءـ مـبـادـرـتـ مـيـنـمـايـدـ كـهـ مـيـفـرـمـايـدـ قولـهـ الـبـاقـيـ :

هوـالـبـهـيـ

اـيـ بـنـدـهـ بـهـاـ الـحـمـدـلـهـ شـعـمـ شـبـسـتـانـ مـحـبـتـيـ وـ نـورـ انـجـمـنـ مـعـرـفـتـ ،ـ مـيـوهـ شـجـرـهـ مـوـهـبـتـيـ وـ شـكـوفـهـ كـلـسـتـانـ رـحـمـتـ .ـ اـزـ نـسـيمـ جـنـةـ النـعـيمـ درـ اـهـتـزـازـيـ وـ اـزـ تـسـيـمـ فـرـدوـسـ عـنـيـاتـ سـيـرـابـ .ـ پـسـ چـونـ باـيـنـ فـضـلـ مـوـقـقـ گـشـتـيـ بـاـيـدـ اـيـامـ عمرـ رـاـ درـ آـنـچـهـ سـبـبـ قـرـبـيتـ درـگـاهـ كـبـرـيـاستـ بـگـذـرـانـيـ وـ قـرـبـيتـ حقـ درـ بلـنـدـيـ وـ پـسـتـيـ نـهـ ،ـ بلـكـهـ درـ تـرـيـتـ وـ تـبـتـلـ وـ تـضـرـعـ وـ بـنـدـكـيـ اـحـبـائـ الـهـيـ هـرـچـهـ بـيـشـتـرـ مـوـقـقـ گـرـدـيـ قـرـبـيتـ الـهـيـ بـيـشـتـرـ مـيـسـرـ گـرـدـ وـ بـحـقـ نـزـدـيـكـتـرـ شـوـيـ .ـ تـاـ توـانـيـ بـصـفـاتـ وـ اـخـلـاقـ مـبـعـوثـ شـوـ كـهـ بـكـلـيـ درـ سـبـيلـ الـهـيـ مـحـوـ وـفـانـيـ شـوـيـ .ـ يـعـنيـ اـثـرـ وـجـودـ درـ توـ نـمـانـدـ .ـ كـالـلـيـتـ بـيـنـ يـدـيـ الغـسـالـ يـحـركـهـ اـحـكـامـ الـهـ بـارـادـهـ مـنـ الـهـ .ـ مـعـنـيـ كـالـلـيـتـ بـيـنـ يـدـيـ الغـسـالـ اـيـنـستـ كـهـ بـكـلـيـ خـواـهـشـ وـ نـيـتـيـ وـ فـكـرـيـ وـ ذـكـرـيـ اـزـ بـرـايـ اـنـسـانـ نـمـانـدـ وـ فـانـيـ درـ تعـالـيمـ الـهـيـ گـرـدـ وـ مـفـتوـنـ اوـامـرـ رـحـمـانـيـ .ـ بـآنـ قـوـتـ مـتـحـركـ گـرـدـ وـ بـآنـ تعـالـيمـ عـاـمـلـ شـوـدـ وـ بـآنـ اـخـلـاقـ مـتـخـلـقـ ،ـ اـيـنـستـ مقـامـ فـنـايـ فـيـ الـهـ وـ بـقـايـ بـالـهـ وـ عـلـيـكـ الـبـهـاءـ عـ (٦٠) وـ مـسـكـ الخـتـامـ اـيـنـ مـقـالـ رـاـ درـ فـقـرهـ اـيـ اـزـ توـقـيـعـ مـنـيـعـ مـبـارـكـ حـضـرـتـ وـلـيـ اـمـرـالـهـ مـورـخـ دـسـامـبـرـ سـنـهـ ١٩٣٧ـ قـرارـ

هُوَ الْأَلِهُ

ای عبدالله امیدوارم که در عبودیت جمال قدم چون عبد البهاء ثابت قدم گردی و جانفشار نمانی و سرتاقدم خصوص و خشوع گردی و اسم اعظم نقش خاتم کنی و در اقامه عزت پایدار چون سلیمان پر حشمت گردی و بخدمت دوستان و چاکری یاران پردازی و کمر خدمت حکم بریندی ع ع

هُوَ الْأَلِهُ

ای عبدالله با مداراست و نیم رحمن از وادی این فواردر مرور است و ساق گلچیره دله و اخذاب شاهد اجمیع احباب امة البهاء طلب تکارش ابن ورق نمود که ذکر دراین محفل گردد و نامت در رفتار هم میثاق رفیعه توجه بیغب ملکوت کن و چون عبد بهاء بعده عبودیت جمال قدم پرداز ناتاج مباحث بر سرفی ع ع امة الله ورقه موقنه پنج رانکبرای بدع اهی بر سانید ع

هُوَ الْأَلِهُ

ای عاشق جمال ذوالجلال چشمی گنا که بور ملا اعلم شاهد نماید گوشی باز کن که آهنگ ملکوت الهی بیشود مشای مستعد کن که نعمات قدس است شمام نماید و زبانی گنا که بیان اسرار حنماید و قدی برادر که از مکان نالامکان در پیشی طی نماید و کفی یافشان که در ارای رزی مو اهی مبذول نماید ع ع



٤٢ - حضرت بهاء الله - کلمات مکنونه

٤٤ - حضرت عبدالبهاء مکاتیب جلد هشتم چاپ ایران -
صفحه ۱۲۲

٤٥ - حضرت ولی امرالله کتاب حیات بهائی چاپ امریکا
صفحه ۲۱

٤٦ - ایضاً صفحه ۲۷

٤٧ - حضرت بهاء الله کتاب مبین چاپ ایران سنه ۱۲۰
بدیع صفحه ۴

٤٨ - حضرت عبدالبهاء مکاتیب مبارک جلد اول چاپ
ایران صفحه ۴۰۴

٤٩ - حضرت ولی امرالله کتاب حیات بهائی چاپ امریکا
صفحه ۲۸

٥٠ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب جلد پنجم ، صفحه ۲۱
- در لوحی دیگر حضرت عبدالبهاء راجع بمدارا میفرمایند
قوله الحکیم : در نزد کل ثابت و مبرهن گردیده که
بهانیان خیرخواهند و با جمیع احزاب بی نهایت مهریان از
نزاع و جدال بیزارند و از تعصّب و غرض در کنار ، ای
ثابت بر پیمان با جمیع اقوام بجان و دل مهریان باشید و با
کل احزاب در نهایت خیرخواهی ، از دل و جان بکمال
صدق محبت نمایند نه مدارا همدم بیگانه و آشنا گردید و
همراز هر بیچاره و آواره ، خاطری نیازارید و کلمه سوء بر
زبان میارید ، اگر از کسی فضائل عالم انسانی و سلوک در
رضای الهی مشاهده کنید تمجید کنید و الا صمت و
سکوت اختیار نمایند . این است روش اهل بهاء اینست
نغمه ملا اعلی و این است نعره یا طوبی و یا طوبی " (اتنهی)

٤٢ - مکاتیب جلد پنجم صفحه ۴۲

٤١ - حضرت بهاء الله - لوح عنديب - آثار قلم اعلی
چاپ ایران صفحه ۱۵

٤٣ - ایضاً صفحه ۱۰

٤٤ - حضرت بهاء الله لوح الروح آثار قلم اعلی جلد چهارم
مؤسسه ملی مطبوعات امری سنه ۱۲۵ بدیع صفحه ۱۷۰

٤٥ - حضرت بهاء الله - لوح رئیس ، مجموعه الواح مبارکه
چاپ مصر صفحه ۹۰

٤٦ - حضرت عبدالبهاء

٤٧ - حضرت عبدالبهاء

٤٨ - حضرت بهاء الله کتاب مستطاب اقدس
چهارم صفحه ۵۸

٤٩ - حضرت بهاء الله - سوره الدّم - آثار قلم اعلی جلد
چهارم صفحه ۲

٥٠ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب جلد هشتم صفحه ۲۲

٥١ - حضرت ولی امرالله توقيع مورخه دسامبر ۱۹۲۷

خزان و بهار

نرم نرمک زدیده پنهان شد	شامگاهی چو حوری خورشید
درسیه نای شب خرامان شد	از کمینگاه خویش دیو خزان
.....	
خفته در بستر شباهه خویش	باغ را دید راحت و آرام
مست رویای عاشقانه خویش	گل و بلبل غنوده رویا روی
.....	
دست در کار مکروافسون شد	در مفاکی نشست سرد و خموش
دیو آماده شبیخون شد	چونکه پاسی زنیمه شب بگذشت
.....	
از نهانگاه خویش بر خیزند	داد فرمان که ابرهای سیاه
بر ر باعها فرو ریزند	توده های هوای زهرآگین
.....	
برف و سرما همه فرو بارند	داد فرمان که باد و بورانها
زنده یک برگ سبز نگذارند	رُستنی از جهان براندازند
.....	
از سفرهای دور خود برگشت	صبح فردا چو حوری خورشید
بتماشای این و آن بگذشت	نرم نرمک بشادمانی روز
.....	
سر نهاده بزانوی غم خویش	باغ را دید داغدار و تباہ
بلبل آسیمه سربمات خویش	گل و سنبل فتاده برسراخک
.....	
بخوش آمد از چنین بیداد	حوری مهریان پاک نهاد
به تسلای باغ رخصت داد	خیل امواج گرمی خود را
.....	
بدل سرد خاک بسپارند	گفت اکسیر رشد و رویانی
همه را بارور نگهدارند	ریشه و ساقه ، شاخه و دانه
.....	
از افق تا افق نثار کنند	داد فرمان که از خزان نور
قادص مژده بهار کنند	بلبل بیدل خزان زده را
.....	

باز کیتی باهتزاز آمد	چون خزان طی شد و زمستان رفت
دیو رفت و فرشته بازآمد	فصل سرما بمرد و گرما زاد
.....	
برگها رخت تازه میپوشند در رگ هر جوانه میجوشند	اینکه بینی که هر خزان و بهار ناز بالیدن و نیاز حیات
.....	
باغ کانون رنگ و نور نواست جشن پیروزی طبیعت ما است	اینکه هرساله در بهار و خزان یاد بود شکست دیو خزان

جناب منوچهر نیک نفس قطعه شعری بقول خودشان « در پاسخ بغل حافظ که با این بیت شروع میشود :

(ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
منزل آن مه عاشق کش عیار کجا است)

سروده اند که عیناً اندراج می یابد :

یار اینجاست ولی طالب دیدار کجاست	دل در اندیشه که سرمنزل دلدار کجاست
دولت اوست در این خانه مگویار کجاست	حافظاً شکوه مکن اینهمه از دوری یار
جان هشیار کجا ، عاشق بیدار کجاست	بلبل قدس زند نغمه ز شاخ ملکوت
تا نگویند که آن جلوه بازار کجاست	یوسف حسن بمصر آمده در لیل جمال
گل صد رنگ کجا ، نرگس بیمار کجاست	وزد از مامن تقديس نسیم خوش دوست
عظم صد ساله کجا ، مرده ادهار کجاست	ساقی دهر دهد ساغر جانبخش وصال
موسی طور کجا ، محروم اسرار کجاست	یار افکنده ز رخ پرده بر این خوان لقا
قادص راه کجا ، هد هد عیار کجاست	شاه مرغان بقا مستوی قاف وفات
ای منوچهر بخویش آی که در محضر قرب	
جان بسودا برود نقد خریدار کجاست	

دکتر گیو خاوری

نطق کرد سدره سینا برای موسی کلیم تو و تسبیح میکند هر سنگی به آنچه تسبیح کرد بآن سنگریزه در دست محمد حبیب تو . . . الخ بنظر میرسد که این موارد جنبه تمثیل دارد زیرا در مورد مشابه در توضیح « فلك چهارم » حضرت ولی امرالله در توقع مورخ ۱۹۲۹/۹/۴ میفرمایند :

« راجع به صعود حضرت عیسی به آسمان چهارم که در بیانات الهیه مذکور است » فرمودند : این تعبیر مجازی است و در کتاب ایقان موافق اصطلاحات قوم نازل، عوالم روحانی بر حسب تعالیم الهیه منقسم و محدود نبوده و نیست » (بنقل از مجله پیام بهائی شماره ۱۴۵ صفحه ۲۴

و از معجزات حضرت سلیمان (۱۲) وقوف بر زبان پرندگان بوده چنانکه در قرآن مجید در این خصوص چنین عزَ نزول یافته است : « . . . و ورث سلیمان داود و قال يا ايها الناس . . . الخ يعني : و سلیمان که وارث ملک داود شد به مردم گفت که ما را زبان مرغان آموختند . . . و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس (۱۴) و مرغان تحت فرمان رؤسای خود در رکابش حاضر آمدند تا آنکه به وادی مورچگان رسیدند موری چون جلال سلیمان بدید و سپاه عظیم آن مشاهده کرد گفت : ای موران همه بخانه خود اندر شوید مبادا سلیمان و سپاهش ندانسته شما را پایمال کنند سلیمان از کفتار مور بخندید و گفت : پروردگارا مرا توفیق شکر نعمت خود که بمن و پدرم عطا فرمودی عنایت فرما . . . سوره النمل آیه ۱۶ تا ۱۹ در کتاب « قصص قرآن و تاریخ پیامبران » در

آثار مبارکه بهائی

در ارتباط با معجزات و خوارق عادات

ادامه مطالب قبل

معجزات حضرت داود و حضرت سلیمان در قرآن کریم برای حضرت داود و فرزندشان حضرت سلیمان نیز معجزاتی ذکر شده است چنانکه میفرماید : ولقد اتینا داود متفاضلاً . . . الخ و ماحظ و بهره داود را به فضل و کرم خود کاملاً افزودیم و امر کردیم که : ای کوه ها و ای مرغان شما نیز به تسبیح و نعمه الهی داود هماهنگ شوید و آهن سخت را بدست او نرم گردانیدیم و باو دستور دادیم که از آهن زره بسازد به اندازه و یک شکل گردان تا بدن را نرم و نگهبان باشد . . . و باد را مسخر سلیمان ساختیم . . . (سوره سبا آیه ۱۰ و ۱۲ ترجمه از قرآن کریم سلطانی) تسبیح کوه ها که در آیه مبارکه قرآن عزَ نزول یافته یادآور تسبیح سنگریزه ها برای حضرت محمد در دست مبارک است که حضرت بهاء الله در مناجات مشهور صیام باینصورت از آن یاد میفرمایند : اسالک بالذین سفك دماء هم و فی سبیلک . . . بان لا تجعلنا محروم عما قدرته فی هذا الظهور الذی به ینطق کل شجرة بما نطق سدرة السینا لموسى کلیمک و یسبح کل حجر بما سبّح به الحصاة فی قبضة محمد حبیبک . . . (رساله تسبیح و تهلیل چاپ هند اپریل ۱۹۸۲ صفحه ۵۴ و ۵۵) مضمون بیان مبارک بفارسی اینست : سؤال میکنم از تو بکسانیکه خونهای شان در راه تو ریخته شد . . . باینکه ما را محروم نکنی از آنچه که آنرا مقدر ساختی در این ظهوری که بآن نطق میکند هر درختی باانچه

سپاهیان خود جو یایی حال مرغان شد (هدهد را در جمع مرغان نیافت) کفت : هدهد کجاست که در حضور نمی بینم بلکه (بی اجازه من) غیبت کرده است (چنانچه این چنین باشد) او را به عذابی سخت معذب گردانم یا آنکه سرش از تن جدا کنم مگر آنکه برای غیبتش دلیلی روشن (و عذری صحیح) بیاورد ، پس از اندک مکثی (هدهد حاضر شد) و گفت : من به چیزی که تو از آن در جهان آکاه نشده ای خبر یافتم و از ملک سبا به طور یقین ترا خبری مهم آوردم ، در آن ملک زنی یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هرگونه (دولت و نعمت وزینت) امور دنیوی عطا شده بود علاوه بر اینها تخت با عظمتی داشت آن زن را با تمام اتباعش دریافتمن که خدا را از یاد برده به جای خدا خورشید را می پرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده آنها را بکلی از راه خدا بازداشته است تا هرگز به حق هدایت نیابند . . . سلیمان هدهد را گفت : باید تحقیق کنم تا صدق و کذب سخنت را دریابم اینک نامه مرا بجانب آنان بر و باز کرد تا بنگری چه پاسخ میدهنند (چون هدهد نامه را در منقار به بلقیس افکند بلقیس مهر آن بر کرفت و رو به رجال دربارش کرد و) گفت : نامه بزرگی بمن رسیده که از سلیمان بنام خداوند بخشنده مهربان است (بعد چنین نگاشته است) که بر من برتری مجنوند و تسلیم امر من شوید ، ای رجال کشور ، شما در کار من رأی دهید . . . رجال ملک به او اظهار داشتند که ما دارای نیروی کامل و مردان جنگجویی مقتدر هستیم لیکن اختیار با تست . . . (بلقیس) گفت : پادشاهان

این خصوص آمده است : « . . . باد صدای آن مورچه را بکوش سلیمان رسانید سلیمان دستور داد او را حاضر کردند پرسید مگر نمیدانی من پیامبر خدا هستم و ظلم و ستم در حريم انبیاء راه ندارد ؟ گفت : نمیدانم ، پرسید « پس برای چه چنان سخنی گفتی و مورچه ها را از ما ترساندی ؟ گفت من دیدم اگر مورچه ها این تشکیلات عظیم و سلطنت بی مانند ترا ببینند نعمت هائی را که خدا بآنها داده کوچک میشمرند و ناسپاسی میکنند خواستم آنها را از چنین خطری حفظ کنم ، سلیمان جواب او را عاقلانه دید و ساکت شد آنگاه مورچه پرسید ، ای سلیمان هیچ میدانی چرا بساط تو بر روی باد حرکت میکند و چرا از میان تمام قدرتها قدرت باد مأمور حمل و نقل بساط تو شده است ؟ گفت نمیدانم ، مورچه گفت ، برای آنست که بتو اعلام کند این بساط و این سلطنت دوام و بقانی ندارد و بر باد است :

بساط و تخت سلیمان بباد گردش داشت
که آگهیت دهد کاین بساط بر باد است

(صفحه ۱۴۹ - ۱۵۱ تحت عنوان : سلیمان)

سلیمان و هدهدو ملکه سبا بلقیس (۱۵)
داستان سلیمان و بلقیس و هدهد نامه رسان از طریق کتب مذهبی به عرصه ادبیات نیز راه یافته است و در الواح و آثار مبارکه بهانی نیز مورد عنایت قرار گرفته چنانکه در کلمات مکنونه میفرمایند : ای هدهد سلیمان عشق جز در سبای جانان وطن مگیر . . .
بیان مبارک فوق در کلمات مکنونه یادآور این آیات مبارکه قرآنیست که میفرماید : و تفقد الطیر فقال مالی لا امری الهدهد . . . الخ یعنی : و سلیمان از میان

خدا پرستی باز داشته از فرقه کافران (مشرک) بشمار بود . آنگاه (بلقیس) را گفتند که اینک در ساحت این قصر داخل شو وی چون کوشک را مشاهده کرد پنداشت که لجه آمی است و جامه از ساق پا برگرفت و گفت این قصری است از آبگینه صاف (از آن دستگاه با عظمت به حیرت آمده) گفت : خدایا سخت (در گذشته) بر نفس خویش ستم کردم و اینک (با رسول تو) سلیمان تسلیم فرمان پروردگار عالیان گردیدم (آیه ۲۰ تا ۴۲ سوره النمل ترجمه اقرآن کریم سلطانی) ، در قرآن مجید نامی از بلقیس نیست ظاهرا در احادیث نام وی آمده است . در حاشیه قرآن کریم ذیل آیه اذهب بكتابی هذا (اینک نامه مرا بجانب آنان بر ، آیه ۲۸) آمده است : کویند بلقیس در خواب بود هدهد آن نامه نامی را بر روی سینه او نهاد چون بیدار شد آن نامه را بر روی سینه خود دید . . . و ذیل کلمه بهدیه آیه ۲۵ آمده است : منقول است که از جمله هدایا حقه ای سربسته و در آن دری ناسفته بود . . . و نام فرستاده بلقیس را منذربین عمرو گفته اند ، در ذیل : قال الذى عنده علمه من الكتاب . . . آیه ۴۰ (گفت آنکس که به علم کتاب الهی دانا بود) آمده است : منظور آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان است بنا بر مشهور و احتمال فرشته را نیز داده اند و در مجمع البیان آصف را خواهرزاده حضرت سلیمان گفته اند و در هدایة و نهایة پسر خال . . . ذیل : قال نکروا الها عرشها . . آیه ۴۱ (آنگاه سلیمان گفت تخت او را بر او ناشناس کنید) آمده است ، تنکیر در لغت تغییر دادن چیزی است از حالی به حالی دیگر که اگر صاحب آن ببیند

چون بدیاری حمله آرند آنرا ویران سازند . . . (صلاح دراینست که) من هدیه ای برای آنان بفرستم تا ببینم فرستادگانم از جانب سلیمان پاسخ چگونه باز آرند پس چون فرستادگان (بلقیس) به حضور سلیمان رسیدند (به هدیه آنها اعتنای نکرد) گفت : شما خواهید مرا به مال دنیا مدد کنید آنچه خدا بمن از ملک و مال بیشمار عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماست . . . (ای فرستاده بلقیس) بسوی آنان باز گرد که من لشکری بیشمار که هیچ با آنان مقاومت نتوانند بر آنها میفرستم . . . آنگاه سلیمان رو بحضار کرد و گفت : کدامیک از شما تخت (بلقیس) را پیش از آنکه تسلیم امر من شود خواهید آورد ؟ از آن میان عفریت جن (۱۶) گفت من چنان بر آوردن تخت او قادر و امینم که پیش از آنکه تو از جایگاه (قضاوت) خود برخیزی آنرا به حضور آورم (و در جواهر و نوامیس آن دست خیانت نبرم) و آنکس که به علم کتاب الهی دانا بود (آسف بن برخیا یا خضر یا سلیمان) گفت من پیش از آنکه چشم برهم زنی تخت را بدینجا آورم (هماندم آنرا حاضر کرد) چون سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد گفت : این توانانی از فضل خدای من است تا مرا بیازماید که نعمتش را شکر می گویم یا کفران میکنم . . . آنگاه سلیمان گفت : تخت (بلقیس) را بر او ناشناس کنید که بنگریم وی سریر خود را خواهد شناخت یا نه ، هنگامی که (بلقیس) آمد از او پرسیدند : که عرش تو چنین است ؟ گفت : گویا همین است و ما از این پیش دانا و تسلیم به امرخدا بودیم (بلقیس) را پرستش غیر خدا (آفتاب و دیگر اجرای علوی) از

بلقیس به آن مجلس بهشت آئین رسید و آنرا دید کمان کرد دریاچه است پاها بر هنر ساخت که در آن رود چون حضرت پای بر هنر او را دید از دیدن موهیهای آن غمگین شد دیوان از جهت ازاله موی او آهک و زرنیج را می بی ختند و نوره کشیدن از آن روز بهم رسید . . . بقولی او (بلقیس) را حضرت سلیمان به عقد خود در آورد . . . و بقولی به عقد یکی از ملوک همدان در آورد که تبع یا ذی تبع نام داشت . . . (بنقل از حاشیه صفحات ۵۷۰ یا ۵۷۸ قرآن کریم سلطانی)

آنچه از حواشی صفحات قرآن کریم سلطانی در سطور بالا نقل شد باین منظور بود تا هم نمونه ای از تفاسیر علمای اسلامی برای توضیح آیات قرآن که کاه به اجمال عز نزول یافته ارائه شود و هم مأخذ و منابع مطالبی که مترجم در ترجمه آیات قرآن کریم در پارانتزها می‌آورد معلوم گردد . مؤلف کتاب « قصص قرآن و تاریخ پیامبران » همین مباحث را بدون ذکر مأخذ ولی با تشری شیوا نقل می‌کند که برای احتراز از اطاله کلام فقط بخش پایانی نوشته او تحت عنوان « وفات سلیمان » نقل می‌شود .

« سلیمان سالیان درازی در میان مردم بعد و داد سلطنت کرد . . . تا آنگاه که آفتاب عمر او بلب بام رسید یکی از روزها سلیمان در کاخ بلور خود تنها ایستاده و تکیه بر عصای خود داده و بتماشای مناظر و عمارتهای کشور پهناور خود مشغول بود که نگاه جوانی ناشناس را در کاخ خود مشاهد کرد از آن جوان پرسید تو کیستی و چرا بدون اجازه قدم در قصر من کذاشتی ؟ کفت : من آنکسم که برای ورود

نشناسد و بقول ابن عباس : نگین ها و جواهرها بر آن تخت نصب شده بود . . . و بقول مجاهد : رنگهای آنها را تغییر دادند . . . و بر این قیاس گویند : غرض از تغییر آن بود که کمیت شعور و زیرکی بلقیس معلوم شود که بعد از این تغییرات می فهمد که همان تخت اوست یا نه و بقولی : غرض آن بود که ببینند که به معجزه حاضر گردانیدن تخت از شهر سبا در این اندک مدت که مقدور بشر نیست آیا بلقیس استدلال بر کمال قدرت الهی و تصدیق نبوت سلیمان علیه السلام می‌کند یا نه و ذیل : او تینا العلم . . . آیه ۴۲ و ما از این پیش بدین داناو تسلیم بودیم) آمده است : این عبارات را بعضی از کلام حضرت سلیمان و قومش شمرده اند و بعضی تتمه کلام بلقیس دانسته اند : ذیل ، قیل لها ادخلی الصرح . . . آیه ۴۲ (آنگاه به (بلقیس) کفتند که اینک در ساحت این قصر داخل شو) آمده است . در مجمع البيان کفته شده که حضرت سلیمان علیه السلام چون شنید که بلقیس متوجه او شده برای آزمایش کیاست و عقل او فرمود که در مجلس او تختگاهی از شیشه ساختند که در زیرش آب روانی بود که در آن آب غوک ها و ماهیان و جانوران آبی بسیار بود و تخت خود را بر آن تختگاه نهاد و نشست و به قولی : کوشکی از شیشه بنا کرده بود از غایت صفا آب صافی را می‌مانست و غرض از این وضع بنا آن بود که ببینند آیا بلقیس استدلال می‌کند به این آیه عظیمه بر معرفت صانع تعالی شانه و بقولی : چون سلیمان اراده تزویج (بلقیس) را داشت و به او کفته بودند که (بلقیس) پای پر موئی دارد خواست پاهایش را در آینه آن شیشه ببیند و چون

اجابت کردیم و او را از گرداد غم نجات دادیم و
اهل ایمان را اینگونه نجات میدهیم (سوره الانبیاء آیه
۸۷ و ۸۸ قرآن کریم سلطانی)

ایضا در قرآن مجید در باره حضرت یونس آمده است
و ان یونس لَنَّ الْمُرْسَلِينَ . . . اللَّهُ وَ يَوْنَسَ نَيْزَ يَكِي
از رسولان (بزرگ) خدا بود که چون به کشته
پرجمعیتی کریخت (تا از قومش که برای آنها و عذہ
عذاب داده بود و آنان تائب شده بودند خجل نشود ،
کشته به خطر افتاد و اهل آن برای تعیین خطکار)
قرعه زدند قرعه بنام یونس افتاد یونس از غرق
شوندگان شد و ماهی دریا او را بکام فرو برد و مردم
ملامتش میکردند و اگر او به تسیح و ستایش
خداوند نمی پرداخت تا قیامت در شکم ماهی زیست
میکرد و یونس پس از چند روز از شکم ماهی به
صحرای خشکی افکنده بود در حالی که بیمار بود و در آن
صحراء بر او درخت کدو رویاندیدم (تا به برگش
ساییان و پوشش کند و او را بر قومی بالغ بر
صدھزار یا افرون برسالت فرستادیم آن قوم ایمان
آوردند ما هم به نعمت خود آنان را تا زمانی بهره مند
کردانیدیم (سوره الصافات آیه ۱۴۹ تا ۱۴۸) سعدی
گوید :

قرص خورشید در سیاهی شد

یونس اندر دهان ماهی شد

ذیل آیه مبارکه : اذا بق الى الفلك . . . آیه ۱۲۹ که
چون (یونس) به کشته پرجمعیتی کریخت آمد هاست
: . . . که آن حضرت بعد از وعده دادن قومش به
عذاب از میان آنها بیرون رفت یا بعد از قبول نکردن
رفتن به نینوا از شام متوجه روم گردید و بر هر

به کاخ ها و خانه ها از کسی اجازه نمیکیرم من ملک
الموت و فرشته مرکم که برای قبض روح تو آمده ام .
سلیمان از شنیدن نام او و احساس مأموریت
خطرناکش بر خود لرزید و گفت : ممکن است مهلتی
بدهی تا بکار خود رسیدگی کنم ؟ گفت : نه و در
همان حال بدون اینکه اجازه نشستن باو دهد جانش را
گرفت . جسد بیجان سلیمان مدتها بهمان حال که
ایستاده و تکیه به عصا داده بود باقی ماند و
سپاهیانش از دیوارهای بلوری قصر او را میدیدند و
کمان میکردند سلیمان زنده است و با آنها مینگرد از بیم
سطوت او کسی جرات وارد شدن قصر را نداشت تا
آنکه خداوند موریانه را فرستاد که عصای سلیمان را
خورد و سلیمان بر زمین افتاد در آنحال مردم
فهمیدند که از مرگ سلیمان مدتها گذشته و آنان بی
خبر بوده اند (صفحه ۱۵۶ و ۱۵۵)

معجزه حضرت یونس یا ذالنون (۱۷)

در قرآن مجید آیاتی در این خصوص عز نزول یافته
که از آن حضرت به ذالنون و یونس یاد شده است
چنانکه میفرماید : و ذَلَّوْتَ اذْ ذَهَبَ مَغَاصِبًا . . . اللَّهُ
و یادآر حال یونس را هنگامی که از میان قوم خود
غضبنیک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را
در مضیقه و سختی نمی افکنیم (تا آنکه به ظلمات
دریا و شکم ماهی در شب گرفتار شد) آنگاه در آن
ظلمت ها فریاد کرد که الهآ خدانی بجز ذات یکتای
تو نیست تو ارشک و شریک و هر عیب و آلایش
پاک و منزه هی و من از ستمکارانم (که بر نفس خود
ستم کردم بر حالم ترجم فرما) پس ما دعای او را

یونس نبی داده خواهد شد چنانچه یونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند پسر انسان نیز سه شبانه روز در زیر زمین خواهد ماند . . . (صفحه ۲۴۷ - ۲۴۸) حضرت عبدالبهاء داستان یونس و ماهی را تعبیر فرموده اند (۱۹)

معجزات حضرت عیسی

از جمله انبیاء عظام که معجزات منسوب بوى شهرتى موفور دارد و ضرب المثل شده است حضرت عیسی است که حتی کیفیت تولد وی با تمام انبیاء دیگر متفاوت است زیرا آن حضرت بدلات آیات انجیل جلیل و قرآن مجید از نفحه روح القدس تولد یافته اند و پدر عنصری و جسمانی نداشته اند .

در کتاب مستطاب ایقان از تولد حضرت مسیح بواسطه روح القدس تعبیری نمی شود بلکه از آن با عنوان « عظمت امر » یاد نموده میفرمایند : « . . . همچنین در حالت مریم مشاهده نما که آن طلعت کبری از عظمت امر و تحریر آرزوی عدم فرمود . . . و بعد از تولد عیسی مریم ناله نمود و باین کلمه زبان کشود : یالیتنی مت قبل هذا و كنت نسیا متسیا (قرآن کریم سوره مریم آیه ۲۲) که ترجمه آن اینست : ای کاش مرده بودم قبل از ظهور این امر و بودم از فراموش شدکان . . . آخر تفکر نمایید که مریم چه جواب به مردم میگفت ؟ طفلى که پدر او معین نباشد چگونه میتوان بردم معین نمود که این از روح القدس است . . . (ایقان صفحه ۴۷ و ۴۸)

آیات قرآن مجید در کیفیت تولد حضرت عیسی مبسوطاً عزَّزَنَزُول یافته است چنانکه میفرماید : و اذکر

تقدیر بعد از آنکه به کشتی نشست آن کشتی در میان دریا از رفتن بازماند و دچار موج گردید یا آنکه ماهی عظیمی بر سر راه آمده آنرا از رفتن بازداشت مطابق روایت علی بن ابراهیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پس سکنه کشتی حکم کردند که این حادثه نیست مگر به شومی شخص کناهکاری که در میان این کشتی میباشد باید که قرعه زد تا به اسم هرکس در آمد او را بدريا اندازیم بعد از هفت بار قرعه کشیدن که هر بار بنام یونس در آمد او را بدريا انداختند و مدت ماندنش در شکم ماهی سه روز بوده است (حاشیه صفحه ۶۹۲ - ۶۹۴ قرآن کریم سلطانی)

در توضیح بعضی نکات سابق الذکر میتوان از کتاب « قصص قرآن و تاریخ پیامبران » کمل گرفت چنانکه مینویسد : « بامر پروردگار یونس بن متی بار نبوت و پیامبری را بدوش گرفت و براهمانی مردم نینوا (۱۸) مشغول شد و . . . چون روح آن قوم با بت پرستی خو گرفته بود دعوت یونس را رد کردند . . . یونس از سرسختی قوم خود خسته و دلگیر شد و از سخنان ناپخردانه آنان غضبناک گردید و با حال خشم و غضب سر به بیابان کذاشت . . . و پیش از اینکه از طرف خدا مامور به رفتن شود از میان قوم خارج شد . . . (صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸) در کتاب محاضرات آمده است : « . . . در سورة القلم قرآن از یونس به صاحب الحوت تعبیر شده وقتی یهود از حضرت عیسی معجزه طلب کردند بموجب باب ۱۲ و ۱۶ انجیل متی در جواب آنان فرمود فرقه شریر و فاسق از من طلب آیتی کنند و بدیشان جز معجز

رطب تناول کن و از این چشمه آب بیاشام و چشم خود (به عیسی) روشن دار و هرکس از جنس بشر را به بینی (به اشاره باو) بگو که من برای خدا نذر سکوت کرده ام و با هیچکس (تا روزه دارم) سخن نخواهم گفت ، آنگاه قوم مریم که (از این قضیه آکاه شدند) به جانب او آمدند که از این مکانش بهمراه برند (باو به ملامت) گفتند : ای مریم خواهر هارون ترا نه پدری ناصالح بود و نه مادری بدکار (پس تو دختر بکر از کجا فرزند یافته) مریم (پاسخ ملامتگران را) به اشاره؛ حواله به طفل کرد ، آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره ای سخن گوئیم (آن طفل به امر خدا به زبان آمد و) گفت همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت کردانید و تا زنده ام به عبادت و نماز و زکات سفارش کرد و به نیکوئی با مادر توصیه کرده مرا ستمکار و شقی نگردانید و سلام حق بر (جان پاک) من باد. روزی که بدنیا آمدم و روزی که از جهان بروم و روزی که زنده برانگیخته شوم اینست قضیه عیسی بن مریم . . . (سوره مریم آیه ۱۶ تا آیه ۲۴ ترجمه از قرآن کریم سلطانی)

بعلاوه در قرآن مجید خلقت حضرت عیسی به خلقت آدم ابوالبشر تشییه شده چنانکه میرمامید : انَّ مثِلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمُثْلَ آدَمَ . . . الْخُ همانا مثل خلقت عیسی عنده الله كمثل آدم . . . الْخُ همانا مثل خلقت عیسی (در خارق العاده بودن) به امر خدا مانند خلقت آدم ابوالبشر است که خدا او را از خاک بساخت سپس بدان خاک گفت (بشری بحد کمال) باش همانند چنان گردید سخن حق همانست که از جانب

فی الكتاب مریم اذا اتبذت من اهلها . . . الْخُ و ای رسول یاد کن در کتاب خود احوال مریم را آن روزی که از اهل خانه اش کناره گرفت به مکانی به شرق بیت المقدس (برای عبادت) روی آورده و آنگاه که از همه خویشان به کنج تنهاei پنهان گردید ما روح خود را (در صورتی زیبا) بر او مجسم ساختیم (مریم که آن روح مجسم را در آن صورت نیکو دید بدو گفت : من از تو به خدای رحمن پناه می برم که تو پرهیزگاری کنی (روح القدس در پاسخ مردم) گفت : من فرستاده خدای توام آمده ام تا به امر او ترا فرزندی بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت ، مریم گفت (ای عجب) از کجا مرا پسری تواند بود در صورتیکه دست بشری بمن نرسیده و من کار ناشایسته ای نکرده ام ، (خداوند) گفت : این چنین کاری البته خواهد شد و آن بسیار بر من آسان است و ما این پسر را آیت بزرگ و پیغمبر عظیم الشأن و رحمت واسع خود برای خلق میکردانیم و قضای الهی بین کار رفته است پس مریم به آن پسر بار برداشت (وبرای اینکه از سرزنش قوم جاهل برکنار باشد) به مکانی دور خلوت گزید آنگاه که او را زانیدن فرا رسید زیر شاخ درخت خرمانی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود میکفت ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه عالم نامم بكلی فراموش شده بود (مریم در آن حال غم و اندوه و اندیشه بود که) در زیر آن درخت (روح القدس یا فرزندش) عیسی او را ندا کرد که غمگین مباش که خدایت از زیر قدم تو چشمہ آبی جاری کرد ای مریم شاخه درخت را حرکت ده تا از آن برای تو رطب تازه فرو ریزد پس از این

تطهیر یهود نهاده بودند که هریک گنجایش دو یا سه کیل داشت عیسی بدیشان گفت قبح ها را از آب پر کنید و آنها را لبریز کردند پس بدیشان گفت الان بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید پس بردنده چون رئیس آن آب را که شراب کردیده بود بچشید و ندانست که از کجاست لیکن نوکرانی که آب را کشیده بودند میدانستند رئیس مجلس داماد را مخاطب ساخته بدو گفت : هرکسی شراب خوب را اول بیاورد و چون مست شدند برتر از آن لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی و این ابتدای معجزاتیست که از عیسی در قافای جلیل صادر کشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش باو ایمان آوردند

نخستین معجزه حضرت عیسی بشرحی که یوحنا در انجیل خود آورده است یادآور معجزه آن حضرت در سوره مائدہ از قرآن مجید است که میفرماید : قال عیسی بن مریم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء . . . الخ . . . هنگامیکه حواریین گفتند ای عیسی بن مریم آیا خدای تو تواند که از آسمان برای ما مائدۀ فرستد ؟ عیسی در جواب گفت اگر ایمان آورده اید از خدا بترسید حواریین گفتند لیکن می خواهیم از آن تناول کنیم تا دلهای ما مطمئن شود و تا براستی عهدهای تو بپی بریم و برآن کواه باشیم عیسی گفت پروردکارا تو بر ما از آسمان مانده نی فرست تا این روز برای ما و برای کسانیکه بعد از ما میآیند روز عید مبارکی گردد و آیت و حجتی از برای ما باشد که تو بهترین روزی دهنده‌گانی . خدا فرمود من آن مانده را برای شما میفرستم ولی هرکس بعد از نزول مانده کافر شود وی را عذابی کنم که هیچ یک از

قیصر صادر کشت که تمام ربع مسكون را اسم نویسی کنند . . . پس همه مردم بشهر خود برای اسم نویسی میرفتند و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه شهر داود که بیت لحم (۲۲) نام داشت رفت زیرا که او از خاندان داود بود تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زانیدن بود ثبت گردد وقتیکه ایشان در آنجا بودند هنگام وضع حمل او رسیده پسر نخستین خود را زانید و او را در قنداقه پیچیده در آخر خوابانید زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود و . . . (انجیل لوقا باب دوم آیه ۱ آیه ۱۸) ، دو انجیل دیگر یعنی انجیل مرقس و انجیل یوحنا در باره تولد معجزه آسای حضرت عیسی ساکتند و اصلاً از تولد سخنی نمیگویند .

در مورد اختلاف انجیل متی و لوقا با قرآن مجید بنظر میرسد از آنجا که حضرت بهاء الله انجلیلها را منسوب به نویسنده‌گان آنان که خاطرات خود را نگاشته اند قلمداد میفرمایند (۲۲) و قرآن مجید را تماماً حاوی آیات نزولی میدانند (۲۴) در مقام تعارض میان انجیل جلیل و قرآن مجید آیات قرآنی متبوع خواهد بود .

اگر انجیل یوحنا نامی از چگونگی تولد حضرت عیسی نمی برد ولی نخستین معجزه آن حضرت را باین شرح نقل میکند : " باب دوم و در روز سیم در قفای جلیل عروسی بود و مادر عیسی آنجا بود و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند و چون شراب تمام شد مادر عیسی بدو گفت شراب ندارد عیسی بوی گفت ای زن مرا با تو چکار است ساعت من هنوز نرسیده است مادرش بنوکران گفت هرچه بشما گوید بکنید و در آنجا شش قبح سنگی برعصب

شایستگان است . . . سوره آل عمران آیه ۲۵ تا ۲۹

ترجمه از قرآن کریم سلطانی)

در حاشیه آیاتی که ترجمه آنها نقل شد در قرآن کریم سلطانی آمده است : « حَنَّةَ مَادِرَ مَرِيمَ وَ اشْيَاعَ مَادِرَ يَحِيَّىٰ خَوَاهِرَ بُودَنَدَ اولَىٰ هَمْسِرَ عَمْرَانَ بْنَ مَاثَانَ وَ دَوْمَىٰ زَوْجَهَ زَكْرِيَاٰ بَوْدَ هَرَ دَوَ نَازَا بُودَنَدَ رَوْزَىٰ حَنَّةَ مَرْغِيَّ دَيَّدَ كَهْ جَوْجَهَ خَوْدَ رَأَبَ وَ دَانَهَ مِيدَادَ دَلْشَ شَكْسَتَ وَ خَدَائِيَّ رَأَبَ خَوَانَدَ وَ نَذَرَ كَرَدَ اَكَرَ بَرَاءِ وَ فَرَزَنَدِيَّ شَوَدَ مَحَرَّرَشَ گَرَدانَدَ وَ تَحْرِيرَ آنَسَتَ كَهْ كَوْدَكَ تَأَدَّبَ بَلُوغَ دَرَ كَلِيسَا بَيَانَدَ وَسَپِسَ دَرَ مَانَدَنَ وَ رَفْتَنَ مَخِيَّرَ باَشَدَ (حَنَّةَ) چَوْنَ مَرِيمَ رَأَبَزَادَ دَرَ جَامَهَ پَيَّچَيدَ وَ بَهْ كَلِيسَا آورَدَ دَرَ آنَجاَ كَهْ اَحْبَارَ جَمَعَ بُودَنَدَ وَ كَفَتَ اينَ نَذَرِيَّ مَعْبَدَ اَسَتَ باَزَشَ كَيَرِيدَ چَوْنَ آنَ كَوْدَكَ اَزَ خَانَدَانَ پَيَامَبرَانَ بَوْدَ كَشِيشَانَ دَرَ نَكَهَداشَتَنَ اوَ بَرَ يَكَديَّرَ پَيَشَىَ مَىَ جَسْتَنَدَ تَأَبَهْ حَكَمَ قَرَعَهَ (نَكَهَدارِيَّ مَرِيمَ) نَصِيبَ زَكْرِيَاٰ شَدَ وَ وَيَ رَأَبَهَ هَمْسِرَشَ كَهْ خَالَهَ كَوْدَكَ بَوْدَ سَپِرَدَ وَ چَوْنَ (مَرِيمَ) بَهَ سَنَ رَشَدَ رَسِيدَ (زَكْرِيَاٰ) بَهَرَ اوَ پَرَسْتَشَكَاهِيَّ بَسَاخَتَ بَسَ بلَندَ وَ بَرَافَراشَتَهَ كَهْ بَيَ نَزَدَبَانَ وَرَوَدَ دَرَ آنَ مَمْكَنَ نَبَودَ وَ هَرَ رَوَزَ خَورَدَنَىٰ بَرَايَ وَيَ مَبِيرَدَ وَ كَسَىٰ جَزَ زَكْرِيَاٰ بَرَ اوَ وَارَدَ نَمِيشَدَ وَ هَرَ وَقَتَ كَهْ زَكْرِيَاٰ نَزَدَ مَرِيمَ مَيرَفتَ مَيَوهَهَيَّ كَونَاكَونَ دَرَ غَيَرَ فَصَلَ نَزَدَ وَيَ مَيَدَيدَ وَ اَزَ دَيَدارَ آنَ شَكْفَتَهَيَّهَا اَكَرَ چَهَ خَوْدَ پَيَريَ فَرَتوَتَ وَ زَنَشَ نَازَا بَوْدَ طَمَعَ دَرَ فَرَزَنَدَ دَاشَتَنَ بَسَتَ وَ آنَرا شَكْفَتَ نَشَمَرَدَ وَ اَزَ خَدا خَواستَ تَأَصَاحَبَ فَرَزَنَدِيَّ شَوَدَ وَ خَداونَدَ يَحِيَّىٰ رَأَبَ اوَ اَرْزَانَىٰ فَرمَودَ .) قَرَآنَ كَرِيمَ سَلطَانِيَّ حَاشِيَّهَ صَفَحَهَ ۷۲ وَ ۷۳ سورَهَ آلَ عَمَرَانَ .)

.....

جهانیان رانکرده باشم .. (آیات ۱۱۱ تا ۱۱۵ سوره مانده) . در قرآن کریم حتی از معجزه مادر حضرت عیسیٰ یاد میشود باین شرح ، اذقالت امرات عمران رب این نذرت لَكَ . . . الْخَ (وقتی زن عمران گفت پروردگارا من عهد کردم فرزندی که در رحم دارم در راه خدمت تو از فرزندی آزاد کنم این عهد (نذر) من بپذیر که تو دعای بندگان بشنوی و به احوال همه آکاهی چون فرزند بزاد از روی حیرت گفت خدایا فرزندی که زاده ام دختر است و خدا برآنچه زاده شد دانا تر است خدایا پسر و دختر (در کار خدمت حرم) یکسان نخواهد بود و من او را مَرِيمَ نام کردم او و فرزندانش را از شر شیطان رجیم در پناه تو آوردم پس خداوند خواهش او را به نیکوئی پذیرفت و او را به ترتیبی نیکو پرورش داد و زکریا را به کفایت و نگهبانی او بر کماشت (و به مَرِيمَ کرامتی داد) که هر وقت زکریا به صومعه عبادت مَرِيمَ میآمد رزق شگفت آوری مییافت (میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان در محراب عبادت او میدید) میکفت ای مَرِيمَ این روزی از کجا برای تو میرسد ؟ (مَرِيمَ) پاسخ میداد که این از جانب خداست که همانا خدا به هرکس خواهد روزی بی حساب رساند چون زکریا کرامت مَرِيمَ را دید عرض کرد پروردگارا مرا به لطف خویش فرزندانی پاک سرشت عطا فرما که همانا تونی مستجاب کننده دعا پس فرشتگان زکریا را ندا دادند هنگامی که او در محراب به نماز ایستاده بود که (ای زکریا) خدایت به ولادت یحییٰ ترا مژده میدهد در حالی که او به نبوت عیسیٰ کلمه خدا گواهی دهد و خود در راه خدا پیشوا و یا رسا و پیامبری از

فرقه شریر و فاسق از من طلب آیتی میکنند و بدیشان جز معجزه یونس نبی داده خواهد شد چنانچه یونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند پسر انسان نیز سه شبانه روز در زیرزمین خواهد ماند...» (محاضرات ص ۲۴۷ - ۲۴۸).

۲۰ - هیرودیس اتنی پاس مدت چهل و دو سال یعنی از چهارسال قبل از مسیح تا ۲۸ سال بعد از آن حضرت حکومت کرد وی دومین پسر هیرودیس اعظم است که مانند پدر خود مردی خوشگذران و عیاش بود ... حضرت مسیح او را رویاه نامیده بود ... (قاموس مختصر ایقان ص ۱۵۶).

اما مؤلف کتاب در باره «مفهوم انجلیها» تحت عنوان «اشتباهات تاریخی در انجلیها» مینویسد : در انجلیها حتی یک سنه ، یک تاریخ یا یک روز نیست که با تاریخ مغایرت نداشته باشد مسیح کی بدینا آمده است ؟ در جواب به این سوال هر مؤمنی اشاره به سال جاری مسیحی خواهد کرد و خواهد گفت : تمام عالم میدانند که مبدء تاریخ فعلی روز تولد مسیح است ! بااین وصف مطلب بهمین سادگی هم نیست ، متی مینویسد : که عیسی در ایام پادشاهی هیرودیس تولد یافت (انجلی خواست عیسی را رکشد ولی توفیق نیافت اما واقعیت تاریخی اینست که هیرودیس شاه چهار سال قبل از تاریخ یاد شده به عنوان تاریخ تولد عیسی وفات یافته و بنابراین در عین تولد مسیح در قید حیات نبوده است ... در باره (مفهوم انجلیها) نوشته کری ولف ترجمه محمد قاضی چاپ دوم آیه ۱ و سپس نقل میکند که هیرودیس متی باب دوم آیه ۱) صرف نظر از اینکه منبع تاریخی مورد استناد معلوم نیست بنظر میرسد که نویسنده هیرودیس پسر را با هیرودیس پدر یا هیرودیس اعظم اشتباه کرده است ، تولد حضرت عیسی در زمان سلطنت هیرودیس مسلم است زیرا در ایقان شریف میفرمایند ... نزدیک ظهور عیسی شد چند نفر از مجوس که اطلاع یافتند بر ظهور نجم عیسی در سماء باشر آن نجم آمدند تا داخل شدن بشهری که مقبر سلطنت هیرودس بود و در آن ایام سلطنت آن ممالک در قصبه تصرف او بود ... (ایقان ص ۵۴)

۲۱ - یحیی تعمید دهنده پدرش زکریا و مادرش الیصابات از بنات هارون بود یحیی شش ماه قبل از مسیح متولد شد در حالی که پدر و مادرش بسیار پیر بودند مشارالیه شخصی عزلت کزین و خلوت دوست بود و در سی سالگی در بیان یهودیه شروع به بشارت دادن به ظهور مسیح فرمود و مردم را به توبه دعوت کرد و غسل توبه و تعمید به مردم میداد ... (قاموس مختصر ص ۵۶).

۲۲ - بیت اللحم به عبری یعنی خانه نان قریه کوچکی است با چهار هزار سال سابقه که در ۶ مایلی اورشلیم بوده

یادداشت ها و سایر منابع

۱۲ - سلیمان پسر داود پادشاه مقتدر بنی اسرائیل که چهل سال (تا حدود ۹۲۰ قبل از میلاد) سلطنت کرد و قدس و معبد را بنا نمود و قوم یهود را به اوج عزت و عظمت رسانید امثال و غزل های او از صحائف عهد عتیق است.

۱۴ - جن : مخلوقی موهوم ، مخفی و پنهان ، تاریکی شب ، کل اول و قسمت خوب هرچیز ، کسیکه ایمان و عدم ایمانش معلوم نباشد - نام سوره ۷۲ قرآن است که کلیه میباشد و ۲۸ آیه دارد .

۱۵ - بلقیس : نام ملکه شهر سبا که به زیبائی و شکوه و جلال شهرت داشت و معشوقه حضرت سلیمان بود و بعد ایشان در آمد (همانجا ص ۱۴۷) . سلیمان پسر داود پادشاه مقتدر بنی اسرائیل که چهل سال تا حدود ۹۲۰ قبل از میلاد سلطنت کرد و قدس و معبد را بنا نمود و قوم یهود را باوج عزت و عظمت رسانید . امثال و غزل های او از صحائف عهد عتیق است .

۱۶ - عفریت : دیو - غول - شیطان - فاسد و خبیث و پلید ... (جمع عفاریت) در آیه ۳۹ سوره نمل عفریت من الجن آمده است در فارسی بهر موجود زشت و سهمگین نیز اطلاق میشود (همانجا ص ۵۲۴)

۱۷ - ذوالنون : صاحب ماهی ، لقب حضرت یونس یا یونان - ذوالنون یا بنی ذوالنون نام دودمان حکومتی با جاه و جلالی است که حدود پنجاه سال در قرن یازده میلادی در اسپانیا فرمانروانی کردند (همانجا ص ۲۱۹)

۱۸ - نینوا نام پایتخت آسور بنی پال از سلاطین بابل در آشور حدود ۶۰۰ قبل از میلاد (محاضرات ص ۱۰۸۴)

۱۹ - یونس Jonah یا یونان ملقب به ذوالنون یکی از انبیای بنی اسرائیل بودند که احتمالا در قرن نهم پیش از میلاد میزیستند و در حکایت ایشان آمده که در یک سفر از یافا از کشتی بدريا میافتدند و یک ماهی بزرگ ایشان را می بلعد و آن حضرت را سه روز (برحسب کتاب عهد عتیق) در شکم خود نگهداشته و بعد در ساحل صیدون بزمین میگذارد . لازمست برای درک معنای حقیقی این حکایت و رموز دریا و ماهی به لوح مبارک حضرت عبدالبهاء که در اول جلد نهم مائدده آسمانی درج شده مراجعه گردد . حکایت ظاهره حضرت یونس در "کتاب یونس" که قسمتی از عهد عتیق را تشکیل میدهد درج شده است) فرهنگ لغات منتخبه ص ۱۰۹۲ - یونس نام سوره دهم قرآن است که کلیه میباشد و ۱۰۹ آیه دارد .

در قرآن مجید از یونس به ذوالنون تعبیر شده است و داستان در شکم ماهی ماندنش نیز مسطور است ... در سوره القلم قرآن از یونس به صاحب الحوت تعبیر شده است وقتی یهود از حضرت عیسی معجزه طلب کردند بموجب باب ۱۲ و ۱۶ انجیل متی در جواب آنان فرمود و

در همانجاست ممکن نیست چون او که نمیتواند اثاث و اغتمام و احشام واراضی خود را برای صورت برداری به سرزمین زادگاه خویش حمل کند تا در آنجا از آنها صورت برداری کنند.

۴ - میدانیم که در قرن اول تاریخ مسیحی شهر ناصره وجود نداشت و بعدها بنا شده است در تیجه والدین عیسی نه میتوانسته اند ساکن ناصره باشند و نه از آنجا برای حضور سرشماری به جای دیگری رفته باشند ... (ص ۲۹ - ۴۱)

بخشی از اظهارات فوق الذکر بهر فرض که متکی به منابع تاریخی باشد مردود است زیرا در "ایقان شریف" میفرمایند : ... بعد از تفحص معلوم نمودند که در بیت

اللحم یهود آن طفل متولد شد (ص ۵۴)

حضرت عبدالبهاء در خصوص تعارض تاریخ با نصوص الهی میفرمایند : ... انجمن های معارف اروپا متصل به تصحیح تواریخ موجوده شرق و غرب مشغول ... نص الهی امر محظوم است و جمیع تواریخ عالم با نص الهی مقابله ننماید زیرا تجربه گردیده که بعد از تحری حقیقت و تبع در آثار قدیمه و قرائت کل راجع به نصوص الهی گردند . اصل ، ثبوت حقیقت مظہر کل الهی بود بعد از ثبوت حقیقت آنچه او فرماید آن صحیح است ... (مانده آسمانی جلد ۲ صفحه ۶۴ - ۶۷)

۲۲ - در "ایقان شریف" در باره منسوب بودن انجيلها به صاحبان آنها میفرمایند : ... در سفر اول که منسوب به متی است ... و در اسفار ثالث دیگر که منسوب به لوقا و مرقس و یوحناست همین عبارات مذکور است ... (ص ۲۱ و ۲۲) و در لوحی به اعزاز یکی از احباء موسوم به حکیم حییم میفرمایند : ... انجیل اربعه بعد از آن حضرت نوشته شده ... این چهار نفر بعد از مسیح بیانی که از آن حضرت در نظرشان بود نوشتنند ... بسیار بیانات آن حضرت است که از نظر آنها محو شده و بسیار بیانات فرمودند که هیچگیک از نقوص مذکور اصغا ننموده ... (محاضرات ۲۶۶)

۲۴ - در باره مصنویت قرآن کریم از هرگونه تصرف در کتاب "محاضرات" چنین می خوانیم : ... بصراحت در الواح الهی نازل گردیده که قرآن مجید تمام و کامل و از دستبرد سارقین و مغرضین محفوظ است از جمله در یکی از الواح مبارکه از قلم جمال قدم جل جلاله نازل شده قوله تعالی ... میکفتند ده جزء، قرآن را سرقت نموده اند و قرآن تمام نزد قائم است واو میاورد" فیالله فیالله انهم جعلوا القرآن عضین " یعنی قسمت نمودند یعنی پارچه پارچه نمودند بعضی را دزد برد و بعضی را بدل نمودند این خادم فانی شهادت میدهد که قرآن تمام بوده ... (ص ۱۰۹۴)

میباشد و حضرت مسیح در آنجا متولد شدند (فرهنگ لغات منتخبه ص ۱۵۷) بزرگترین وقایع بین اللحم تولد مسیح است زیرا که مریم در ناصره متولد شد و چون نسب او به داود شاه میرسید بجهت اسم نویسی به بیت اللحم آمد در این زمان وضع حملش رسید و عیسی در آنجا متولد یافت ... (قاموس مختصر ایقان ص ۵۶)

مؤلف کتاب در باره مفهوم انجيلها در این خصوص نیز بدون معرفی منابع تاریخی مورد استناد خویش نمینویسد : مسیح در کجا بدنیآمده است ؟ انجيلها جواب میدهند در بیت الحم در صورتیکه والدین او یعنی یوسف و مریم اهل ناصر و مقیم آنجا بوده اند . لوقا در انجیل خود شرح میدهد که چگونه یوسف و مریم روز قبل از تولد عیسی در بیت لحم بوده اند و در آن ایام حکمی از او غسطس (اوگوست) قیصر روم صادر کشت که تمام ربع مسکون را اسم نویسی (سرشماری) کنند و این اسم نویسی اول شد هنگامی که کریونیوس Quirinius والی سوریه بود ... و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت زیرا که او از خاندان و آل دود بود تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود ثبت گردد . (انجیل لوقا باب دوم آیات ۱ - ۵) در بادی امر موضوع بسیار روشن و محرز بنظر میرسد چون معین شده است که این وقایع در زمان کدام والی روی داده و منظور کدام سرشماری است . یوسف و مریم نامزد او که حامله بوده از کدام شهر حرکت کرده و به کدام شهر رفته اند ... و حال آنکه در حقیقت در همین چند سطر یک سلسله اشتباهات تاریخی وجود دارد که ذیلاً به آنها اشاره می کنیم :

۱ - در آن زمان که کلیسا آنرا به عنوان تاریخ ولادت مسیح تعیین کرده (به اصطلاح در زمان هیرودیس شاه !) کیرینیوس والی سوریه بوده و آخرین حکام سوریه در عهد هیرودیس شاه P.Q;uintilius Karus C.Septius شاه Saturninus بوده اند .

۲ - در آن زمان در یهودیه هیچ سرشماری ای به امر والی سوریه انجام نگرفته است اولین سرشماری در یهودیه در سال ۷ میلادی بعمل آمده که آنهم صورت برداری از اموال بوده است نه سرشماری افراد .

۳ - هیچگاه به هنگام سرشماری ها اشخاصی مجبور نبوده اند از جانی که سکونت داشته اند کوچ کنند و به زادگاه اصلی خویش بروند سرشماریها همیشه در محل سکونت اشخاص انجام میگرفته است ، خاصه که این امر برای خود دولت روم حائز اهمیت بوده ، چه در واقع هدف اصلی از سرشماریها تعیین دارانی اشخاص و وضع مالیات بر دارانی بوده است و صورت برداری از دارانی و اموال کسی جز در آن محل که خود او زندگی میکند و اموالش

آن راح روح بخش طرب زا را
دل های پاک و جان مصفا را
تدبیر پیر بخشد بُرنا را
ای ماه خرگهی رخ رخشا را
بنشین دمی و بنشان غوغای را
برداشتم چشم تمنا را
از یاد خویش نخلة طوبی را
کس هیچ می نداند فردا را
وانگه ز من شنو سخن ما را
ما واقعیم طلعت عذر را
حاصل چوگشت دامن لیلا را
شد رهنمون به سینا موسی را
روشن نمود صفحه غبرا را
گو چاره ساز دیده بینا را
کز خاک ساخت ورد مطرًا را
کاین استرتتبه مردم اصفی را
چون دل نهی ستیز و معاد را ؟
پائین شمر نشستن بالا را
بشناسد ارحقیقت و معنا را
قرآن بخوان و علم الاسما را (۱)
 بشنو بیان حضرت مولی را (۲)
 راضی مشو مراتب ادنی را
 از کف منه فضیلت و تقوی را
 بر دیگران بیاموز آنها را
 وین سیره است مردم دانا را
 بشناخته ست رب توانا را (۲)
 بازی مگیر معنی والا را
 پیموده ای طریق معلا را
 توفیق این مراتب اسنی را

ساقی بیار ساغر صهبا را
آن ساغری که سیردهد در عرش
آن می که قطره ایش به کام اندر
تا مهر در حجاب شود بنمای
برخاستی و فتنه به پا برخاست
تا شد پدید روی تو از جنت
تا قامت تو گشت عیان بر دیم
امروز دل به یاد تو دارم خوش
باز آی و برفزا به نشاط دل
ما دل به غیر دوست بسپاریم
مجنون عشق می ندهد از دست
آن شعله در دل است که در بیدا
آن فیض شامل است که انوارش
گر مدّعی نه بنگرد آن انوار
دل دار حضرت بیچونی
هرگز به غیر صلح و صفا منگر
تا آشتبی به کار توانی داشت
بالا نشستن از هوس باشد
به به چه رتبتی است پی انسان
او از ملایک است بسی برتر
جرم صغیر نیستی ای انسان
 بشناس قدر خویش و تعالی جو
 رفتار نیک و داشش و عرفان خواه
 آنج از کتاب معرفت آمختی
 باشد زکوه علم همین معنی
 گفتند هر که خویشتن اشناسد
 این ره بباید که به سر پیمود
 کر خدمتی به خلق توانی کرد
 خواهد ذکائی از مدد طالع

(۱) و علم آدم الاسماء کلهای (قرآن مجید ، سوره بقره ، آیه ۲۱)

(۲) - اترمع اثک جرم صغیر ؟ و فیک انشتوی العہل الاکبر (حضرت امیر المؤمنین)

(۲) - من عرف نفسه فقد عرف ربه



میان کوههای بلند شمال ایران به فاصله ۲۵ کیلومتری شهر سمنان مجاور کویر مرکزی زندگی می کردند.

در شمال سنگسر ده شهمیرزاد واقع شده ، البته هر دو ده در حال حاضر به شهرک های نسبتاً بزرگ تبدیل گردیده اند . اکثر مردم سنگسر در آن موقع به علت نداشتن زمینهای مسطح کشاورزی به کار گوسفند داری مشغول بودند . اهالی سنگسر قبل از اسلام زردهشتی بوده اند و هنوز بقایای آتشکده قدیم در بالای کوههای جنوبی سنگسر به نام قلعه امامزاده قاسم موجود است .

قبل از ظهور حضرت رب اعلی در سال ۱۸۴۴ میلادی (۱۲۶۰ هجری قمری) در سنگسر مجتهدی به نام آخوند میرمحمد علی شهیر که یکی از شاگردان شیخ احمد احسانی و سید کاظم رشتی بوده در نهایت زهد و تقوی و خضوع و راستی و درستی زندگی می کرده . میرمحمد علی به اتفاق دو پسرش بنام سید احمد و آقا سید ابوالقاسم جهت استفاده و ادامه تحصیلات اسلامی در محضر سید کاظم رشتی به کربلا رفتند ، در حالی که پسران دیگر میر محمد علی به نام های سید ابوطالب و سید محمد رضا بعلت صغر سن در سنگسر ماندند . در موقع ورود متوجه شدند که سید کاظم رشتی اخیراً وفات کرده و جانشینی برای خود معین نکرده و به شاگردان وصیت کرده که ظهور قائم موعد نزدیک است و شاگردان می بایستی به نقاط مختلف

بسم رینا العلی الاعلی
جناب ملا یحییٰ علیہ بھاء اللہ و غفرانہ مؤمن
جانفسان امرالله

عارف شهیر ایران ، فخرالدین عراقی در باره عشق روحانی چنین سروده :

عشق شوقی در نهاد ما نهاد
جان ما را در کف غوغای نهاد
داستان دلبران آغاز کرد
آرزوئی در دل شیدا نهاد
قصه خوبان بنوعی باز گفت
آتشی در پیر و در بُرنا نهاد
رمزی از اسرار باده کشف کرد
راز مستان جمله برصحرا نهاد
عقل مجنون در کف لیلی سپرد
جان وامق در لب عذرنا نهاد
فتنه‌ای انگیخت ، شوری در فکند
در سرا و شهرما چون پا نهاد
چون در آن غوغاعراقی را بید
نام او سر دفتر غوغای نهاد
یحیی در خانواده ای بسیار متدين و با تقوی در ده سنگسر از توابع سمنان در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی متولد گردید اسم پدرش اصغر و اسم مادرش زینب بود ، جمعیت سنگسر در آن موقع تخمیناً کمتر از ده هزار نفر بود . اهالی سنگسر مردمانی بسیار شجاع و با غیرت و کوهستانی در

کوشش فراوان موفق به اعلاه کلمه در سنگسر و شهمیرزاد و مازندران گردیدند و عده زیادی را به امر مبارک باب تبلیغ کردند . ملا یحیی یکی از این تازه تصدیقان بایی قبل از اظهار امر حضرت بهاء اللہ در بغداد بوده است پس از تصدیق ، از شوق سرمست جام محبت اللہ گردید و بقول مولانا جلال الدین رومی :

بیائید ، بیائید که گلزار دمیدست
بیائید ، بیائید که دلدار رسیده است
بیارید به یکبار همه جان و جهان را
به خورشید سپارید که خوش تیغ کشیده است
بر آن زشت بخندید که او ناز نماید
بر آن یار بگریبد که از یار بریده ست
همه شهر بشورید چو آوازه در افتاد
که دیوانه دگر بار ز زنجیر رهیده است
چه روز است و چه روز است چنین روز قیامت
مگر نامه اعمال ز آفاق پریده است
بکویید دهلا و دگر هیچ منگویید
چه جای دل و عقل است که جان نیز مریده است

ملا یحیی در سنگسر مکتب و مدرسه داشت ، روزی جمعی از طلاب مدرسه فتوائی را که روحانیون متعصب سنگسر و سمنان و شهمیرزاد مبنی بر قتل دسته جمعی بایان داده بودند به حضورش آوردند و از او درخواست کردند که آن فتوی را امضا کند . ملا یحیی به آنها گفت که این فتوی بر خلاف اصول

ایران رفته و قائم موعود را پیدا کنند . میر محمد علی و پسرانش به نجف اشرف رفتند و در آنجا خوابی از حضرت محمد صل الله علیه می بیند که به پسرانش سفارش می فرماید و وعده می دهد که آن ها قائم موعود را خواهند دید و در راه آن حضرت شهید خواهند شد . میوحمد علی در نجف اشرف صعود کرد و پسرانش به سنگسر باز گشتند و در انتظار خبر ظهر قائم موعود اهالی سنگسر را آماده کردند . پس از گذشت مدتی کوتاه ندای ظهر حضرت اعلی را از طریق جناب ملا حسین بشرویه ای که از مشهد عازم قلعه شیخ طبرسی بود شنیدند و پس از تحقیق آن ها هم با تعداد زیادی از اهالی سنگسر و شهمیرزاد بایی شده و جهت کمک و دفاع از پیروان مظلوم و ستمدیده حضرت رب اعلی به قلعه شیخ طبرسی رفتند . در خاتمه وقایع شیخ طبرسی عده ای از اصحاب جناب قدوس به اسارت دشمنان افتادند . این دو برادر نیز به عنوان اسیر به طرف ساری و سنگسر برده شدند . سید احمد را آخوند ملاتقی متعصب در بین راه شهید کرد . میرابوالقاسم نیز در همان شب که جناب باب الbab شهید شدند او هم شهید شد .

برادر دیگر سید احمد جناب سید ابوطالب بقیة السیف به سنگسر باز می گردد . در تاریخ نبیل زرندی شرح حال مفصل این دو برادر و شهدا و یاران غیور سنگسر به ثبت رسیده است . سید ابوطالب و برادر کوچکش سید محمد رضا با

پیچیده شد که اکثر ملایان قشیری یارای روبرو شدن با او و مباحثه در احادیث و کتب اسلامی را نداشتند . دشمنان سرسخت امر حضرت رب اعلی نیز از شهامت و دلیری و استقامت او واحبای دیگر سنگسر مانند ملا یوسف (پدر بزرگ شهید قهرمان اخیر امر جناب یوسف سبحانی) ، حاج محمد بیک ، ملا مولی و ملا محمد (پدر بزرگ شهید مظلوم اخیر امر جناب نصرت الله سبحانی) جرئت نمی کردند به احباء اذیت و آزار برسانند زیرا از « یحیی بابی » بسیار حساب می بردند .

در دوران تبعید جمال اقدس ابھی از طهران به بغداد و از آن جا به اسلامبول ، ادرنه و عکا همیشه با مرکز امر در ارتباط بود و الواح زیادی از حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی به افتخارش نازل شده و یکی از آنها در کتاب « ادعیه حضرت محبوب » چاپ شده و اکثر الواح اصل در مرکز جهانی امر محفوظ گشته است .

پس از اتفاقات مهمه در ادرنه و انفال یحیی ازل و ناقصین پرتدلیس از امر ، ملا یحیی عریضه ای به حضور جمال مبارک فرستاد و در آن عریضه از حضور مبارک اجازه خواست که اسم خود را که یحیی بوده به اسم دیگری عوض کند زیرا یحیی ازل صدمات زیادی به هیکل مبارک و دیانت بابی و بهائی زده بود و ملا یحیی نمی خواست هم اسم ازل باشد ، در جواب هیکل مبارک به او می فرمایند که اسمش را عوض نکند و به کوششهای امری ادامه

و مبادی اسلام است و آن رالمضاء نخواهد کرد و علاوه بر این خود او هم بابی است . با شنیدن این جملات طلبه های متعصب به او حمله کردند و کتك مفصلی به او زدند و او را به حال اغماء و تقریباً بی جان در مکتب خانه انداختند .

مادر و خانواده ملایحی به مکتب خانه رفتند و بدن مجروح او را روی پلاسی گذارده به منزل آوردند . در آن زمان به علت نداشتن طبیب ، بیمارستان و دارو در سنگسر ملا یحیی را در پوست گوسفندی که جهت این کار ذبح کرده بودند گذاشتند و برای چند روزی از این طریق دردهای عضلات مجروح شده و جوارح مصدوم او را مداوا کردند و ملایحی را از مرگ نجات دادند .

پس از این ماجرا ملا یحیی دیگر به مکتب نرفت و با شجاعت بی نظیر مخصوص به خود بدون هیچ واهمه ای مشغول به تبلیغ اهالی سنگسر و دهات اطراف آن گردید تا آن که عده زیادی را به امر مبارک بابی ، مؤمن کرد و به قول حافظ شیرازی عليه الرحمه که فرموده :

جز آستان توام در جهان پناهی نیست
سر مرا بجز این در حواله گاهی نیست
ملا یحیی یا بقول اهالی غیر بهائی سنگسر (یحیی بابی) هم کمر همت بر بست و با ایمان قوی به خدمت مشغول گشت و با این کار سر دفتر غوغای شد و مدافع ، مبلغ و معلم اکثر بابیان و بهائیان سنگسر گردید . آوازه او چنان در سنگسر و اطراف

به جلسه شوند ، ملا یحیی با یک لگد محکم درب را شکست و وارد مجلس شد همه حضار ساكت شدند ملا یحیی کتاب مستطاب بیان را که بایان می خواندند از دست آن ها گرفته و پس از بوسیدن آن را در غرفه ای در اطاق گذاشت ، به آنها گفت که دوره بیان به اتمام رسیده و دوره دیانت بهائی آغاز گشته است ، الواح و آثار مبارکه حضرت بهاء اللہ را که همراه داشت برای حضار با لحن بسیار خوش خواند و در آن جلسه همگی حضار بهائی شدند و از آن پس در سنگسر بابی باقی نماند و تمام اختلافات بین یاران منتفی گشت . ملا یحیی تا آخر حیات خود در عهد ابھی و عهد میثاق مشغول به خدمت ، تبلیغ ، تدریس احباء و مشوق آنان بوده و سنگسر در اثر خدمات او احبابی زیادی را که شجاع و ثابت قدم در امر بوده و هستند به جامعه امر تحويل داده است .

هر وقت لوح تازه ای از حضرت بهاء اللہ به سنگسر می رسید سید ابوطالب و سید محمد رضا ملا مولی و ملا یوسف و ملا محمد در نیمه های شب در منزل ملا یحیی با هم جلسه داشتند و لوح را زیارت کرده و پس از شکر گذاری قبل از طلوع آفتاب سید ابوطالب و سید محمد رضا به شهمیرزاد و بقیه به منازل خود می رفتد و لوح را برای بقیه مؤمنین در جلسات مختلف می خواندند . ملا یحیی چه روزها و شب ها که دعا و مناجات خواند و الواح را برای تازه تصدیقان سنگسر شرح داد و چه

دهد زیرا همیشه مشمول هدایت است . در آن زمان در ایران اکثر مردم به علت نداشتن شناسنامه و سرشماری اسم فامیل نداشتند و عموماً شخص را به اسم کوچکش و یا از طریق اسم پدرش (مثل حسین پسر احمد) شناسائی می کردند . در سالهای ۱۹۰۰ - ۱۹۲۵ میلادی مردم ایران موظف شدند که اسم نام فامیلی جهت خود و خانواده خود انتخاب نمایند ، نوه های ملا یحیی فامیل هدایتی را که در لوح مبارک ذکر شده بعنوان خود انتخاب کردند . این گروه که در حال حاضر بیش از پانصد نفر می شوند اکثراً در سراسر جهان مهاجر ، مبلغ ، خادم امرالله و منتخب در جوامع کوچک و بزرگ بهائی مشغول به خدمت می باشند .

پس از اظهار امر علنی حضرت بهاء اللہ جل اسمه الاعلی اکثر بایان در سنگسر هنوز بابی باقی نمانده بودند و با عده محدودی از جمله ملا یحیی که بهائی شده بود اختلاف داشتند و جلسات جداگانه تشکیل می دادند . ملا یحیی همگی را نصیحت و دلالت بر اتحاد و اتفاق و اقبال به دیانت بهائی می کرد . بایان نیز از ملا یحیی حساب می برند و لی در خفا به کار خود ادامه می دادند . یک روز به ملا یحیی خبر دادند که بایان در منزل در سنگسر جلسه ای گرفته اند . ملا یحیی به آن منزل رفت ، با دیدن ملا یحیی بایان ساكت شده و درب ورودی اطاق را قفل کردند تا مانع ورود ملا یحیی

گردیده است .

در شجره نامه خانوادگی که به همت یکی از نوه هایش جناب یحیی هدایتی تهیه شده اسمی تمام فامیل او از خانواده های هدایتی ، رحمانیان ، سبحانی ، جوادی ، رحمانی ، میثاقی . . . دیده میشود اکثر بهائیان سنگسر از فامیلهای روحانی ، ملا یحیی هستند زیرا اجداد آنها بوسیله ملا یحیی به دیانت مقدس بایی و بعد بهائی هدایت گشته اند .

جناب ملا یحیی علیه بهاء الله
هوالهیمن علی الاسماء

يا یحیی تحرک قلمی الاعلی بین الوری فی العشی و الاشراق و دعا الکل الی الله مولی الاسماء و فاطر السماء الّذی اتی من سماء الفضل بقدرة ماغلبتها سطوة الفجّار قد حضر العبد الحاضر و ذكرك ذكرناك بمالایعادله الاذکار انا ذكرناك من قبل و في هذا الحین الذی انار افق سماء برهانی بنیر المعانی و البيان خذ كتاب الله بقوه و ضع ما عند مطالع الظنون والاوہام طوبی لك و لمن سمع قولك فی امرالله رب الاریاب انا نذكر فی هذالمقام ابنك سمی بغلام قبل حسین و ابنك الآخر الذی فاز بانوار العرفان فی الماب و نکر على وجه ضلعلک و بناتک اللائی آمن بالعزيز الوهاب الذی باسمه ماج بحرالبيان فی الامکان و سرت نسمة الله علی البلدان البهاء المشرق من افق سماء عنایتی علیکم و علی كل عبد قام علی نصرة الامر بخضوع و اناب و الحمد لله مالک المبدء والمعاد .

مقدار زجر و جفا از بی وفایان و بی خردان که مخالف امرالله بودند کشید ، آنی آرام نداشت و مانند شمع روشن ظلت را به نورانیت هدی تبدیل کرد و به خدمت امرالله مشغول بود . از طرف حضرت بهاء الله مبلغین زیادی از جمله جناب میرزا حیدرعلی اصفهانی ، جمال بروجردی (۱) ، جناب طراز الله سمندری ، جناب ورقای شهید ، جناب کاظم سمندر . . . به سنگسر برای تشویق احباء می آمدند و به کمک ملا یحیی احباء را ملاقات می کردند . او دستورات و تعالیم مبارکه را کاملًا مطیع و با جان و دل پاک و بدون هیچ انتظاری جز بر آوردن رضای مبارک انجام می داد . علمدار و پیشقدم تمام امور امری در سنگسر بود . در یکی از الواح جمال مبارک به افتخار ملا یحیی می فرمایند :

« ذكرك و ذكرناك بمالایعادله الاذکار، انا ذكرناك من قبل و في هذالحين الذی انار افق سماء برهانی بنیر المعانی . . . »

والده محترمه ام گلبانو خانم هدایتی ، سبحانی یکی از نوه های ملا یحیی می باشد . ایشان بیش از سی و چهار سال مقیم شهر ون نایز Van Nuys کالیفرنیا بوده و مشغول خدمت به آستان مبارک هستند . منزل ایشان در سی سال اخیر تقریباً حظیره القدس ثانی برای احبابی لوس آنجلس

(۱) در دور میثاق نقض عهد نیر آفاق نمود .

اخبار و بشارات امریه

افتباش و ترجمه از اخبار بین المللی

استرالیا :

خدمات فدکارانه احباب در مشروع تبلیغی ،

کالیس فدرستون Collis Featherstone :

تأنید بود ۲۱ تن از کشورهای فرانسه زبان ، ۲۰ تن از اقالیم انگلیسی زبان ، و از گروه ممالکی که بزبان پرتغالی تکلم می نمودند ۶ تن حاضر بودند حضور دو نفر از اعضای هیئت مشاورین دارالتبليغ بین المللی و ۴ نفر از اعضای مشاورین قاره ای مزید روحانیت و شکوه کنفرانس کردید . بخشی از مشاورات بنقش اعضا هیئت معاونت در پیشرفت محسوسی در تحقیق دخول افواج مقبلین به شریعت الله اختصاص داشت . اهمیت تأسیس مؤسسات امری بمنظور تربیت قوای انسانی از دیگر موضوعات مطرحه بود .

کانادا :

انتشار بی سابقه دیانت بهائی در بین سرخپوستان ایالت کبک Quebec یکی از اهداف جامعه بهائی کانادا گسترش و تحکیم امرالله در بین سرخپوستان ماتنه نیه Montagnai بوده و در طی سالهای اخیر چهارتمن از اعضای این جامعه بشرف ایمان فائز کردیده اند . در جریان مسابقات بین قبیله ای که در ماه جولای سال گذشته در اوشات Ushat برگزار گردید سه نفر دیگر تصدیق امرالله کردند . خبر این موفقیت تبلیغی جاذب بهاییان نواحی مجاور گردید و موجبات ۱۰ سفر تبلیغی را فراهم ساخت . در ماه فوریه یکی از جوانان بهائی بومی در طی یک برنامه رادیوئی شرح جامعی در مورد چکونگی ارتباط روحانیت و فرهنگ قومی خود با تعالیم نوین حضرت بهاء الله سخن گفت . چهار روز بعد از پخش این برنامه یک گروه از مبلغین سیار در این ناحیه

برای سومین تابستان پی در پی ، لجنة ملی جوانان از نوامبر ۱۹۹۶ تا فوریه ۱۹۹۷ اقدام به انعقاد مشروع تبلیغی بیاد حضرت ایادی امرالله کالیس فدرستون نمود . حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از احباب برای دو هفته داوطلب خدمت در این پروژه گشتند . از مشخصات مشروع مذکور تشکیل کلاسهای ترنید معلومات امری ، اشتغال داوطلبین بخدمات اجتماعی ، استفاده از هنر بمنظور جلب توجه جامعه خارج به امر و دعوت از جوامع محلی بشرکت در رویدادهای بهائی ، بوسیله نامه را میتوان بر شمرد هریک از داوطلبین بهائی بنوعی مفهوم ایثار و فدکاری را به منصه عمل در آوردن . جمعی روزهای تعطیل اوقات خود را صرف خدمت نمودند . برخی نیز از ساعات کاری خود کاستند و حتی بعضی افراد بمنظور تبلیغ امرالله از زیارت باعتاب مقدسه چشم پوشیدند .

ساحل عاج :

بذل هم و مساعی مُجدانه جهت پیشبرد

اهداف نقشه چهارساله :

گردهمانی اعضا هیئت معاونت در شهر ابیجان Abidjan با حضور ۴۷ تن از اعضاء از ۱۵ کشور مختلف در بین ۱۴ تا ۱۷ ماه فوریه قرین موفقیت و

ژاپن :

اعلان تعليمات دیانت بهائی در یک

سخنرانی عمومی :

یکی از احبابی توکیو بنام دکتر توشیو سوزوکی Dr. Toshio Suzuki طی نطقی تحت عنوان " مسائل مطروحه [در پزشکی و سالخوردگی] " که در ساپورو Sapporo منعقد گردید صراحتاً توضیحات مبسوطی درمورد دیدگاه شریعت ابهی در اختیار شنوندگان خود قرار داد . دکتر سوزوکی اظهار نمود که علی رغم پیشرفت‌های قابل تحسین پزشکی در زمینه سالخوردگی ، جامعه انسانی هنوز به عوامل عاطفی این مهم امعان نظر کافی ننموده است . ایشان با استمداد از نصوص بهائی بتشریح مواضع امری پرداخت .

جزائر سلیمان :

مسافرت بشر دوستانه سیّاح امریکائی : در ماه ژانویه از خانمی امریکائی که در دفتر جامعه امریکائی جزائز سلیمان اشتغال بکار دارد خواسته شد Dr. Elbert Ransom که از طرف دولت ایالات متحده امریکا مأمور مسافرت به جزائز جنوبی اقیانوس آرام شده بود گردد ، دکتر رانسوم یک کشیش امریکائی است که با دکتر مارتین لوتر کینگ Dr. Martin Luther King در یک کالج درس خوانده است . ایشان در جریان احراق آزادی ها و حقوق شخصی ، دهه ۶۰ همراه دکتر کینگ و بعد از مرگ او کماfy الساق در

حاضر و در اثر مساعی ایشان ده تن از اعضای جامعه مانته نیه مؤمن گردیدند .

انگلستان :

همدیگر را یاری دهید تا مبلغین مؤثّرتری گردید : آقای دان راجرز Don Rogers عضو هیئت مشاورین دارالتبلیغ بین المللی در ملاقاتی با احبابی بلفاست Belfast در ششم فوریه اظهار داشتند که مؤسسات تبلیغی بمنظور تعاون و تعاضد یکدیگر در تبلیغ امری وجود آمده اند . آقای راجرز بمنظور تشویق بایجاد مؤسسات تبلیغی به ایرلند شمالی سفر نموده بود . ایشان توضیح دادند که حضرت ولی عزیز امیرالله تبلیغ را نوعی " هنر " بیان فرموده که مستلزم فراکیری بعضی قابلیت ها است هدف مؤسسات باید توانانی برای انجام خدمت باشد . بنا به فرمایشات ایشان بیت العدل اعظم الهی در حال حاضر سه امر را اهم از سانر امور می دانند : تبلیغ توسط فرد احباء ، توسعه و بلوغ جوامع محلی و پیشرفت مشروعات قوس کوه کرمل ، مورد آخر بنا به اظهارات آقای راجرز سرعت در حال پیشرفت است اما در مورد اول منوط به هم و مساعی افراد محافل روحانی و مؤسسات امری است . فرصت مغتنم است ، هرگز مردم تا باین حد تشه تعالیم الهی نبوده اند ، این واقعیت را در گسترش انجمنهای غیر دولتی در ممالک عالم می توان مشاهده نمود . مردم از سیاست بیزار و طالب راههای جدید دیگرند . شریعت بهائی پاسخگوی این کروه از مردمان است

راه تثبیت آزادیهای فردی کام برداشت .

مسافرت ایشان به جزائر سلیمان مصادف با روز دکتر کینگ بود . دکتر رانسوم ضمن دیدار با یکی از اعضای محفل ملی در باب امر بهائی بصحبت نشست و در ضیافت ناهاری که بافتخار ایشان در حظیره القدس منعقد گردید حضور یافت .

کامرون :

انعقاد کنفرانس ملی درمورد هدف اصلی نقشه چهارساله :

تعداد صد ۲۵ نفر از جامعه بهائی در کنفرانس ملی بمیندا Bamenda که از ۲۷ تا ۲۰ مارچ منعقد گردید شرکت نمودند ، حضور یک تن از اعضای هیئت مشاورین قاره ای ، چهار تن از اعضای هیئت معاونت و ۵ تن از اعضای محفل ملی شور و جلوه خاصی باین گردهمائی داد . موضوع اصلی کنفرانس ، تسریع روال دخول افواج مقبلین بود و کارگاههای Workshops ویژه ای در این خصوص تشکیل شد . روحیه عشق و اتحاد بین جمع حاضر تا حدی محسوس و ملموس بود که در پایان کنفرانس ، دو تن داوطلب اقدام به اسفار تبلیغی برون مرزی و نه تن داوطلب-مهاجرت داخلی گردیدند .

موفقیت شگفت انگیز سفر تبلیغی یک

هفته ای به هائیتی

شش تن از احبابی مونتریال کانادا متشكل از پنج نفر و مادر یکی از جوانان (سرکار خانم نعمه کاسوف Naghmeh Kassouf در روز ۲۶ مارچ وارد پورت اوپرنس Port Au Prince گردیدند ، تیم مذکور در بدو ورود به دو گروه تقسیم شد و بدون فوریت وقت به اجرای ماموریتهای امری محوله مشغول گردید . گروه اول در پاییخت ماند و به کمک و مساعدت در فعالیتهای مدرسه زنوزی و همچنین ملاقات با مؤسسات جوانان پرداخت ، گروه دوم راهی منطقه ساحلی جسل Jacmel گردید و پس از دیدار با جوامع محلی بهائی به اعلان امر عمومی در دهکده های لافاند Lafond و موزک Mouzac مشغول گشت و موجبات اقبال و تصدیق ۱۲ تن را فراهم آورد . حسن ختم این مسافرت کوتاه مدت ولی پرثمر ، نشست خانم کاسوف با عضو بلند مرتبه مملکتی خانم ریموند راوی Raymonde Ravix رئیس اجرائی دفتر وزارتخارجه حقوق بانوان بوده ، خانم راوی با کنجکاوی محسوسی در باب مواضع گوناگون امر الهی سئوالاتی نمود و توضیحات کافی و شانی در جواب دریافت کرد .

فرستنده خبر خانم نعمه کاسوف برای لجه نیین
اللی مهاجرت کانادا و دفتر خدمات امری جوانان
تلخیص و ترجمه از عندلیب

تشکیل محل روحانی جدید

۱- محل روحانی بیک که اخیراً تکثیر شده است



خبری از مقدونیه -۲

جناب هوشنگ کهریز مهاجر کرامی مقدونیه
که اخیراً از بلغارستان بدانجا رفته اند در نامه ای
بعنوان عدلیب چنین مینویسند :

«اکنون قریب سه ماه است که در مقدونیه ساکن
هستم ، در این مدت کوتاه با آمدن یک گروه از
جوانان کشورهای مختلف و ترتیب نمایش و موزیک
، در بی آن تبلیغ و تحییب افراد بومی ۴۰ نفر تازه
تصدیق داشته ایم . چون در این مملکت فقط یک
محفل روحانی محلی داشت با کمک و راهنمایی
مشاور محترم جناب بالازاده توانستیم سه محل
روحانی دیگر تشکیل دهیم و امیدواریم تا رضوان
آینده موقع شویم دو محفل دیگر تشکیل داده
شاهدتشکیل اولین محفل روحانی ملی کشور مقدونیه
کردیم .

عکس محفل جدید التاسیس شهر Debar را
فرستاده اند که عیناً گراور میگردد .



ا خ ب ا ر م صو ر



جزائر سليمان : کروه آواز ۲۵ نفری (عندلیبان)
بعد از دو روز راهپیمانی به منطقه تاریوتا Tariuna رسیده و در یک مشروع تبلیغی شرکت نمودند .

مشروعات جبل کرمل : عملیات ساختمانی جهت پایانی آوردن سطح خیابان هتسی نوت Hatzionut و بنای محل آینده مرکز علومی اطلاعات و Avenue اداره حفاظت و ایمنی با جدیت تمام پیش میرود .



هند : در جریان مراسم بزرگداشت دهیمین سالگرد افتتاح مشرق الاذکار نیو دهلي ، کروه گر انگلیسی مدرسه نیو ارا New Era School توجه همکان را معطوف بخود ساخت .



پال : دکتر دویت الن Dr. Dwight Allen نطقی
تحت عنوان " مذهب و تقلیب " در حظیره القدس
کاتاندو Kathmandu ایراد نمودند .



مشروعات جبل کرمل : پروژه سنگ کذاری یکی
از اینهای دارالتحقیق بین المللی در شرف اتمام است .

مشروعات جبل کرمل : این عکس دورنمایی از
دارالتبیغ بین المللی را نشان می دهد ، طرح سیمان
ریزی سالانه اینست این بناء در حال اجرا میباشد .





مشروعات جبل كرمل: این عکس زیبایی دلپذیر ساختمان با شکوه دارالتحقيق را نشان میدهد .

وانآتو Mrs. Helen Vanuatu خانم هلن ریسن ویر Reissenweber در حال اهدای یک کتاب به ریاست جمهوری آقای ژان ماری لینیلکا Jean Marie در روز برتدابینز Bertha Dobbins که Lenelgau بیادکار فارس آن خطه نامگذاری شده دیده میشوند .



مشروعات جبل كرمل فعالیتهای ساختمانی بر روی شش طبقه از نه طبقات بنای دارالتبليغ که در شمال شرق مقر بیت العدل اعظم الهی واقع کردیده پیايان رسیده است .

مکزیک : جامعه بهانی در بازار جهانی کتاب که در ماه دسامبر گذشته برگزار گردید شرکت نمودند.



سنگال : اعضای محفل روحانی محلی Dioral در کنار مزرعه زراعت که متعلق به امر می باشد مشاهده میشوند.

پاراگوئه : در نشست مشترک نمایندگان چهارمحفل روحانی ملی، مواضع گوناگون نقشه چهارساله مورد مشاوره قرار گرفت.





‘ANDALÍB

